

پرسشها از ایرانیان و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

مرده ده آن بندگان مرا که بجن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

تحریم، همواره دعوت به جنبش همگانی بوده است

درخور یادآوری است که پاسخ به پرسش اول پرسش کنندگان محترم، دو شنبه ۱۸ خرداد نوشته است. تقلب بزرگ و جنبش همگانی آفتابی است که در پرتو نورش خواننده این نوشته را می خواند:

جناب آقای بنی صدر
۱ - با توجه به موج فزاینده‌ای که، هم از سوی جامعه و هم از سوی نیروهای سیاسی، به سوی مشارکت در انتخابات به وجود آمده و روز به روز بر دامنه آن افزوده می‌شود (که به گمانم از دوم خرداد به مراتب عظیم‌تر و گسترده‌تر است)، اگر راه‌حل در تحریم انتخابات است، چگونه پس از ۳۰ سال از راه حل دورتر شده‌ایم و نه تنها موفق به جنبش تحریم نشده‌ایم، بلکه جریان تحریم از اثر افتاده است؟ چگونه جریان تحریم را به اثر خود بازگردانیم و از آنجا در به وجود آمدن جنبش تحریم بکوشیم؟

پاسخ‌ها به پرسشها:

۱ - تبی که برغم تحریم جامعه را فرا گرفته است:

پرسش صورت و محتوا تحریم را در بر نمی‌گیرد. از محتوای تحریم غافل است. محتوای تحریم، نه به ولایت مطلقه فقیه و آری به ولایت جمهور مردم است. هرگاه برغم تبی که «فکر جمعی جبار» پدید آورده است، رأی دهندگان و تحریم کنندگان، به این نتیجه رسیده باشند که مشکل، قدرت باوری و قدرتمنداری است و ولایت مطلقه فقیه، نماد قدرت باوری و قدرتمنداری است و هدف می‌باید استقرار ولایت جمهور مردم، بمثابة رها کردن باور به قدرت و کاستن از بار قدرت در رابطه‌ها است، جنبش تحریم به پیروزی بزرگی دست یافته است. بدین قرار، هرگاه مردم بدانند که ولایت مطلقه فقیه را نمی‌خواهند و ولایت جمهور مردم را می‌خواهند، رأی دادن و رأی ندادن، دو روش برای یک هدف می‌شود. رأی ندادن و به جنبش درآمدن، روش سازگار با هدف و شفاف است. اما رفتن و رأی دادن، سازگار با هدف و شفاف نیست. با وجود این، هرگاه رأی دادن و نتیجه نکرختن به جنبش همگانی سر باز کند و جنبش تا استقرار ولایت جمهور مردم ادامه یابد، هیجان شرکت در دادن رأی خود را به خرد جمعی سپرده و این خرد هدف جنبش تحریم را پذیرفته و راهبر جمهور مردم در سمت و سوی استقرار ولایت جمهور مردم می‌شود.

اما تبی که کثیری از مردم را گرفته است، فراورده یک «فکر جبری جبار» است. بنابر این فکر، با جانشین کردن آقای احمدی نژاد با آلت فعل دیگری، ایرانیان حداقل (بنا بر نوعی از فریب) و یا حداکثر متصور در محدوده رژیم (بنا بر نوع دیگری از فریب) را بدست می‌آورند. در این صورت نیز، تحریم کنندگان انتخابات، به دلیل اظهار حق و ایستادگی بر حق و دعوت به حق، صاحب زمان، از ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ به بعد می‌شوند. چرا که هم آنها هستند که می‌توانند جامعه را از احساس فریب و ماتمکده یاس بدر آورند. هم آنها هستند که مسئولیت اول را پیدا می‌کنند در فراخواندن مردم به احقاق حق خویش که ولایت جمهور مردم است.

و هرگاه، با وجود تب رأی دادن، نام آقای احمدی نژاد را از صندوق رأی بیرون آورند، با توجه به ماهیت رقابتی او، مردم گرفتار احساس فریب و یأس و کزکردگی شدید می‌شوند. بدیبهی است مسئولیت تحریم کنندگانی که استقرار ولایت جمهور مردم را هدف قرار داده‌اند، دو چندان می‌شود. زیرا صدای آنها است که گوشها خواهند شنید و این صدا، می‌باید مردم را به امید و عمل در راست راه ولایت جمهور مردم، بخواند.

بدین قرار، رهنمود قرآن ترجمان موازنه عدمی است و به انسان می‌آموزد: ایستادن بر سر حق و اظهار حق و فراخواندن به حق، روشی است که به پیروزی می‌انجامد. با وجود این و برای این که تحریم را بمثابة یک جنبش تا ممکن است شفاف کنیم، تشریح می‌کنیم:

۱ - حق این خاصه را دارد که نه تجزیه پذیر است و نه انتقال پذیر. هر انسان و هر ملتی که از این خاصه حق غافل شد، زندگی را از دست داد. چرا که هر حق از حقوق ذاتی را که جزء جزء کنی، از میانش برده‌ای. برای مثال، وقتی کسی به جزئی از حق نفس کشیدن قانع شد، خود را محکوم به مرگی زجر آور کرده است. و اگر به جزئی از حق رهبری تن داد، بنا بر میزان محرومیت از حق، سفیه، دیوانه و یا محکوم به مرگ می‌شود.

و نیز حق قابل انتقال به غیر نیست. چنانکه حق حیات را نمی‌توان به دیگری انتقال داد. استعداد و حق رهبری را نیز نمی‌توان به دیگری انتقال داد. چرا که محروم کردن خود از استعداد رهبری، خودکشی است. از این دید که بتگری، ولایت مطلقه فقیه را ضد حیات یک ملت می‌یابی.

در صفحه ۲

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۲۶ از ۱ تا ۱۴ تیر ۱۳۸۸

کیش و مات

◀ کشماکش بر سر تعیین سر نوشت «رهبر» و «رهبری» است: ص ۳

◀ نظام ولایت مطلقه بن خود را می برد: ص ۴

◀ کارگردان انتخاباتی که هاشمی رفسنجانی است، خامنه ای را

کیش و مات کرده است: ص ۵

◀ خامنه ای بر مردم روشن کرد که تقلب بزرگ، ولایت مطلقه فقیه است: ص ۸

◀ هشدار پیش از انتخابات رسوا و فراخواندن به جنبش و همبستگی

بعد از آن و تحول شعارهای مردم: ص ۹

◀ مقایسه وضعیت اقتصادی کشور در دوره های موسوی و رفسنجانی و خاتمی

و احمدی نژاد: ص ۱۱

◀ سرکوب شرکت کنندگان در جنبش همگانی: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: تخاصم در مرکز قدرت حاکم، همچون آتش فشان سر باز کرد. دو طرف تخاصم می‌گویند به بازی شطرنج قدرت مشغولند. طرفه این که هر دو طرف مات شده‌اند. در فصل اول گزارشی را می‌آوریم که ما را از امر مهمی آگاه می‌کند: نزاع بر سر رهبر و رهبری است. جنگ در مرکز قدرت بر سر از دست یکدیگر بیرون آوردن قدرت است و نه جا به جا کردن مهره ای با مهره ای دیگر. در فصل دوم گزارش دیگری از ایران را می‌آوریم که تقابل خصمانه در درون رژیم و بر سر تمام قدرت را شرح می‌دهد. در فصل سوم، اطلاعاتی را می‌خوانید در باره سازماندهی تقلب بزرگ: معامله ای که سه ماه پیش انجام گرفته است. حیل و عهد شکنی خامنه ای و تحمیل احمدی نژاد و اهمیت نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه ای. در فصل چهارم، اعتراض های «نامزدهای شکست خورده» به انتخابات را می‌باید. این اعتراض ها نیز اهمیت دارند از این نظر که ایران وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود می‌شود. از آنجا که اعتراض ها، ولو نه به صراحت، متوجه خامنه ای هستند. بدین سان، خواست همگانی آنها را ناگزیر کرده است که در برابر «حکم حکومتی» خامنه ای بایستند.

در صفحه ۳

ژاله وفا

تجزیه "انتخابات" عاری از صداقت

متن سخنرانی ژاله وفا در جلسه بحث پاریس به دعوت مجامع اسلامی ایرانیان روز شنبه هفدهم خرداد ۸۸ یک هفته قبل از "انتخابات"

سخنان خود را با شما حضار محترم با بیان یک خاطره کودکی خود آغاز می‌نمایم. ۸۰ ساله بودم که در مسافرت به مشهد برای اولین بار شاهد صحنه های یک تجزیه خیابانی شدم. در عالم کودکی خود محو آن نمایش شدم. اما در آخر آن نمایش تجزیه شاهد امری شدم که ذهن کودکی ام نیز در آن زمان قادر به هضم آن نبود. آن منظره گرفتن عکس یاد گاری شمر و یزید و امام حسین دست بر گردن هم بود! این خاطره به علت گذر زمان مثل یک پیچک خشک شده بر ذهن من چسبیده بود. تا اینکه در دو ماه اخیر در نمایش تجزیرات به اصطلاح "انتخابات" نظام حاکم با مشاهده صحنه ها، گفته ها و نوشته هاو تحیل های متضاد غیر قابل هضم، آن خاطره دوباره برای من زنده شد. به جز اینکه در تجزیه این نمایش "انتخابات" رژیم، جای صداقت و مظهر آزادی خالی بوده و هست.

در صفحه ۱۴

فرید راستگو

کودتا بر ضد رای مردم و مردم بر علیه نظام

(نبرد رفسنجانی و خامنه ای)

روز شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ با اعلان نتایج آرای دهمین دوره ریاست جمهوری از طرف صادق محصولی وزیر کشور رژیم حاکم، احمدی نژاد با کسب ۶۲.۶۳ درصد آرا برای بار دوم با تقلبی بزرگ به مقام ریاست جمهوری ایران رسید. با اعلان نتایج آرا مردم ایران شگفت زده و بهت زده شدند. این بهت و سر خوردگی وسیع تنها بخاطر انتخاب احمدی نژاد نبود که وجودش بعنوان رئیس جمهور ایران عامل بی آبرویی ملت ایران است بلکه بخاطر آن بود که دگر بار رهبر نظام شور و شعور آنان را به باد تمسخر گرفته بود و برای آنان و رای شان پشیزی قائل نیست.

در صفحه ۱۵

در صفحه ۲



تحریم، همواره دعوت به جنبش همگانی بوده است

برای آنکه توضیح شفاف تر شود، یادآور می‌شوم که در طول یک قرن، ایرانیان سه نوبت انقلاب کرده‌اند. اما همواره به جزئی از استقلال و به جزئی از آزادی بسنده کرده‌اند. در نتیجه، نه استقلال جسته‌اند و نه آزادی. هرگاه می‌دانستند که حق قابل تجزیه به اجزاء و قابل انتقال نیست، کودتای رضاخانی و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و کودتای خمینی - هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای و بهشتی، در خرداد ۶۰، ممکن نمی‌گشت. هنوز نیز نمی‌دانند که حق جزء جزء کردنی و قابل انتقال نیست. وگرنه ممکن نبود رژیم چهار مجرم را نامزد کند و کثیری تب رای دادن به یکی از آنها را بگیرد. از این دید که بنگری، تحریم انتخابات تصدیق تجزیه ناپذیر و قابل انتقال نبودن حق حاکمیت و ایستادگی بر این حق تا بازیافت آن از سوی جمهور مردم است.

بدین قرار، از کارهایی که همواره می‌باید کرد، یکی توضیح ویژگی‌های حق، بخصوص تجزیه و انتقال ناپذیری حق است. تا مگر ملت ما حقوق خود را، در کمال، خود بخواهد و بیاید.

۲- هر حقی خود روش خویش است. همانطور که حق غذا خوردن با غذا خوردن تحقق می‌یابد، حق حاکمیت نیز از راه اعمال این حق است که تحقق می‌یابد. محرومان از حق حاکمیت با شرکت در انتخابات، این حق را از خود سلب می‌کنند. بنابراین، تسلیم شدن به قدرت ویرانگر به خطر افکندن حیات ملی است. آیا مردمی که «فکر جمعی جبار» در آنها تب شرکت در انتخابات را پدید آورده است، با توجه به این دو ویژگی حق، به پای صندوقهای رای می‌روند؟ هرگاه پاسخ این پرسش را بخواهیم از شعارها بشنویم که همه روز در خیابانهای تهران، سر داده می‌شوند و در فضا طنین می‌افکنند، ایرانیان این اندازه از حقی که دارند و باید مطالبه کنند، آگاه هستند. اما نه آگاهی آنها کامل و شفاف است و نه می‌دانند روش رسیدن به حق، عمل به آنست.

بدین قرار، آگاه کردن مردم ایران از حق حاکمیت خویش و این واقعیت که روش بازیافت آن، عمل به این حق و بر خاستن برای نشان دادن حق خود بر جای ناحقی است که ولایت مطلقه فقیه است، کار بایسته دیگری است، که باید انجام داد. این کار اهمیت بیشتری یافته است، زیرا مشاهده می‌کنیم آگاهی از حق ولایت جمهور مردم دارد همگانی می‌شود.

۳- مناظره‌های «نامزدهای» ریاست جمهوری آتش فشان بودند. فوران این آتش فشان آشکار کرد که هماهنگی ظاهری در مرکز قدرت، جای به تخاصم بس شدید داده است. نامه آقای هاشمی رفسنجانی به آقای خامنه‌ای، گویای حاد شدن تخاصم و نزدیک شدنش به نقطه انفجار است. نامه بیانگر واقعیتهای زیر است:

• حامی اصلی آقای احمدی نژاد، آقای خامنه‌ای است و بنا بر این که در ایران، تنها او رای دارد، می‌خواهد سوگی خود را، به ریاست جمهوری برساند. حالا دیگر، مردم ایران و جهان می‌دانند که احمدی نژاد حامی دیگری جز خامنه‌ای و مافیاهای

نظامی - مالی ندارد. پس اگر نام او از صندوق‌ها بدر آید، ثقل بزرگ سازمان یافته است و خامنه‌ای و ولایت مطلقه فقیه در برابر مردمی قرار گرفته‌اند که بر ضد آنها رای داده‌اند. و اگر نام موسوی از صندوق بدر آید، شرکت کنندگان در دادن رای و تحریم کنندگان، یعنی جمهور مردم ایران، بر ضد ولایت فقیه رای داده‌اند. هرگاه نامه یکی از اسباب تحمیل احمدی نژاد به مردم ایران شده باشد، انتخابات قلابی دو بازنده خواهد داشت: خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی. اگر نه، خامنه‌ای بازنده و هاشمی رفسنجانی برنده می‌شوند.

• هر بار که دولت استبدادیان در برابر مردم و جنبش آنها قرار می‌گیرد، استبدادیان، «خطر تجدید دوران بنی صدر» را دست آویز می‌کنند. زمانی که آقای خاتمی به ریاست جمهوری رسید، او را «بنی صدر دوم» خواندند و امروز، آقای احمدی نژاد را که نسبتش با بنی صدر، نسبت تضاد است، با بنی صدر مقایسه می‌کنند. اما این مقایسه صوری این اعتراف را در بر دارد که بنی صدر نماد ولایت جمهور مردم است. این اعتراف، از این نظر واجد بیشترین اهمیت است که معماری از معماران استبداد فقیه، آقای هاشمی رفسنجانی، می‌داند که جهت جنبش مردم وقتی همگانی می‌شود، انگیز ولایت مطلقه فقیه و استقرار ولایت جمهور مردم است.

• امروز نیز، چون روزهای خرداد ۱۳۶۰، او راه حل را حذف یکی از دو طرف دعوا می‌داند. هر چند نیک می‌داند که آقای احمدی نژاد، آلت استبداد مطلقه فقیه است و او کسی نیست که ولایت جمهور مردم را جانشین ولایت مطلقه فقیه کند. اما وقتی او ۱۴ اسفند سال ۵۹ را مثال می‌آورد و آقای خامنه‌ای را تهدید می‌کند، وحشت خود را از پی بردن مردم به ناتوانی رژیم و توانایی خود ابراز می‌کند. در واقع آقای هاشمی رفسنجانی، با بیانی روشن، خاطر نشان می‌کند: تخاصم در مرکز قدرت اگر از راه حذف یکی از دو طرف، - بنا بر خواست او، احمدی نژاد و مافیاهای نظامی - مالی - «از میان نرود»، مردم هشدار ایران فرصت را بر به جنبش درآمدن مغتنم خواهند شمرد. «تجربه ۱۴ اسفند» به مردم ایران می‌گوید، کدام هدف را برگزینند و چه روشی را در پیش بگیرند: خلع ید از استبدادیان و برقرار کردن دولت حقوقمدار.

• آقای هاشمی رفسنجانی، آقای خامنه‌ای را تهدید می‌کند: "آن روز، امام خمینی بود. ما سه تن بودیم: شما و من و بهشتی". راستی اینست:

در روزهایی که قرار بود جنگ پایان پذیرد، این سه تن نزد آقای خمینی رفتند و او را ترساندند که هرگاه بنی صدر جنگ را تمام کند، سوار تانکهای خود می‌شود و به تهران می‌آید و دیگر شما نیز حریف او نمی‌شوید. بدین ترتیب آنها آقای خمینی را در کودتا با خود همداستان کردند و برای

تحمیل استبداد خویش، جنگ را بمدت ۸ سال ادامه دادند. امروز، آقای هاشمی رفسنجانی به همدست دیروز خود می‌گوید: آیا می‌خواهید بگذارید جنبش مردم اختیار از دست ما بدر برد چنانکه نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان؟ مقایسه‌ای که او می‌کند از این نظر که ضعف رژیم را به یاد آقای خامنه‌ای می‌آورد، بسیار گویا است: آن روز «امام» بود و دیگران نیز بودند و امروز، جز من و شما کسی برجا نیست. آن روز ما توانا بودیم و امروز ناتوان و بنا بر این در خطریم.

• اما خطری که رژیم استبدادیان را تهدید می‌کند، به اعتراف صریح آقای هاشمی رفسنجانی و دیگر شرکت کنندگان در کودتای خرداد ۶۰ (نظام در خطر است از زبان آقای موسوی ...)، آن بخش از جامعه سیاسی و نیروهای سیاسی هستند که بر سر اصول راهنمای انقلاب ایران، استوار ایستاده‌اند. شعارهایی که جامعه جوان ایران سر می‌دهد، نیز، می‌گوید سمت و سویی که مردم ایران بر می‌گزینند، سمت و سوی ولایت جمهور مردم است.

• نامه، ترجمان واقعیت بسیار مهم دیگری است: حق و ضد حق، با یکدیگر نه تنها نقطه مشترک ندارند، بلکه نسبتشان به یکدیگر، نسبت تضاد است. اما این واقعیت بر بسیاری معلوم نیست. بسیاری اهل سیاست که به مردم اینطور می‌باورند که میان حق و ناحق، نقطه اشتراکی می‌توان یافت. این جماعت بودند که کودتای خرداد ۶۰ را ممکن ساختند. و این جماعت هستند که در ساختن «فکر جمعی جبار» شرکت کرده‌اند. هرگاه مردم ایران دریابند که حق و ناحق فصل مشترک ندارند، و در پی دستیابی به حقوق خویش شوند، کار به سامان می‌رسد: ایرانیان حق حاکمیت خویش را بدست می‌آورند.

• و بالاخره، آقای هاشمی رفسنجانی و دستیاران او در کودتای خرداد ۶۰، پیشاپیش، اعلام کردند که چه کسانی پیروز انتخابات ۲۲ خرداد خواهند بود: دیروز دو گرایش، یکی گرایش استبداد وایسته (خط سید ضیاء) و دیگری گرایش استقلال و آزادی، در برابر یکدیگر قرار داشتند. امروز، پیروز گرایش استقلال و آزادی است. این پیروزی نه فقط بدین خاطر است که در برابر استبداد «فقیه»، از موضع ولایت جمهور مردم ایستادگی کرده است، بلکه بدین جهت نیز که سمت عمومی تحول مشخص گشته است: از ولایت مطلقه فقیه به ولایت جمهور مردم است.

بدین قرار، از کارهایی که می‌باید کرد، تمیز حق از ناحق و پدید آوردن وجدان همگانی به این واقعیت است که حق و ناحق، نقطه اشتراک ندارند و آنها که حق را با ناحق در می‌آمیزند، دروغ زنان هستند. حق، ولایت جمهور مردم است و ایستادگی بر این حق، نه تنها جهت تحول را معین کرده است، بلکه زمان تحول را

کوتاه و آن را تا ممکن است، بی‌خطر می‌کند.

۴- این واقعیت که حتی گرفتاران تب شرکت در انتخابات، از راه مصلحت، بنا دارند به پای صندوقهای رای بروند و، بگمان خود، رای بدهند که «رهبر» را تضعیف و محدود و ولایت جمهور مردم را، ولو اندکی از آن را، برقرار کند، گویای آن نوع از تحریم انتخابات است که رای دادن را نه حق که روش عمل به حق حاکمیت می‌داند و توضیح می‌دهد که چون مردم ایران از حق حاکمیت خویش محروم هستند، تحریم انتخابات رای دادن به حق حاکمیت خویش است. اما مصلحتی که، بنا بر آن، رای دهندگان رای می‌دهند، بدون کمترین ایهام، ناقض حق حاکمیت آنها است. این حقیقت که مصلحت را قدرت می‌سجد و حق را مردم هستند که دارند، روشن می‌کند که مصلحت در بیرون حق قرار می‌گیرد. و ضد حق مردم است. لذا در «انتخاباتی» که مردم می‌باید به یکی از چهار مجرم رای بدهند، شرکت در دادن رای، عمل به مصلحت قدرت سنجیده و نقض آشکار حق خویش می‌شود.

۵- اما «فکر جمعی جبار» اینطور باورانده است که مردم گمان برند خود مصلحت را سنجیده‌اند. در تمامی مواردی که قدرت «فکر جمعی جبار» ایجاد می‌کند، مردم خود را بسود قدرت حاکم فریب می‌دهند و گمان می‌برند خود مصلحت را سنجیده و بکار برده‌اند. بیشتر مردم امریکا و بخشی از مردم انگلستان گمان می‌برند آنها خود به این نتیجه رسیده‌اند که مصلحت در قشون کشیدن به عراق است. از این رو، به جای همصدا شدن با آنها که فریب «فکر جمعی جبار»، را خورده‌اند، نخست می‌باید بر مردم روشن کرد که مصلحت را نه آنها که قدرت می‌سجد و مصلحت ضد حق آنها است. و سپس، می‌باید «فکر جمعی جبار» را بشناسانند و به مردم هشدار بدهند، هرگاه خود دستیار استبدادیان در فریب خود شوند، زبان خویش را بسیار بزرگ می‌کنند.

بدین قرار، آشکار کردن تضاد مصلحت با حق است که می‌باید کاری از کارهایی باشد که استواران بر راست راه ولایت جمهور مردم، نمی‌باید هیچگاه از دست بگذارند.

۶- هرگاه چهار نامزد - بنا بر قول یکدیگر - از مجرمان نبودند، هنوز، تحمیل آنها به جامعه، رای دهندگان را از آزادی انتخاب محروم می‌کرد. شعارهایی که جوانان همه روز سر می‌دهند، حاکی از وجدان به این واقعیت است. بنا بر این، تب رای دادن، بمعنای غفلت از آزاد نبودن انتخابات نیست. بنا بر سنجش افکاری که مؤسسه «نیو امریکن فوندریشن» (۱۹ خرداد) انجام داده است، ۸۷ درصد مردم ایران خواستار انتخابات آزاد هستند. وقتی اکثریتی بدین بزرگی می‌دانند انتخابات آزاد نیست، پس رای دادن از روی ناچاری است. نه تنها به رژیم

مشروعیت نمی‌دهد، بلکه سالب مشروعیت رژیم و بیانگر موفقیت چشم گیر جنبش تحریم است.

پرسشی که محل می‌باید اینست: مردمی که می‌دانند انتخابات آزاد نیست و آزادی انتخابات را طلب می‌کنند، چرا تن به اجبار می‌دهند و به پای صندوقهای رای می‌روند؟ پاسخ اینجانب به این پرسش اینست: اندیشه راهنمای مردم ایران، هنوز بیان آزادی نگشته است. هم در محدوده قدرتمنداری و هم از راه اعتیاد به اطاعت از قدرت، چاره‌ای جز تن دادن به اجبار نمی‌بینند.

اما معنای «در دین اکراه نیست» از جمله اینست که هر اکراه و جبری، به ضرورت ناقض حق است. این ضابطه آفتد روشن و کارپردش بقدری آسان است که نه کسی می‌تواند بگوید نمی‌داند آیا آزادانه رای می‌دهد و از روی ناچاری چنین می‌کند. پرسیدنی است که با وجود تضاد اکراه با حق، چرا انسانها بمحض احساس اکراه، به یاد حق خود نمی‌افتند و بر وفق حق خود، عمل نمی‌کنند؟ پاسخ اینجانب به این پرسش اینست: انسانهایی که نمی‌آموزند در برابر قدرت، واکنش نشوند و کنش شوند، وقتی خود را مجبور می‌بینند، نه توانائی خود، که ناتوانی مجازی را به یاد می‌آورند و حالت تسلیم به قدرت و تن دادن به حکم زور را پیدا می‌کنند. ترس از قدرت و غفلت از توانائی وقتی فرد ها یکدیگر را می‌یابند و جمع می‌شوند، انسانها را بسا از یکدیگر خائف و به تسلیم شدن به امر و نهی قدرت ناگزیر می‌کند. دعوت به جنبش همگانی که طی نیم قرن، همواره مردم ایران را به آن خوانده‌ام، از جمله این سود را دارد که انسانها به یکدیگر اعتماد می‌یابند و در آزادی، از ترس از قدرت حاکم، رها می‌شوند.

بدین قرار، آشکار کردن همزادی حق با توانائی و همزادی زور با ناتوانی، بر همگان، کار بایسته است که در ایران امروز، انجام نمی‌گیرد. سهل است، اینطور باورانده می‌شود که قدرت (= زور) توانائی می‌آورد. هرگاه در گفته‌ها و نوشته‌های دعوت کنندگان به شرکت در «انتخابات» تأمل کنیم، مشاهده می‌کنیم که مردم فراخوانده می‌شوند، از راه رابطه قدرت در درون رژیم عمل کنند. به سخن دیگر، نخست به آنها القاء می‌کنند که ناتوانند و سپس، به آنها می‌گویند از راه رای دادن به نامزدی که تبلیغ می‌کنند، از عنایات قدرت برخوردار می‌شوند. ایران امروز گرفتار این فاجعه بزرگ است.

۷- ایهام‌ها فراوانند:

• ایهام در هدف: تحریمی که استقرار ولایت جمهور مردم را هدف قرار داده است، آن را حداقل می‌داند و پیوسته خاطر نشان می‌کند که مردم ایران می‌باید به جنبش همگانی روی آورند. آیا مردم ایران، با در آمدن به خیابانها، جنبش همگانی را تمرین می‌کنند و یا تنها از فرصت انتخابات استفاده می‌کنند و می‌دانند که از صبح ۲۳ خرداد می‌باید، به وضعیتی که داشتند، بازگردند؟



در فصل پنجم، همدار بنی صدر و دو پیام او و نیز شعارهای مردم و تحول این شعارها را درج می کنیم از این رو که گویای ورود جامعه به مرحله مقابله با ولایت مطلقه فقیه هستند.

در فصل ششم، از زبان داده های اقتصادی، چهار دوره موسوی و هاشمی رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد با یکدیگر مقایسه می شوند در فصل هفتم، خبرهای تجاوزهای رژیم به حقوق انسان را می آوریم:

کشماکش بر سر تعیین سرنوشت «رهبر» و «رهبری» است:

* نخست سخنان و نوشته هائی را بخوانید در حمله به هاشمی رفسنجانی که گویای زمینه سازی کنار گذاشتن او هستند:

« امر بسیار مهمی که قلب بزرگ که آن را «کودتای سفید» (هرچند با حمله مسلحانه به دانشجویان خونین شد) خوانده اند از نظرها پنهان نگاه داشته است، سرنوشت «رهبر» و «رهبری» است. با آنکه طرفداران احمدی نژاد علت حمله او را به هاشمی رفسنجانی، در مناظره با موسوی، بیرون بردن خیال رهبر شدن و یا رهبر ترانیشن از دماغ هاشمی رفسنجانی بوده است، با وجود این، کسی توجه نکرد که موضوع محوری در این انتخابات، «رهبر» و رهبری است.

تنها حسینیان و یکی دو تن دیگر از حامیان احمدی نژاد نبودند که حمله ها به هاشمی رفسنجانی، عزل او را از ریاست مجلس خبرگان و نیز مجمع تشخیص مصلحت هدف قرار داده اند:

• کیهان ۲۶ خرداد ۸۸، نوشته است: «طلحه و زبیرهای معاصر بودند که بیعت با انقلاب را فقط به شرط «شراکت در قدرت» قبول داشتند و گرنه ابایی نداشتند سر به شورش بگذارند و عرصه را به خیال خود بر حاکمیت تنگ کنند. به سادگی از تغییر قانون اساسی و تمدید ریاست

جمهوری فلان آقا سخن گفتند تا خود در قدرت بمانند، بعداً برای پیمان آقا لایحه اختیاراتی نوشتند که می شد با آن اختیارات، مصوبات مجلس و احکام قوه قضائیه را وتو کرد. سپس خیز برداشتند از نظام باج بخواهند، پس بست نشینی در مجلس را راه انداختند. پس از آن با گردن کلفتی تمام تهدید کردند نمی گذارند انتخابات مجلس هفتم برگزار شود. تهدید به استعفا در سطوح بالای مدیریتی کردند و... حالا می گویند به قانون و انتخابات و رای مردم گردن نمی نهیم چون نامزد-های-مورد حمایت احزاب و ائتلاف ما رای نیاورده اند. دیکتاتورند به تمام معنا»

• به گزارش فارس نیوز متعلق به احمدی نژاد ۸ سنوالم مردم از مراجع عظام تقلید در باره هاشمی رفسنجانی به عمل آمده اند: جمعی از مردم و مقلدین طی نامه ای به مراجع عظام تقلید، درباره هاشمی

کیش و مات

اولین کودتا در دوران انقلاب، توسط هاشمی و خامنه ای و بهشتی و دیگران تحت نظر خمینی در سال ۶۰ شکل گرفت که در نهایت منجر به حذف رئیس جمهور منتخب ملت ایران گردید. اینبار، کودتا به شکلی دیگر انجام شد و این کودتا به فرمان سید علی خامنه ای از کودتاگران سال ۶۰، برضد آرای مردم انجام شد. خود وی نیز در جریان آن کودتا شریک کودتاگران بود و جالبتر اینکه در این کودتا همان کودتاگران قبلی خود به همان سرنوشتی که برای بنی صدر ایجاد کرده بودند گرفتار آمده اند.

با حرکت و جنبش مردم نظام ولایت چاره ای ندید به جز اینکه دست به حذف بخش بزرگی از نیروهای درونی خود بزند که اینبار قرعه به نام برخی از کودتاگران سال ۶۰ افتاد از جمله هاشمی رفسنجانی - میر حسین موسوی - مهدی کروبی - موسوی خوئینی ها - بهزاد نبوی - امین زاده - تاج زاده و...

بنا به تازه ترین خبرها، بسیاری در جریان این کودتا دستگیر شده اند و به احتمال بسیار برخی های دیگر نیز در آینده نزدیک دستگیر خواهند شد تا پروژه کودتای انتخاباتی کامل شود.

• نیروهای دخیل در این کودتا:

۱- مقام معظم رهبری و بیت ایشان در ردیف اول

۲- گروههای وابسته به باند مافیای بیت رهبری و رهبر که شامل هیات مولفانه - فداییان رهبر - اصولگرایان - مدرسین حوزه های علمیه - جامعه اسلامی مهندسان - دانشجویان - معلمان - جمعیت زنان - جامعه زینب - جمعیت اینترگران و ...

۳- کلیه نیروهای نظامی تابع منویات رهبری سپاه و بسیج و نیروی مقاومت بسیج

۴- نیروهای انتظامی وابسته به باند سرکوب رهبر و بیت رهبری که با گروه جمعیت اینترگران انقلاب اسلامی رابطه ای تشکیلاتی دارند.

۵- بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام و دیگر بنیادهای مالی وابسته.

۶- صدا و سیما و نشریات رسانه ای وابسته به نظام مافیایا و وب سایت های وابسته به کودتا.

۷- برخی روحانیون وابسته به قدرت و حوزه های علمیه قم و مستقر در نیروهای نظامی.

۸- نیروهای سرکوبگر خیابانی و انصار حزب الله و چماقداران و کفن پوشان.

۹- مسئولان سیاسی وابسته به باند حاکم و برخی نمایندگان مجلس حدود ۶۰ نفر.

۱۰- باند تشکیلات مافیایی قضایی نظام ولایت.

۱۱- برخی ائمه جمعه و جماعت و مداحان و وعاظ وابسته به نظام ولایت مافیایا.

۱۲- کلیه نیروهای وابسته به دولت در امور کشور دارای از جمله وزرای کشور - مخابرات - دفاع - خارجه اطلاعات و... اما چرا این کودتا انجام شد و چرا رهبری رژیم ولایت در حالی که در راس قدرت نظام بود ناچار به این عمل شد؟ بنا به آخرین اطلاعات، از آنجایی که خامنه ای حال خوبی ندارد امکان دارد که از دو نظر مسله رهبری مطرح است:

۱- برفرض که خامنه ای سالم باشد، هر رئیس جمهوری غیر از احمدی نژاد، خامنه ای را در موضع دفاعی قرار می دهد و او مجبور است مداخلات خود را در امور کشور محدود کند.

۲- اما اگر بیماری او واقعی باشد و مسئله انتخاب جانشین برای وی، مسئله آینده نزدیک باشد، «بیت رهبری» و مافیاهای نظامی - مالی می باید از هم اکنون، انتخاب جانشین او را برنامه گذاری کنند. گرایشانی تلاش بسیار می کنند فرزند او آقا مجتبی را جانشین وی کنند. در جمع، بنا بر این است که تکلیف جانشین خامنه ای در زمان حیات او معین شود. به همین دلیل نیاز بود دست به جراحی بزرگی در نظام بزنند. می باید همه گرایشها و شخصیت ها را که می توانند در تعیین رهبری نا سازگار با مافیای خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی، نقش داشته باشند، کنار بزنند. به همین دلیل نیاز به حضور و ادامه کار دروغگویی و آلت فعلی به نام احمدی نژاد نیاز است.

لذا، مجتبی برای جانشین شدن به جای وی و نیز برای این که رهبر متعلق به این مافیایا باشد، نیاز به این دارد که احمدی نژاد رئیس جمهوری باشد. رؤسای دو قوه دیگر نیز، از «خودی» ها باشند و هاشمی رفسنجانی هم در مقام ریاست خبرگان رهبری و ریاست شورای تشخیص مصلحت نظام نماند. یا بقدری تضعیف شود که کاری از او ساخته نباشد.

مجتبی، تحت نظر و امثال مصباح یزدی بار آمده و اینک همه کاره «بیت» گشته و خواستار ادامه ریاست جمهوری احمدی نژاد شده و دستیار پدر خود در انجام قلب بزرگ انتخاباتی شده است.

طراحان قلب بزرگ با به میدان آوردن موسوی و باز گذاشتن فضای انتخاباتی مردم را فریب دادند و مردم نیز در فضای آزاد ایجاد شده امیدوار به انتخاب رئیس جمهوری شدند که فکر می کردند نسبت به خامنه ای، تا حدودی استقلال رای دارد و بحران ساز نیست. اما برنامه گذاران به خوبی می دانستند چه هدفی را تعقیب می کنند. وگرنه امکان نداشت اجازه دهند دختران و پسران در میادین و خیابانهای تهران و شهرستانها جمع شوند و آزاد و شاد، مخالفت خود را با رژیم اظهار کنند. طراحان قلب بزرگ وانمود کردند که از نظر آنها، هر یک از چهار نامزد رای بیاورد، پذیرفته است. تا زمان برگزاری انتخابات نظام دندان بر جگر گذاشتند و تمام اتهامات به احمدی نژاد و تعرض ها به خامنه ای را تحمل کردند. عجیب اینکه هیچ چماقداری در خیابانها نبود که با این شعارها که برخی کل نظام را هدف گرفته بود برخورد کند.

• مدیریت و مهندسی پیش از انتخابات - آزاد گذاشتن مردم جهت برگزاری میتینگ های سیاسی، - اجازه عمل دادن به دو کاندیدای اصلاح طلب برای جلب مشارکت مردم، - ایجاد فضای باز سیاسی برای اجتماع مردم و ترغیب شدن به شرکت در انتخابات، - دادن آزادی به مطبوعات برای جلب نظر مردم به شرکت در انتخابات،

دعوت به حضور همه سیاسیون در صحنه - واگذاشتن کشور به مدت حدود ۱۵ روز به مردم، همه اینها برنامه هایی بود که خامنه ای و دستیاران او به اجرا در آوردند و زمینه حضور هر چه بیشتر مردم را فراهم آوردند. چرا این کار را کردند؟ زیرا خامنه ای و «رهبر» آینده نیاز به مشروعیت دارند. بر این گمان بودند که شرکت مردم در دادن رأی، او و جانشین احتمالی او را از این مشروعیت برخوردار می کند. اگر او با آن شتاب، بر انتخابات صحه گذاشت، برای این بود که دهان اعتراض کنندگان را ببندد و به دنیا بگوید از بیشترین مشروعیت برخوردار است. در چنین شرایطی، تحریم کنندگان انتخابات که تحریم را نه به ولایت فقیه و آری به حاکمیت مردم می خوانند، به مردم ایران هشدار دادند که احمدی نژاد را از صندوق بیرون خواهند آورد. اگر به همان وسعت که مردم در انتخابات شرکت کردند، درجا، رژیم از مشروعیت محروم و با استفاده از ضعف آن، می توانستند به خیابانها در آیند و تغییر را قطعی کنند.

انتخابات برگزار شد و مردم شاد و خوشحال از اینکه با تمام توان برای مخالفت با «رهبر» و برکناری مترسک وی محمود احمدی نژاد وارد مبارزه انتخاباتی شده اند، به پای صندوقها رفتند.

هاشمی رفسنجانی که خود زمانی از کودتاچیان بر ضد رئیس جمهور منتخب، بنی صدر، بود، از قصد خامنه ای آگاه بود. طی نامه ای به او هشدار داد. اما خامنه ای بی اعتناء به نامه او، طرح قلب بزرگ را به اجرا گذاشت.

• هدفی که خامنه ای و «بیت» او تعقیب می کنند: - کسب مشروعیت بالا با به میدان کشاندن مردم در انتخابات، - نمایش محبوبیت رهبری نظام به جهانیان، - تصفیه شدید نیروهای مخالف پس از انتخابات، - حذف چهره هایی که برای بر سر کار آمدن رهبر جدید خطرناک بود. - حذف رئیس مجلس خبرگان که مانع از به «رهبری» رسیدن نامزد مافیای خامنه ای و مافیاهای نظامی - مالی می شود.

• حذف بخش عظیمی از نیروهای سیاسی که در حال و آینده مزاحم این مافیایا هستند، - به سر کار آوردن مجدد احمدی نژاد که حامی اصلی وی همان رهبر آینده است.

• حذف بخش عظیمی از روحانیون که در آینده مشروعیت رهبر جدید را نمی پذیرفتند، - حذف فرماندهان پیشین نظامی و نظامی های سیاسی شده که امکان خطر در دوران رهبری جدید را به وجود می آوردند.

• سرکوب شدید مردم و ایجاد یاس و ناامیدی در روحیه های شادی که در آنها در این مدت به وجود آمده بود. - سرکوب نیروهای مردمی که می توانند بر ضد خامنه ای و «رهبر» بعدی، مزاحمت ایجاد کنند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.

• از پیش از باز شدن دربهای حوزه های اخذ آرا، مردم به صف در آمده بودند. تصاویر و فیلم های نمایش داده شده از صدا و سیما رژیم نشان می دادند که مردم با شادی فراوان در دادن رأی شرکت کرده اند.



● نظام چه طرفداری برای تغییر نتیجه بکار برده است؟

بررسی های انجام شده معلوم کردند که مسئولان فریب انتخاباتی مراحل مختلفی را برای تغییر رای مردم طراحی کرده بودند . با افشاکاری های انجام شده مردم می دانستند که نظام برای تغییر رای اضافه کردن تا حدود ۶ میلیون رای به آرای فرد منتخب خود را دارد . اما گمان نمی بردند به بیشتر از آن توانا باشد. از جمله فکر نمی کردند که امکان زمانی رای دادن آنها را محدود کند و به جای آنها، خود بنام احمدی نژاد رای به صندوق بریزد. تدابیری که بکار بردند عبارتند از:

- ایجاد هزاران صندوق سیار که در نوع خود بی نظیر بود و در آن قرار بود چند میلیون رای برای احمدی نژاد بریزند.
- آماده سازی کلیه نیروهای حزب مسلح خود برای مهندسی انتخابات که در آخرین خبر معلوم شد که حدود ۱۵ هزار صندوق در اختیار نیروهای سپاه پاسداران قرار گرفته بود که آنها بتوانند آرای مورد نیاز فرد منتخب را ایجاد نمایند.

- کاهش افراد آموزش و پرورش در حوزه های انتخاباتی و افزایش نیروهای نظامی لباس شخصی پوش در حوزه های آرا

- جلوگیری از حضور نیروهای ناظر کاندیداها در حوزه های اخذ رای

- تشکیل گروه ۵۰۰ هزار نفری شورای نگهبان برای مخدوش نمودن آرای رای دهندگان

- آماده سازی کلیه مسئولان در بخشداری ها - فرمانداری ها - استانداری ها و ستاد انتخاباتی برای انجام تقلب بزرگ انتخاباتی

- تغییر صندوق های رای و جابجایی آرای کاندیداها

- برداشتن تابلوی نام کاندیداها و در بسیاری موارد ندادن آگاهی به مردم به هنگام نوشتن رای خود و افزودن کد کاندیدای مورد نظر

لازم به ذکر است که در این دوره از انتخابات ۴ کاندیدا وجود داشت که ردیف و کد آنها به شرح زیر بوده است

- ۱- محمود احمدی نژاد با کد ۴۴
 - ۲- محسن رضایی با کد ۵۵
 - ۳- مهدی کروبی با کد ۶۶
 - ۴- میر حسین موسوی خامنه با کد ۷۷
- در حالی که تنها ۴ کاندیدا وجود داشت دادن کد ۴۴ به احمدی نژاد بسیار مشکوک بود در حالی که می شد کد را ۳۳ و یا ۵۵ معین کرد. اما چرا ۴۴ معین کردند؟ زیرا قصد داشتند تقلب کنند.

برای اطلاع بیشتر به این موضوع توجه کنید که بسیاری از افرادی که برای رای دادن به پای صندوق های رای می رفتند تابلوی بزرگ اسامی کاندیداها و کد آنها را مشاهده نمی کردند و اگر هم مشاهده می کردند کد کاندیدا بر روی آن درج نشده بود.

حال اگر فردی می خواست نام کاندیدای مورد نظر خود را در برگه رای بنویسد به این دلیل که ردیف میرحسین موسوی ۴ بود، چنین می نوشت

میر حسین موسوی خامنه با کد ۴

حال اگر مسئولان حوزه ها در خواندن آرای کاندیداها نام را در نظر می گرفتند با کد اختلاف داشت. لذا،

● خواندن رای ها بر اساس نام سبب می شد که میر حسین موسوی با کد ۴ جز آرای مخدوش محاسبه شود.

کیش و مات

مبنی بر شورایی کردن رهبری و بحث در مورد قدرت رهبری متوجه شده است که ادامه حرکت وی ممکن است منجر به تضعیف «مقام رهبری» شود. لذا باید به گونه ای هاشمی را از صحنه سیاست کشور حذف کند.

در جریان انتخابات که هاشمی و نیروهای وابسته به وی - کارگزاران سازندگی - و برخی از روحانیون همراه در جامعه روحانیت مبارز رو به سوی حمایت از موسوی گذاردند. رهبری فرصت را برای حذف این جامعه مناسب یافت. زیرا این جامعه با وجود تأکید «رهبر» حاضر به حمایت از احمدی نژاد نشد. گرچه مهدوی کنی خود به تنهایی با حمایت از احمدی نژاد خواست نشان بدهد که جامعه روحانیت مبارز از وی حمایت می کند، اما واکنش جامعه بر همگان معلوم کرد که از او حمایت نمی کند. عسگر اولادی اعلام کرد هیات مؤتلفه حامی احمدی نژاد است اما تا هم اکنون اختلافات در این هیات ادامه دارد و کار به جایی رسیده است که بچه های وابسته به این هیات که تحت نام جامعه اسلامی مهندسان کار می کنند از ادامه حرکت احمدی نژاد در تخریب به قول خودشان استوانه های نظام به شدت متاثر شده و قرار است حمایت خود را از وی دریغ نمایند.

همین ماجرا در جریان حمایت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز تکرار شد. در حالی که اکثر روحانیون بلند پایه آن جامعه از جمله ۱- آیت الله حسین مظاهری ۲- آیت الله عبدالله جوادی آملی ۳- آیت الله عبدالامین امینی ۴- آیت الله رضا استادی ۵- آیت الله سیدمحسن خرازی ۶- آیت الله سیدحسن طاهری خرم آبادی ۷- آیت الله محمد مؤمن ۸- آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی ۹- آیت الله مرتضی مقتدایی ۱۰- آیت الله حسین راستی کاشانی ۱۱- آیت الله علی اکبر مسعودی خمینی ۱۲- آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی ۱۳- آیت الله صادق لاریجانی ۱۴- آیت الله احمد صابری همدانی ۱۵- آیت الله عباس محفوظی ۱۶- آیت الله سید ابوالفضل میرمحمدی

۱۷- آیت الله محمدعلی فیض گیلانی ۱۸- حجت الاسلام والمسلمین سید هاشم حسینی بوشهری ۱۹- حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمد غروی و برخی های دیگر که بعداً اعتراض کردند که آنها نیز به احمدی نژاد رای نداده اند. حال آنکه شیخ محمد یزدی به دستور خامنه ای حمایت جامعه را از احمدی نژاد اعلام حمایت کرد.

با نگاهی به اسامی روحانیان مخالف احمدی نژاد که در واقع مخالفان خامنه ای می باشند، مشخص است که خامنه ای در حال کنار گذاشتن طبقه روحانیون قدیمی و باسابقه است که عموماً در شورای تشخیص مصلحت و خبرگان رهبری و حتی در مقاماتی مانند امامت جمعه و جماعت قرار گرفته اند.

این جراحی بسیار درد آور می شود. زیرا خامنه ای مجبور است با کمک نیروهای روحانی جوان که معمولاً در کنار سپاه قرار گرفته اند و استفاده از نیروهای نظامی جوان و مطیع دست به حذف بزند. اگر اینکار صورت گیرد می توان گفت که

نظام ولایت مطلقه بن خود را می برد:

نوشتن مطلب در روزهای باقی مانده به انتخابات شاید سخت ترین نوع مطلبی باشد که نگارنده فکر می کند می توان نوشت. در چند روز مانده به انتخابات اخبار و اطلاعات آنگونه گسترده است که توجه به آنها و تحلیل بر اساس آن کار بسیار سختی است اما باید نوشت و آگاهی داد.

اخبار این روزها در ایران و اطلاعات پشت پرده همه تقریباً از یک امر حکایت دارند و آنهم تصفیه ای دیگر در رژیم کودتائی ولایت فقیه. به نظر می رسد که ولی مطلقه فقیه از ترس از دست دادن قدرت با دستور حرکت دادن به سرباز چشم و گوش بسته خود که جنایت کاری بی نظیر و فریبکاری بزرگ و گویا تحصیل کرده دانشگاه ولایت مطلقه است و در دروغگویی حتی هاشمی رفسنجانی و خامنه ای را نیز پشت سر گذاشته، قصد دارد، تصفیه دیگری در رژیم بعمل آورد.

اخبار پشت پرده حاکی از این است که «رهبر»، با دادن مجوز به زورپرست کوتوله خود، تصمیم به حذف هاشمی رفسنجانی و نیروهای اطراف او از جمله ناطق نوری - حسن روحانی - رضا اکرمی - و... را دارد.

طرفداران احمدی نژاد می گویند : رهبر متوجه شده است که هاشمی رفسنجانی رفتاری را در پیش گرفته است در نهایت منجر به معضلی بزرگ همانند منتظری خواهد شد و بهتر دیده است که وی را در همین دوران که فکر میکند قدرت بلامناز را در اختیار دارد از صحنه بدر کند.

خامنه ای که گرفتار خودشیفتگی و بیماری قدرت شده است، بعد از به قدرت رسیدن هاشمی رفسنجانی به ریاست شورای خبرگان رهبری و شنیدن برخی آوازاها از سوی وی

بخش مهمی از پایه های قوام استبداد ولایت مطلقه، از بدنه رژیم خارج خواهد شد و این برای آینده رژیم بسیار خطرناک خواهد بود. آدمی را به یاد دستگیری های قبل از انقلاب از سوی رژیم پهلوی می اندازد.

نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به خامنه ای، یک امر را از پرده بیرون انداخت: طرفداران احمدی نژاد و خامنه ای می گویند: هاشمی رفسنجانی سودای رهبر شدن در سر داشته است و افشاکریهای احمدی نژاد، این سودا را از سر او بیرون کرد. طرفداران هاشمی رفسنجانی که مشغول ایجاد ترس از تصفیه شدید در صورت «انتخاب» احمدی نژاد هستند، توضیح می دهند که مناظره ها و رفتار دستگاه قضائی و صدا و سیما و شخص خامنه ای حکایت از آن دارند که او در حال کنار گذاشتن روحانیت باسابقه است. همانگونه که با آوردن جعفری و برخی دیگر از سرداران جوان فرماندهان سابق سپاه را کنار گذاشت.

مناظره های انتخاباتی از جمله مباحثی است که ایران را به خود مشغول داشته است و تقریباً مشخص کرده است که اطلاعات در مورد حذف نیروهایی از جمله هاشمی رفسنجانی - حسن روحانی - ناطق نوری - رسولی محلاتی - جوادی آملی - محمود هاشمی شاهرودی و... و همچنین محسن رضایی - علی شمشانی - رحیم صفوی - محسن رشید و... صحت دارد و خامنه ای با جلو فرستادن احمدی نژاد و حمایت مخفیانه و علنی از وی خواهان حذف نیروهای سابق و همراه خود است.

طرفداران هاشمی رفسنجانی می گویند: در مناظره های صدا و سیما احمدی نژاد نشان داد که تعلیم دیده خامنه ای است و هر چه را بر زبان می آورد، در واقع همان منویات رهبری است.

با فشارهای وارده بر هیات حاکمه و دولت احمدی نژاد و حضور بیش از حد جوانان در خیابانهای پایتخت، وضعیت جدیدی بوجود آمده است. جوانان مجال خشونت نمی دهند. شعارها یی که می دهند، بر ضد استبداد و بسود آزادی است. تصرف خیابانها توسط جوانان، کاری نیست که بسود خامنه ای باشد. هر چند مافیاهای نظامی - مالی هم جمعیت وارد خیابانها کرده اند، اما حتی حضور آنها نیز بسود رژیم نیست. زیرا می تواند این فکر را کند که در جوانان القاء کند که نقش تعیین در آید. بدین خاطر است که مسموعات و نیز خیرها در باره تراکم قوای سرکوب، مرتب انتشار می یابد.

ترس از سرکوب بعد از انتخابات، دارد القاء می شود. طرفداران احمدی نژاد مرتب از شلوغی بعد از اعلان نتایج انتخابات و پیروزی احمدی نژاد می گویند و می نویسند.

همگان به خوبی می دانند که بعد از جریان ۱۸ تیر نظام در وضعیتی شکست خورده قرار داشت و برای حفظ خود از کلیه نیروهای اصلاح طلب وابسته از جمله خاتمی و هاشمی و حسن روحانی و ناطق نوری و ... استفاده کرد. آنها در یکی دو روز بعد از ۱۸ تیر توان مقابله با مردم را نداشتند و طبق برنامه های طراحی شده نیروهای خود را از شهرستانها فرا

خواندند و با برنامه ای دقیق در سکوت اصلاح طلبان دولتی سرکوب مردم را آغاز کردند و بعد از آن حسن روحانی وارد صحنه شد و از خامنه ای حمایت کرد.

حضور مردم در صحنه، به خصوص جوانان در شب های اخیر عرصه را بر رژیم تنگ کرده است. بنا بر اخبار، نیروهای سرکوبگر نظامی و بسیجی را از شهرستانها به تهران فرا خوانده اند تا در شبهای بعد از انتخابات، هرگاه جوانان به خیابانها در آمدند، جوانان را بشدت سرکوب کنند.

نامزدهای دیگر این تگرانی را ابراز می کنند که در انتخابات تقلب شود. موسوی به خامنه ای نامه نوشته است و چون در نامه خود از مداخلات سپاه در انتخابات سخن به میان آورده است، از سوی سپاه تهدید شده است. پیش از آن نیز، سپاه تهدید کرده بود «انقلاب مخملی را در نطفه خفه می کنند». در مناظره ها، دو طرف، بر این واقعیتها صحنه گذاردند:

۱- دوران بازرگان و بنی صدر، آزادی بوده است و فساد و جنایت و خیانت نبوده است.

۲- از آن پس، آزادی نبوده، استبداد بوده و جنایت و ترور و قانون شکنی و فساد و خیانت روش بوده است.

احمدی نژاد با یاوری این واقعیت که موسوی بعنوان نخست وزیر به خامنه ای تحمیل شد (این تحمیل را هم خمینی کرد)، خواسته است خامنه ای را از جنایت و فساد و ترور و خیانت و قانون شکنی آن دوره، مبری کند.

۳- دو طرف نتوانستند واقعیت را انکار کنند. کشمکشهاشان بر سر بیشتر و کمتر در این و آن دوره بود.

۴- علاوه بر اعتراف بر استبداد و کارنامه اش، شدت دشمنی در مرکز قدرت بر همگان آشکار شد.

نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه ای متضمن اعلان خطر و تهدید، دارد به مردم می گوید احمدی نژاد بدون اجازه خامنه ای، مناظره را فرصت حمله به حامیان میرحسین موسوی، بخصوص هاشمی رفسنجانی، مغتنم نمرده است.

برای افرادی مانند هاشمی و ناطق نوری و خاتمی و دیگرانی که مورد حمله رهبری قرار گرفته اند وضعیت فعلی وضعیت مرگ و زندگی است و اگر در این انتخابات شکست بخورند، آینده خود را بسیار تیره و تار می بینند. هزینه بسیار سنگینی که هاشمی رفسنجانی برعهده گرفته است، گویای تگرانی شدید او از احتمال تجدید ریاست جمهوری احمدی نژاد است.

* با توجه به وضع موجود، خامنه ای دو راه پیش رو دارد که هر دوی آنها منجر به نابودی وی می شوند:

۱- حذف اندیشه و شعار خمینی که اسلام را مساوی روحانیت می دانست در نتیجه اعلام حمایت از محمود احمدی نژاد در برابر روحانیون بلند پایه ایست که این روزها به شدت مورد حمله قرار گرفته اند. با توجه به این امر که احمدی نژاد از حمایت روحانیانی چون جنتی و خزعلی و محمد یزدی و مصباح یزدی برخوردار است، حامی اصلی احمدی نژاد، در مقابله با جناح هاشمی رفسنجانی و



* هاشمی رفسنجانی کارگردان ائتلاف ضد احمدی نژاد:

مغز متفکر و کارگردان این ائتلاف، هاشمی رفسنجانی است. او که در انتخابات ۲۰۰۵ (۱۳۸۸) شکست خورد، امروز تمام توان خود را بکار می برد تا انتقام آن شکست را بگیرد. این آیت الله ۷۴ ساله ثروتمند از گاردهای قدیمی رژیم است و ارزشی برای احمدی نژاد قائل نیست و او را موجودی خطرناک می داند.

برخوردار از اهرمهای قوی، جبهه ضد احمدی نژاد، با ظرافت تمام، سازمان داده شد. در این جبهه، صاحب نفوذان دیگری چون علی لاریجانی، رئیس مجلس که مانع از تصویب لایحه احمدی نژاد برای امداد اجتماعی شد. محمد باقر قالی باف، شهردار تهران، نیز در این جبهه است. شگفت آمیز تر این که صدا و سیما که تحت اداره رهبر رژیم است، مناظره هائی را ترتیب داد که فرصت گذاشتن در اختیار سه نامزد دیگر بود.

در این مناظره ها، سه نامزد به احمدی نژاد حمله کردند. روحانیان بلند پایه قم و بخش بزرگی از مقامات رژیم با احمدی نژاد مخالفت کردند و او را کسی می دانند که نظام را بخطر می اندازد.

این جبهه بی سابقه، از امروز به فردا، ایجاد شده است. چندین تن از اطرافى های هاشمی رفسنجانی دو میلیون دلار صرف خرید یک سیستم کامپیوتری سخت پشرفته ضد تقلب کرده اند. از این سیستم در جلوگیری از تقلب در روز رأی گیری استفاده خواهند کرد.

بنا بر قول نزدیکان هاشمی رفسنجانی هدف جبهه این بوده است که رهبر نظام جمهوری اسلامی نتواند دخالت کند. «معامله ای»، سه ماه پیش، میان هاشمی رفسنجانی و خامنه ای انجام گرفته است. رفسنجانی متعهد شده است خاتمی را از نامزد شدن منصرف کند بشرط این که خامنه ای نیز از احمدی نژاد حمایت نکند. یکی از نزدیکان هاشمی رفسنجانی می گوید: «این یک بازی شطرنج است. طرف ما در این بازی، خامنه ای است. احمدی نژاد یک مهره بیش نیست».

انقلاب اسلامی: بدین قرار، هاشمی رفسنجانی جبهه ای تشکیل داده است و طرف او، خامنه ایست. پس نامه سرگشاده او به خامنه ای، اقدامی آگاهانه ایست: خامنه ای حامی احمدی نژاد است. بنا بر این، اگر هاشمی رفسنجانی را از صندوق بیرون آورند، این خامنه ایست که تقلب کرده و آرای مردم را دزدیده است. و اگر موسوی رئیس جمهوری شود، شکست اصلی را خامنه ای خورده و هاشمی رفسنجانی او را کیش و مات کرده است.

بدین قرار، نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه ای یک سند تاریخی و اعلان آغاز یک تحول است:

بسم الله الرحمن الرحيم
مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای زیده عزه

متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیرمسئولانه آقای احمدی نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه چینی های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک های ضدانقلاب در سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت زدن ها در انتخابات ۸۴ و در صفحه ۶

روش دیگری در پیش گرفته بود، بطوری که مراجعه به او، انهم از سوی کسانی چون هاشمی رفسنجانی و میر حسین موسوی، محل پیدا نمی کرد، سود بالارفتن میزان مشارکت به او نیز می رسید. اما نتیجه انتخابات هرچه شود، بازنده او است. عصبانیت شدید طرفداران خامنه ای از هاشمی از این رو است که او با نوشتن نامه سرگشاده، خامنه ای را بازنده اصلی انتخابات بدل کرده است.

انقلاب اسلامی: گزارش فیگارو در باره قرار و مدار هاشمی رفسنجانی با خامنه ای و نامه هاشمی رفسنجانی به خامنه ای - سندی گویا و ماندگار - وضعیت را بازمه روشن تر می کند:

کارگردان انتخاباتی که هاشمی رفسنجانی است، خامنه ای را کیش و مات کرده است؟

گزارش فیگارو از قرار و مدار هاشمی رفسنجانی با خامنه ای: در ازای انصراف خاتمی از نامزد شدن، خامنه ای از حمایت از احمدی نژاد دست بر می دارد:

فیگارو (۹ ژوئن ۲۰۰۹) از تهران گزارش می کند که ائتلاف حامی میر حسین موسوی را رئیس جمهوری اسبق، هاشمی رفسنجانی کارگردانی می کند. او کوششهای خود را دو چندان کرده است تا از تجدید انتخاب احمدی نژاد جلوگیری کند.

در قفای اعلانهای رنگارنگ که دیوارهای تهران را پر کرده اند، یک بازی پوکر دارد انجام می گیرد. هدف از این قمار: جلوگیری بهر قیمت از انتخاب احمدی نژاد است. او را متهم می کنند پول نفت را بهدر داده و از رهگذر بحران اتمی، کشور را در جهان به انزوا در آورده است.

برای نخستین بار در تاریخ جمهوری اسلامی، یک ائتلاف وسیع در بر گیرنده شخصیت های سیاسی برضد یک شخص بوجود آمده است. جواد اطاعت، استاد علوم سیاسی می گوید: «هدف این ائتلاف، با حمایت مرجع از میر حسین موسوی، نخست وزیر سالهای ۱۹۸۰، اینست که از شر احمدی نژاد خلاص شویم. هیچ مهم نیست کسی که انتخاب می شود، چه کسی باشد».

کیش و مات

می گیرند همانا کسانی هستند که شال سبز و عمامه سبز دارند و با ارسال این حدیث به صورت پیام کوتاه موسوی را ضد امام زمان تبلیغ می کنند. ۱۲ - نامه میر حسین موسوی به خامنه ای و کروی به وزیر و اوواک و دیگران و خبرها که ساینهای این دو انتشار می دهند حاکی از آنند که تکران استفاده از سیاه و سیخ در انتخابات به سود احمدی نژاد است. هرگاه چنین شود، خامنه ای تنها تر می باید هم با طیف وسیعی در رژیم و هم با مردمی که می دانند به آرای آنها خیانت شده است، مقابله کند. بدیهی عمر رژیم ولایت فقیه را سخت کوتاه می کند.

۱۳ - «انقلاب مخملی» غیر از مشارکت مردم در آن، نیازمند به مقاومت ایستادن نامزدها دارد. اگر تهدید هاشمی رفسنجانی صرف تهدید نباشد و بیانگر قصد واقعی به ایستادن باشد، خامنه ای بازنده اصلی انتخابات می شود. زیرا مقامی می شود که در برابر مردم قرار گرفته و با تقلب، نامزد خود را تحمیل کرده است. بنا بر این مقامی نامشروع است.

۱۴ - بسا خامنه ای خطر این را حس نکند. زیرا قدرت کسی در موقعیت او را کور و کر می کند. مشاوران نادان نیز دارد. اما دیگر مقامات رژیم که می دانند اگر رژیم بخطر افتد موقعیت خود را از دست می دهند، علاوه بر موضعگیری بر ضد تقلب در انتخابات، دست بکار جلوگیری از تقلب ها در انتخابات شده اند. آنها، در این پیامها گفته اند که رهبر و عقلائی نظام باید بپذیرند که با رای نیاوردن احمدی نژاد امکان ادامه حیات نظام وجود دارد اما با بالا کشیدن وی با تقلب خطر کل نظام را تهدید می کند. اما آیا خامنه ای به این هشدار توجه می کند؟

۱۵ - شنیده ها حاکی از آنند که کمیته صیانت از آراء، فشار خود را برای ممانعت از تقلب توسط وزارت کشور و شورای نگهبان آغاز کرده است. در این ارتباط، هماهنگی هایی با بسیاری از روحانیون و سرداران با سابقه سیاه و مسئولان سیاسی سابق بعمل آورده است. این خطر را به آنها گوشزد کرده است که اگر نیروهای نظامی و شورای نگهبان دست به این عمل بزنند امکان دارد که کشور را به سمت جنگ داخلی ببرند و این خطر کل نظام را تهدید می کند. زیرا مردم با توجه به عملکرد رئیس جمهور خواستار برکناری وی هستند و با امید این تغییر و حذف وی و حامیان وی وارد انتخابات می شوند.

۱۶ - خطر و اعلام خطر های مکرر از سوی بزرگان و مسئولان نظام دهان به دهان پخش شده و همین امر موجب شده است کسانی که می خواهند در انتخابات شرکت کنند به این بیندیشند که اگر رای آنها تغییر کند چه باید بکنند.

نامه هاشمی رفسنجانی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. زیرا شخص خامنه ای را به مردم ایران و مردم جهان، حامی احمدی نژاد شناسانده است. بنا بر این، اگر احمدی نژاد را برنده انتخابات اعلام کنند، خامنه ایست که فاقد هرگونه مشروعیت و اعتبار در داخل و خارج از کشور می شود. و هرگاه موسوی برنده اعلان شود، بازنده اصلی انتخابات خامنه ای می شود. اگر خامنه ای

در خرداد ۱۳۶۰، بقصد انجام کودتا بر ضد بنی صدر، هاشمی و خامنه ای و بهشتی انجام دادند. انجام دادند. در آن زمان این سه تن - که مردم «سه مفسدین» شان می خواندند - حتی نیروهای سپاه را با فرماندهی علی شمخانی و محسن رضایی از جبهه های جنگ به تهران آوردند و در پارک ارم مستقر ساختند. در روزهای کودتا، آنها با لباس شخصی در اطراف مجلس و مراکز مهم حضور یافتند و به سرکوب مردمی پرداختند که به حمایت از منتخب خود به خیابانها در آمده بودند. برخی از همین «اصلاح طلب» ها، آن روزها، فرماندهی نیروهای شخصی پوش عازم تهران را عهده دار بودند. کواکیبی یکی از آنها است. خود او شرح ماجرا کرده است. بهزاد نبوی، «وزیر» مشاور بود و از دستیاران هاشمی رفسنجانی و خامنه ای در کودتا بشمار می رفت و...

۶ - حمله به ستادها و سرکوب نیروهای حامی نامزدهای «اصلاح طلب» معلوم می کند که برخی از افراد سپاه و بسیج که عموماً دارای بیسیم و کارت بسیجی هستند به حمله اقدام می کنند و از آنجا که دارای مصونیت هستند این عمل را بی مهابا انجام می دهند.

۷ - این شایعه به وسعت انتشار یافته است که نیروهای سرکوبگر آماده حمله به خانه های هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری هستند تا در زمان مناسب با حمله به این خانه ها همان بلایی را که بر سر منتظری آوردند بر سر اینها نیز بیاورند.

۸ - هواداران خامنه ای با در اختیار داشتن اموال بسیار دست به چاپ و انتشار شب نامه های فراوان در سراسر کشور بر ضد کلیه مقاماتی شده اند که با او مخالف هستند. با استخدام افراد و فرستادن آنها شبانه به درب خانه های مخالفان، از هم اکنون تحت فشار شدید قرارشان می دهند.

۹ - صدا و سیما بیت رهبری با تمام توان در حال تخریب نیروهایی است که به نوعی در تقابل با رهبری قرار گرفته اند. حتی شنیده شده است که قرار بر این است که با آوردن افرادی مانند هاشمی و ناطق نوری و پرسش و پاسخ از آنها افشاکاری های خود را ادامه دهند. این در حالی است که صدا و سیما تحت فشار برخی از مسئولان کشور قرار گرفته است تا شرایط پاسخگویی را برای هاشمی و ناطق به وجود آورد.

۱۰ - مخالفان احمدی نژاد منتشر کرده اند که در جلسه ای با حضور نمایندگان مجلس و هیات وزیران، در آن شب کذایی شام که برخی از نمایندگان حضور نداشتند، احمدی نژاد خواستار تغییر قانون اساسی برای انتخاب بیش از دو دوره رئیس جمهوری شده است و گفته است چرا نمایندگان بتوانند چندین دوره نماینده شوند ولی رئیس جمهور دو دوره؟ باید مانند ونزوئلا شرایطی را به وجود آورد که حکومت رئیس جمهور ادامه یابد. بدین ترتیب، طرفین در دشمنی با یکدیگر، تا جایی پیش رفته اند، دیگر نمی توانند یکدیگر را تحمل کنند.

۱۱ - نیروهای وابسته به دولت به تازگی از حدیث هایی استفاده می کنند که در آن گفته می شود در زمان ظهور امام زمان کسانی که در مقابل او قرار

دیگر روحانیون سطح بالا برژیم، است. مقابله با این روحانیون اینست که خامنه ای بخش اعظمی از حمایت خود را که شامل برخی مراجع تقلید برخی ائمه جمعه و جماعت و برخی روحانیون بلند پایه در قم و مشهد می شود، از دست می دهد. برای مقابله با اینها، او مجبور به انجام عملی سخت و خونبار است تا که آنها را منکوب قدرت خود کند. این در حالی است که می دانیم برخی از این روحانیون در مراکز قدرت دارای نیروهایی هستند و در برابر این تهاجمات دست به مقابله خواهند زد. البته نباید نادیده گرفت که این حملات در زمانی صورت می گیرد که مجلس در تعطیلی به سر می برد. زیرا تا جایی که اطلاعات نشان می دهد بیش از ۱۰۰ نفر از نمایندگان مجلس در مواقع خاص از هاشمی رفسنجانی حمایت می کنند. بنا بر این، احتمال وقوع وسیع ترین درگیری در درون رژیم، بسیار قوی است.

۲ - حالت دوم این است که خامنه ای با اعلام مخالفت با مواضع احمدی نژاد و ممانعت از ادامه تخریب وی به نوعی به هواداران وی نشان دهد که حامی او نیست. اگر می خواست در همان برخورد اول که هاشمی و ناطق نوری و خاتمی مورد حمله قرار گرفته بودند این کار را انجام می داد. او نه تنها این کار را نکرد بلکه وقتی هم هاشمی رفسنجانی به او نامه نوشت و سایت های طرفدار هاشمی رفسنجانی از دیدار سه ساعته و موفقیت آمیز او با خامنه ای نوشتند، به بی اعتنائی بسنده نکرد، با این تکذیب که نه کتبی و نه شفاهی پاسخی به نامه نداده است، سخت توی دهن هاشمی رفسنجانی زد. با وجود این، هرگاه نام میر حسین موسوی از صندوق بیرون آید (پیروزی هاشمی رفسنجانی)، خامنه ای در برابر مافیاهای نظامی - مالی قرار می گیرد.

۳ - اگر اسم احمدی نژاد از صندوق رأی بیرون آید، بدان معنی است که خامنه ای، برخوردار از حمایت برخی از مراجع وابسته و برخی از روحانیون جاه طلب و جوان و حمایت از نیروهای نظامی و سیاسیون فرصت طلب که همواره طرف برنده را می گیرند، و رسانه های وابسته، در یک عملیات بزرگ، تیغ جراحی ولایت را خمینی می کشد. در واقع، بدون اینکه لازم به اعمال خشونت باشد، با قطع کردن حمایت های مالی و غیر مالی دولت، به عزلت گزینی ناگزیرشان می کند.

۴ - حضور جوانان در خیابانها و شعارها که در شهرهای ایران طنین افکندند و موضعگیری نامزدها و استفاده از رنگ سبز که «انقلاب مخملی» را تداعی می کند، بخش عمده ای از سیاه و بسیج و «حزب الله» را حساس کرده است. اخبار حاکی از آنند که از هفته گذشته نیروهای بسیج و سپاه و ماموران واواک، با لباس شخصی و موتور سوار وارد درگیری های خیابانی شده اند تا که شهرها یکسره در اختیار مخالفان ولایت مطلقه و خامنه ای و دولت «بکدست» او، قرار بگیرند.

۵ - بسیاری از نیروهای چماقدار و بسیجی را از برخی از استانهای که در آنها رژیم و طرفدارانش از امنیت بیشتری برخوردار هستند، به تهران آورده اند. تا در صورت لزوم، برای متوقف کردن تحركات مردم، وارد عمل شوند. درست همان کاری که



انتخابات مجلس ششم لجن پراکنی های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده را به نمایش گذاشت و از آنجا که بخشی از این اظهارات قبلاً در رسانه های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی شهید مقدس مطرح شده، ادعای اینکه مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت الشعاع قرار دادن گزارشهای مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالثر بودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلف در اجرای بودجه ها می باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می داند.

دهها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ پردازیها و خلافگویی هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی مان را نشانه گرفته بود.

زیر سوال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاشهای امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی شد. دوران مشعشی که خود شما پشت سر امام (ره) در قامت مجاهد پیشناز، رئیس جمهور و نهایتاً رهبری نظام نشی و مسئولیت های ممتازی بعهد داشته اید...

نقطه قابل توجه در این تهمت ها این است که غیرمستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب عالی که هادی دولت ها بوده اید و با اظهارات صریح، مدیریت ها را مورد تأیید و تحسین قرار داده اید، نشانه گرفته است.

بعد از جریان شوم ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۹ با ارشاد امام و بنیان گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب عالی و اینجانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و بخصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم پاشی ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند.

البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد. اینجانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام (ره) به آقای احمدی نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف گویی های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبای و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیرسوال بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با

کیش و مات

صحنه اند و عمل می کنند و انصافاً تهمت دست نشانده بودن آنان ستم و بی حرمتی غیرقابل توجیه است.

بیجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر اینجانب مطلعند که من ادامه وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی دانم و خود جناب عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می دانید. ولی این نظر را رسانه ای تکرده ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ نمایی کرده اند که هدف بزرگ نمایی در آن مناظره روشن شد. با اینهمه بر فرض اینکه اینجانب صورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی شک بخشی از مردم و احزاب و جریانها این وضع را بیش از این بر نمی تابند و آتش فشانهایی که از درون سینه های سوزان تعدیه می شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدانها، خیابانها و دانشگاهها مشاهده می کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت ها؛ دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بدانند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت ها؛ دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بدانند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت ها؛ دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بدانند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت ها؛ دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بدانند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت ها؛ دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بدانند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت ها؛ دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدس خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بدانند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

تجمع شد و خواسته عمومی ملت مشخص شد.

همه باید به دنبال تأمین نظر مردم باشیم و نظر مردم هم روشن است در شعارهای مردم در شعارهای بنده در حرف مردم در هر نقطه ایران که برویم خواسته ها روشن است.

خدمت به مردم اولین خواسته ای است که مردم می خواهند که آن ها می خواهند که مشکلات مردم برطرف شود مشکلات عمرانی، زیربنایی، مشکل گرانی که به بخشی از مردم فشار سنگینی را وارد کرده است، مشکل اشتغال، مشکل مسکن، به خصوص برای جوان های عزیز، این ها دغدغه های مردم ماست مردم می خواهند که همه توان و همت ما و همه امکانات کشور برای خدمت و رفع مشکلات بسیج شود.

دومین خواسته عدالت است، مردم می خواهند تبعیض نباشد و می خواهند دست متجاوزین قطع شود. مردم می خواهند اموال عمومی متعلق به عموم باشد و از آن صیانت بشود از حقوق ملت صیانت بشود از اختیاراتی که ملت در اختیار دارد صیانت بشود از عزت ملت صیانت بشود. کسی دست اندازی، زباده خواهی و ویژه خواری نکند. دنبال امتیازهای ویژه برای خودش و برای بستگانش نباشد مردم می خواهند عدالت وجود داشته باشد.

خواسته دیگر مردم، پیشرفت و تعالی همه جانبه کشور است. مردم می خواهند کشورشان در علم در صنعت، در زندگی شخصی در فناوری ها در همه امور پیشرفته باشد و این شایستگی ملت ایران است. ملت می خواهد، نام ایران عزیز باشد و در تراز شایسته جهان باشد، این خواسته ملت ایران است. ملت می خواهد مواضع پیشرفت و اجرای عدالت به آن ها معرفی بشود. این حق مردم است و من و امثال بنده نمی توانیم از خواسته های ملت کوتاه بیایم و باید مواضع را به مردم معرفی کنیم و بنده کوتاه نخواهم آمد.

امروز باید ایران را بسازیم و همت کنیم و این خواسته های ملت فقط با مشارکت همگانی و عزم ملی امکان پذیر است. اصلاحات اقتصادی و اصلاحات ساختاری فقط با مشارکت عمومی میسر است. من برای ساختن ایران از همه دعوت می کنم. همه باید دست به دست هم بدهیم، ایران عزیز را بسازیم. ایران متعلق به همه است. امروز مسوولیت قوه مجریه بر عهده بنده است، اما باید دست به دست هم بدهیم همه محترمند.

من به فعالیت های حزبی احترام می گذارم اما دولت متعلق به همه مردم است و باید پاسخگوی مردم باشد و تأمین خواسته های متن مردم باشد. بنده اصولگرایی که به دنبال اصلاحات اساسی در کشور نباشد را قبول ندارم. و اصلاح طلبی که به اصول ملت ایران پایبند نباشد آن را هم قبول ندارم. اسمها مهم نیست مهم این است که به ارزش ها، آرمان ها، خواسته های ملت پایبند باشیم دنبال اصلاح و خدمت باشیم دنبال پاسخگویی به ملت عزیز ایران باشیم.

دولت به هیچ گروه و دسته ای و هیچ کسی بدهکار نیست، بلکه ملت ولی نعمت است و دولت به ملت مدیون است و همه دولت متعلق به ملت است بنده در انتخاب همکارانم باید منافع ملت را در نظر بگیرم نه منافع اشخاص، گروه و دستجات. من



قول می‌دهم که توصیه هیچ کسی را در انتخاب همکارانم در نظر نگیرم و تنها معیار، صلاح و ویژگی‌های برجسته باشد.

بند با احدی تعارف ندارم و این یک میثاق بین ملت و خادم خودشان است. بعضی‌ها به خاطر سوابقشان و بعضی سوابقی که در انقلاب دارند خودشان را مجاز به هر کاری می‌دانند و این اضافه‌خواهی است.

بند در سخنرانی به یک حادثه تاریخی و به ماجرای جناب طلحه و زبیر اشاره کردم آن‌ها در کنار رسول خدا بودند مجاهدت‌ها کردند، خدمات کردند، نشان افتخار گرفتند، جایگاه آن‌ها در آن زمان محفوظ بود، اما این‌ها انسان را تا آخر عمر حفظ نمی‌کند.

بعضی‌ها به من گفتند ذکر نام‌ها شائبه توهین دارد، بند قاطعانه رد می‌کنم. بند قصد توهین نیست تقدم یک حادثه تاریخی و عبرت‌آموزی است. برای همه ما عبرت است، همه باید از تاریخ عبرت بگیریم. هر کس با هر سابقه‌ای از مرز عدالت خارج بشود در نقطه مقابل عدالت قرار می‌گیرد. اصل عدالت است و عدالت اصل است، وقتی خارج شد، دیگر اعتباری ندارد، عده‌ای می‌گویند ما با امام بودیم. با امام بودن کافی نیست، عمل امروز مهم است. ملت همه با امام بودند باید امروز را ببینیم.

انقلاب اسلامی: تقلب بزرگ که «اصلاح طلبان» آن را «کودتای سفید» خوانده اند، اینطور انجام گرفته است:

«کودتای سفید» از راه تقلب بزرگ در انتخابات:

* هشدار کمیته صیانت از آراء به شورای نگهبان بعد از فاش شدن فتوای مصباح یزدی در باره جواز تقلب بسود احمدی نژاد در ۱۷ خرداد ۸۸:

همزمان با افشای «فتوای شرعی» مصباح یزدی در مورد تقلب در انتخابات در نامه سرگشاده جمعی از کارکنان وزارت کشور، روسای کمیته صیانت آرا میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو کاندیدای اصلاح طلب انتخابات ریاست جمهوری در روز یکشنبه طی نامه‌ای به آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان نسبت به دستکاری انتخابات ابراز نگرانی کردند.

در بخشی از این نامه اعلام شده که تعرفه‌های مرحله اول ۵۹ میلیون و ۶۰۰ هزار تعرفه است اما وزارت کشور تعداد تعرفه‌های چاپ شده را ۵۶ میلیون اعلام کرده، و وجود ۳۶۰۰۰۰۰۰ تعرفه چاپ شده اما اعلام نشده از سوی وزارت کشور جای ایهام دارد.

علی اکبر محتشمی پور و مرتضی الویری روسای کمیته صیانت از آراء موسوی و کروبی در نامه خود همچنین به تعداد مهرهای انتخابات ارسال شده به استان‌ها اشاره کرده و خطاب به دبیر شورای نگهبان نوشتند: «تعداد مهرها، همانطوری که می‌دانید دو برابر تعداد شعب به‌علاوه ۱۰ درصد مازاد می‌باشد که بدون هیچگونه

کیش و مات

رأی اخذ کرده اند. جمع این دورقم، ۲۶۷۵۹۱۴۸ رأی می‌شود. و اگر فرض کنیم صندوقهای سیار، هر ۳ دقیقه یک رأی اخذ کرده باشند، ۱۴۲۵۸ صندوق سیار می‌توانسته اند ۲۲۸۱۲۸۰ رأی اخذ کرده باشند. جمع آراء در این صورت، ۲۶۸۱۶۱۸۰ رأی می‌شود. که تفاوت قابل اعتناء نیست.

بدیهی است تعداد آرای مأخوذه نمی‌توانسته است این اندازه باشد. زیرا «اصلاح طلبان» بی در پی اعتراض می‌کردند که در برخی از شهرها، به این عنوان که تعرفه‌ها تمام شده اند، حوزه‌ها اخذ رأی نمی‌کرده اند.

* هرگاه جمعیت دارای حق رأی را حدود ۵۲ میلیون (آمار عمومی) بدانیم، آراء باطله به کنار، حدود ۵۰ درصد مردم ایران رأی داده اند.

* و هرگاه دارندگان حق رأی را ۶۷/۲ میلیون نفر بدانیم، حدود ۵۷ درصد دارندگان حق رأی، رأی داده اند.

بدین قرار، هرگاه رژیم می‌خواست شمار بیشتری از مردم رأی بدهند، می‌باید بر تعداد صندوقها و حوزه‌ها می‌افزود. با این تعداد صندوق، اگر هم مردم بیشتری می‌خواستند، نمی‌توانستند رأی بدهند. بدین سان، تقلب بزرگ از راه افزودن بر تعداد شرکت کنندگان در دادن رأی انجام گرفته است. فرصت این تقلب را هم «اصلاح طلبان» و فرستنده هائی نظیر بی بی سی و صدای آمریکا را با اغراق در باره رأی دهندگان فراهم کردند. نتیجه این شد که رژیم فرصت یافت تقلب بزرگ را انجام دهد: رژیم مدعی است ۳۹۱۶۵۱۹۱ رأی به صندوقها ریخته شده اند. بنا بر این، دستش برای ریختن ۱۲۴۰۶۰۴۳ رأی به صندوقها، بسود احمدی نژاد باز بوده است.

برای این که خوانندگان ملاکی برای مقایسه در اختیار یابند، در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری فرانسه، دو نامزد بود. مشکل کدگذاری بقصد تقلب هم نبود. حدود ۴۰ میلیون نفر رأی دادند. هر کس در محلی رأی می‌داد که در آنجا ثبت نام کرده و کارت انتخاباتی دریافت کرده بود. در فرانسه ۶۶۸۰۰ حوزه (و نه صندوق) وجود داشت. در چند شهر بزرگ، ۱۲ ساعت و در بقیه نقاط فرانسه زمان کمتری رأی گیری شد. تجهیزات فنی برای آسان و سریع کردن رأی دادن نیز کامل بودند. حال پرسیدنی است، با ۳۲ هزار صندوق ثابت و ۱۴ هزار صندوق سیار چگونه ممکن است ۳۹ میلیون رأی گرفت؟

برابر اطلاع، تقلب دیگری نیز انجام داده اند و آن این که در کد گذاری، حیلای بکار برده اند که رأی دهنده به میرحسین موسوی، بر کد متعلق به احمدی نژاد، علامت می‌گذارد است.

مجموع این تقلب‌ها سبب شده است که آرای احمدی نژاد از حدود ۷ میلیون به ۲۴ میلیون افزایش یابد. نسبت آرای واقعی احمدی نژاد به کل آرای مأخوذه، ۱ به ۳/۷ می‌شود. این نسبت با قول زهرا رهنورد، همسر میرحسین موسوی، سازگار است. الا این که او، در مصاحبه با بی بی سی، نسبت آرای احمدی نژاد به آرای میرحسین موسوی را ۱ به ۴ گفته است.

رئیس جمهوری شود و میرحسین موسوی نیز ۱۰ میلیون رأی بیاورد. این ماجرا را عضو ستاد تبلیغاتی میرحسین موسوی بازگو کرده است.

بطوری که مشاهده می‌شود، طرح تقلب بزرگ بر اساس حدود ۳۶ میلیون رأی تهیه شده بوده است.

سه روز پیش از انتخابات، ابطحی گفته است: رئیس جمهور معین شده است روز جمعه، اسم او را از صندوق بیرون می‌آورند.

در خانه خاتمی، روزی پیش از انتخابات رسوا، چند تنی شرکت داشته اند. صحبت از تقلبات گسترده بوده است. گفتگو کنندگان به این نتیجه می‌رسند که بیرون آوردن اسم احمدی نژاد از صندوق رأی، رژیم ولایت فقیه را بطور مستقیم در برابر مردم قرار می‌دهد و ملت را به این نتیجه می‌رساند که راه حل یکی و آن پایان دادن به عمر رژیم ولایت مطلقه فقیه است.

* اما آرای کروبی را کمتر از آرای باطله به حساب گذاشته اند. زیرا قصد حذف او را، یکبار برای همیشه، از صحنه انتخابات ریاست جمهوری و بسا عرصه سیاسی داشته اند. در واقع، حذف شوندگان آندسته از «روحانیان» هستند که بطور نسبی برای خود استقلال رأی قائلند. حامیان احمدی نژاد و «رهبر»، روحانیانی هستند که حاضرند در آرای مزایایی که رژیم پریشان قائل می‌شود، نقش تبلیغاتی رژیم را بازی کنند.

* محاسبه میزان مشارکت مردم در انتخابات و بزرگی تقلب:

این محاسبه از ایران دریافت شده است. محاسبه کنندگان از نزدیک جریان رأی گیری را بررسی کرده اند: برای آنکه ضریب صحت محاسبه بالا باشد، از ۲ روش محاسبه استفاده شده و نتایج با یکدیگر مقایسه شده اند:

۱ - محاسبه بر اساس ظرفیت هر صندوق: برابر تجربه، ظرفیت متوسط هر صندوق تقریباً ۱۰۰۰ رأی است. بنا بر این، آرای دو صندوقهای ثابت و سیار را بر اساس ظرفیت، تقطیک و محاسبه می‌کنیم:

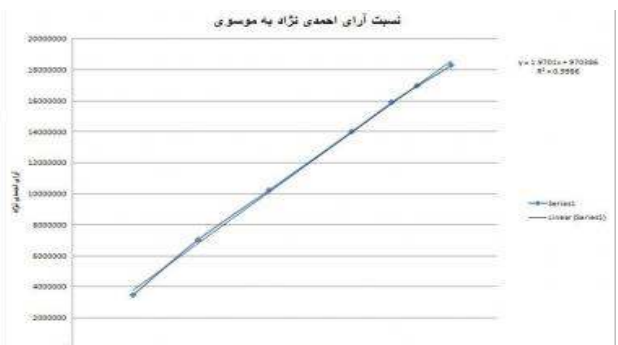
* تعداد صندوقهای ثابت ۳۱۴۵۵ است. بر اساس هر صندوق هزار رأی، کل آراء ۳۱۴۵۵۰۰۰ می‌شود. * تعداد صندوقهای سیار ۱۴۲۵۸ است. اما با توجه به این که این صندوقها می‌باید جا به جا شوند، فرض می‌کنیم ۲۰ درصد صندوقها پر شوند. بنا بر این، در این صندوقها ۲۸۵۱۶۰۰ رأی می‌شود. جمع این دو رقم، ۳۴۳۰۶۶۰۰ رأی می‌شود.

بدیهی است، فرض اینست که صندوقهای ثابت پر شده باشند. امری که با توجه به زمان اخذ رأی محال است. زیرا بر فرض که در هر دقیقه یک رأی داد شده باشد، در هر ساعت، ۶۰ رأی داده شده و جمع آرای صندوقهای ثابت، ۲۴/۵ میلیون رأی می‌شود.

۲ - محاسبه دقیق تر، براساس مکانیسم رأی گیری و زمان رأی گیری است: در صفحه ۸

نمودار تقلب بزرگ در انتخابات + تصویر

۲۴ خرداد ماه ۱۳۸۸ ساعت: ۱۳، ۴۲: خبرگزاری انتخاب:





• ظرف ۱۳ ساعت رأی گیری (در تهران ۱۴ ساعت بود و در شهرهای کوچک و روستاها کمتر از ۱۳ ساعت) هر صندوق حداکثر می توانسته است ۲۴۵۲۲۰۰۰ رأی می شود.

• صندوقهای سیار نیز می توانسته اند ۱۶۲۱۱۵۲ رأی اخذ کرده باشند.

جمع دورقم ۲۶۱۴۳۱۵۳ رأی می شود. حتی اگر فرض کنیم در محلهائی که تعرفه تمام شده بودند، از صندوقهای سیار استفاده شده و از این بابت، ۲/۵ میلیون رأی بر آراء اضافه کنیم، جمع کل آراء ۲۸/۶ میلیون می شود. بنا بر این، ۱۰/۴ میلیون رأی، به نفع احمدی نژاد، به صندوقها ریخته شده است.

◀ شورای نگهبان، در پایان رأی گیری، میزان مشارکت را ۷۰ درصد اعلام کرد. ۷۰ درصد مشارکت، ۳۲/۳ میلیون رأی می شود. بنا بر این قول نیز، حدود ۷ میلیون رأی تقلبی به آرای داده شده، افزوده شده اند. این نمودار نشان می دهد که نسبت آرای احمدی نژاد به مهندس موسوی از یک نسبت خطی تبعیت می کند.

به گزارش خبرنگار سرویس علمی خبرگزاری انتخاب، در یک نمودار کاملاً خطی $R2=1$ است. این فرمول و نسبت بدین معناست که نموداری کاملاً خطی است یا خیر.

نمودار فوق نشان می دهد به طرز کودکانه ای در طول شمارش آرا بدون توجه به جغرافیای منطقه ای، بدون هیچ گونه توجهی به شهرهای کوچک یا بزرگ، همیشه نسبت فوق بین این دو نامزد حفظ شده که نشان دهنده ی تقلبی کودکانه است.

در این نمودار، $r2=0.9985$ است، یعنی اینکه با تقریب فوق العاده ای نتیجه خطی است که دانشجویان در آزمایشگاه و بحث های آماری از $r2=0.95$ به بالا را خطی دانسته و این یکی، $r2=0.9985$ کاملاً خطی و تقریباً است.

چنین نموداری تنها نشان دهنده کار از پیش طراحی شده و با پایه گرفتن جغرافیایی یک شهر یا استان برای دیگر شهرها و استان هاست بدون در نظر گرفتن بزرگی و کوچیکی آنها.

ببینید چقدر اعداد اعلام شده همبستگی شدیدی دارند. انتظار می رفت در ابتدای اعلام آرا نسبت به نفع احمدی نژاد باشد ولی با اعلام آرای شهرهای بزرگتر این نسبت به سمت موسوی متمایل شد. ولی تابع خطی خیلی خوبی بین این دو عدد برقرار است که نشان دهنده تقلب است

انقلاب اسلامی: از شرطهای «هریری»، یکی شرط عدالت است. بیانیه خامنه ای، روزی بعد از انتخابات رسوا و پیش از آنکه دوره رسیدگی به شکایات و اعلام رسمی نتایج آراء سر رسد، آشکارا ناقص عدالت است. حکم کردن به نامزدهای دیگر به حمایت از «رئیس جمهور منتخب»، غیر از این که آشکار می کند احمدی نژاد را او به ایرانیان تحمیل کرده است، نقض قانون خود ساخته و دروغگوئی است. مردم به حق شعار می دهند: «آنکه میگن عادل، دروغ میگن قاتله». از آنجا که ایران وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شده است، قسمتهائی از بیانیه ها را می آوریم:

خامنه ای بر مردم روشن کرد که تقلب بزرگ، ولایت مطلقه فقیه است:

* سه قسمت گویا از بیانیه ۲۳ خرداد ۸۸، علی خامنه ای که ولایت مطلقه اش ناقض ولایت جمهور مردم و قولش دروغ و توهین به شعور مردم ایران است:

• انتخابات ۲۲ خرداد، با هنرنمایی ملت ایران نصاب تازه ای در سلسله طولانی انتخاب های ملی پدید آورد، مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوق ها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب یک جشن واقعی است که به حول و قوه الهی خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند.

• گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه هائی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزداینند. به همه آحاد مردم و بویژه جوانان عزیز که سرزنده ترین نقش آفرینان این حادثه ی شورا نگیز بودند، توصیه میکنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شنبه پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند.

• رئیس جمهور همه ملت ایران است و همه و از جمله رقبیان دیرپوز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی شک این نیز امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.

◀ باز خامنه ای در ۲۴ خرداد ۸۸ گفته است:

ملت ایران اسلامی با حضور گسترده و پرشور خود در این انتخابات ثابت کرد که به عزت ملی اهمیت می دهد و ایستادگی در مقابل زورگویان و زیاده خواهان و پایداری برای احقاق حق را جزو ارزش های اساسی و افتخار خود می داند و این را با این انتخابی که انجام گرفت نشان داد.

رهبر انقلاب اسلامی به تلاش دشمنان این کشور با راه اندازی جنگ روانی و تبلیغات وسیع آنان در رسانه های بیگانه برای دلسرد کردن مردم از حضور در انتخابات اشاره کردند و افزودند: حقیقتاً یک دست اعجاز آفرین الهی پشت این انتخابات بود؛ چراکه نتیجه آن، ده میلیون رأی بیشتر در مقایسه با بالاترین رقم مشارکت مردم در انتخابات ۳۰ ساله است.

کیش و مات

* در ۲۱ خرداد، یک روز پیش از روز رأی گیری، موسوی بخاطر تدارک تقلب ها به خامنه ای شکایت می برد:

۱- بعضی از اعضای شورای نگهبان در مرکز و تعدادی از ناظرین در استان ها با جانبداری علنی از رئیس کنونی دولت، رعایت شئون بی طرفی را نمی نمایند.

۲- وزارت محترم کشور و فرمانداران در پذیرش فهرست نمایندگان اینجانب در هیات های اجرایی، محل استقرار دستگاه های شمارشگر و شعب اخذ رأی تعلل می نمایند و قانون مصوب ۱۳۷۹/۵/۳۰ به صورت آشکار نقض می شود. آخرین اقدام غیرقانونی آنان جابه جایی نمایندگان معرفی شده از طرف ستاد اینجانب در شعب است که به هم ریختگی عجیبی ایجاد خواهد نمود.

این عمل کارشکنی آشکار و موجب اختلال در انجام وظیفه آنان می گردد. این در حالی است که ستاد انتخابات کشور ضمن بخشنامه شماره ۴۵۳۳۳/۴۴ مورخه ۸۸/۳/۹ بر صدور کارت نمایندگان نامزدها برای محلی که معرفی شده اند، تأکید نموده است و این اقدام فرمانداران یا خودسرانه است و یا بخشنامه داخلی دیگری خلاف متن قبلی ابلاغ شده که از آن اطلاعی در دست نیست.

۳- شواهدی از مداخله تعدادی از فرماندهان و مسئولان سپاه و بسیج در انتخابات واصل گردیده است و به نظر می رسد این عمل در صورت صحت خبر علاوه بر نقض قوانین، شکاف بین فرماندهان و مسئولان رسمی و بدنه سالم و صادق نیروهای بسیج و سپاه را دامن می زند. از آنجا که دامنه اقدامات غیرقانونی فوق مشخص نیست و بخشی از اعضای شعب اخذ رأی و ناظران از حامیان نامزد خاص آنان انتخاب شده اند احتمال تصرف در آراء مردم اذهان را می آزارد.

۴- بهره گیری رئیس دولت از امکانات دولتی در تبلیغات و مسافرت های تبلیغاتی مقامات رسمی و وزرا با استفاده از امکانات دولتی و نقض ماده ۶۸ قانون که به وفور خبرهای آن را در رسانه ها می توان ملاحظه کرد از آن جمله است.

* میر حسین موسوی، نامزدی که تقلب بزرگ به زیان او انجام گرفته، گفته است:

ملت شریف ایران • نتایجی که برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت آور است مردمی که در صفهای طولانی اخذ رأی شاهد ترکیب آرا بودند و خود می دانند که به چه کسی رأی داده اند با حیرت تمام به شعبه بازی دست اندرکاران انتخابات و صدا و سیما نگاه می کنند.

آنان اینک بیش از همیشه به دنبال آن هستند که بدانند چگونه و توسط چه کسانی و مقاماتی طرح این بازی بزرگ ریخته شده است. اینجانب

ضمن اعتراض شدید به روند موجود و تخلفات آشکار و فراوان روز انتخابات هشدار می دهم که تسلیم این صحنه آرابی خطرناک نخواهم شد. نتیجه

آنچه که از عملکرد متصدیان بی امانت دیده ایم و می بینیم جز تزلزل ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت دروغ و استبداد نیست. اینجانب طبق وظیفه شرعی و ملی خویش به افشای رازهای پشت سر این روند پرمخاطره خواهم پرداخت و آثار نابود کننده آن را بر سرنوشت کشور توضیح خواهم داد و ترس آن دارم که ادامه وضع موجود همه نیروهای موثر در نظام را به توجیه گرانی دروغگو در مقابل مردم تبدیل کند و دنیا و آخرت آنان را در معرض لطمه های جبران ناپذیر قرار دهد.

اینجانب از همین فرصت استفاده میکنم و ضمن تشکر از عواطف ملت بزرگوار ایران به آنان تذکر می دهم که ایران این موجود

• ایران آسمانی متعلق به آنان است و نه متقلبان، این آنان هستند که باید با هوشیاری خود از آن حفاظت کنند. خائنین به آراء مردم آبابی از آن ندارند که این خانه پارسیان به آتش کشیده شود. ما موج عقلانیت سبز خود را که برگرفته از تعالیم دینی و علایق ملت ما به اهل بیت پیامبر (ص) است با تمامی شور ادامه می دهیم و با شورش دروغ که در کشور طغیان کرده و چهره آن را آلوده است مبارزه میکنیم، اما اجازه نخواهیم داد که حرکات ما شکل کور به خود بگیرد.

* در ۲۴ خرداد ۸۸، میر حسین موسوی تقاضای ابطال انتخابات را کرده است:

شورای محترم نگهبان سلام علیکم
پیرو دهها مکاتبه ستاد انتخاباتی اینجانب با آن شورا دایر بر تخلفات صریح انتخاباتی عوامل اجرایی وزارت کشور و نیز یکی از نامزدها که قطعاً در نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد ماه مؤثر بوده است و ذیلاً به مواردی از آنها اشاره می شود، عدم صحت انتخابات محرز است و رسیدگی و ابطال آن درخواست می گردد:

۱- در ایام تبلیغات خصوصاً در مناظره آقای احمدی نژاد، اتهامات بزرگی علیه بعضی از شخصیت های حقیقی، از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجلس خبرگان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز آقای ناطق نوری عضو محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس بازرسی ویژه مقام معظم رهبری، در رسانه ملی مطرح شد که بنا به اظهار صریح ریاست محترم قوه قضاییه و دادستان محترم کل کشور مصادیق روشن عمل مجرمانه بوده است. این اتهامات خوراک اصلی تبلیغات انتخاباتی آقای احمدی نژاد علیه سایر نامزدها، خصوصاً اینجانب قرار گرفت.

۲- ایشان در مناظره های انتخاباتی اقدام به بیان مطالب خلاف امنیت ملی نمود که نتیجه آن زیر سؤال بردن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی سلام الله علیه بود. به علاوه عمل ایشان در افشای بعضی از موضوعات مجرمانه و سری با تلفیق

موارد نادرست، از جمله متهم کردن دولت جمهوری اسلامی و وزارت کشور به سازماندهی اوباش برای حمله به جوانان و مردم و بریدن کراوات ها و تراشیدن موی سر جوانان اتهاماتی واهی است که در هیچ مرجع قضایی مورد رسیدگی قرار نگرفته و بدیهی است که عملی مجرمانه محسوب می شود.

۳- کارشکنی های عدیده مسئولانه وزارت کشور و بسیاری از فرمانداری ها، از جمله فرمانداری تهران در ارائه کارت های نمایندگان جناب حجت الاسلام والمسلمین کروبی و اینجانب منجر به عدم امکان حضور تعداد قابل توجهی از نمایندگان ما دو نفر در محل شعب اخذ رأی و محل های شمارش و تجمیع آرا گردید و نمایندگان نامزدها هیچگونه نظارتی بر انتخابات نداشته اند.

۴- برخلاف اعلام کتبی قبلی مبنی بر اینکه شمارش آرا و تجمیع آن دستی خواهد بود، ستاد انتخابات کشور در حالی که هنوز تعدادی از شعب در حال شمارش آرای مردم بودند اقدام به اعلام نتایج در حجم انبوه نمود. این در حالی بود که هنوز صورت جلسه های موسوم به فرم های ۲۲ و ۲۸ از هیات های اجرایی دریافت نشده و تنها ملاک ارائه آمار ارقام موجود در سیستم های رایانه ای بود که هیچگونه وجهت قانونی ندارد و موجب التهاب اجتماعی و تگرانی در جامعه براساس آمارهای فاقد مبنای قانونی می شود.

۵- صدها شعبه اخذ رأی در مناطق مختلف کشور از جمله شیراز، تبریز، تهران و... در ساعات قبل و بعد از ظهر دچار کمبود تعرفه اخذ رأی شدند و این امر موجب توقف چند ساعته رأی گیری در آنها گردید. با توجه به اینکه تعداد تعرفه های چاپ شده با فرض بالاترین تعداد متصوره شرکت کنندگان به گونه ای بوده است که بیش از ۱۷ میلیون تعرفه اضافی می توانست در اختیار وزارت کشور باشد تعلل شدیدی که در جریان توزیع تعرفه های انتخاباتی به چشم می خورد کاملاً ابهام برانگیز بود و نشان می داد که این تعلل و نیز اعلام توقف زمان رأی گیری، در حالی که هنوز تعداد قابل توجهی از مردم خواستار شرکت در انتخابات بودند از سر تگرانی نسبت به افزایش تعداد آرای ماخوذه از مرز ۱۰۰ درصد افراد واجد شرایط بوده است. طبیعی است که چنین اموری شائبه وقوع اقدامات غیرقانونی گسترده و وجود تعداد بی شمار آرای تقلبی در صندوق ها را تحکیم می کند.

۶- علاوه بر موارد فوق تخلفات فراوان صورت گرفته در روز و زمان اخذ رأی طی بیش از ۸۰ مورد نامه خطاب به آقای کدخدایی سخنگوی محترم شورای نگهبان توسط رابط اینجانب به آن شورا تقدیم شده است.

۷- آقای احمدی نژاد در وقت تبلیغات اضافی که سازمان صدا و سیما به صورت غیرقانونی به ایشان اهدا کرد وقوع اقدامات ضد امنیتی را پیش بینی کرد و به طور ضمنی موفقیت خود را مسلم دانست و رقبا را متهم به توطئه چینی نمود، که تمامی اینها حاکی از برنامه ریزی های پشت پرده برای دستکاری نتایج انتخابات است. به همین ترتیب تیتو خبر ییروزی آقای احمدی نژاد در سایت رجانیوز، فارس و ایرنا که چند ساعت قبل از پایان اخذ رأی رویداد و نیز تعیین تیتو روزنامه کیهان با همین عنوان طراحی در صفحه ۹



قبلی اعلام چنین نتیجه‌ای را مشخص می‌سازد.

۸ - نقض ماده ۴۰ قانون جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و مداخله نظامیان و بسیج در انتخابات و شرکت در میتینگ‌های تبلیغاتی آقای احمدی‌نژاد و استفاده گسترده از امکانات دولتی و نقض ماده ۶۸ قانون انتخابات از جمله تورگردی وزرا در استان‌ها و شهرستان‌ها (تا جایی که پس از سخنرانی معاون اول ریاست جمهوری در گیلان به ستاد اینجانب حمله شد) و حضور آقای وزیر خارجه در شهرهای مختلف ایلام، کرمانشاه، سمنان، گیلان و... در جلسات تبلیغاتی و استفاده آقای احمدی‌نژاد از هواپیمای اختصاصی دولت برای حضور در میتینگ‌های تبریز و ارومیه و اصفهان و... نمونه‌های دیگری از تخلفات از فصول مختلف قانون مذکور به ویژه فصل هفتم آن بوده است.

نظر به موارد فوق انتظار دارم درخواست اینجانب در مورد ابطال انتخابات ۲۲ خرداد ماه مورد رسیدگی و اقدام قرار گیرد.
میرحسین موسوی"

*** در ۲۴ خرداد ۸۸، میر حسین موسوی به مراجع تقلید نامه نوشت و از آنها خواست به تقلب در انتخابات اعتراض کنند:**

محضر مبارک مراجع عظام و علمای اعلام با اهدای سلام، اینجانب اطمینان دارم که روند حوادث انتخابات ریاست جمهوری دهم را با دقت پیگیری کرده‌اید. اگر چه توسل به دروغ و استفاده بی حساب از امکانات عمومی و دولتی برای تبلیغات یک‌سویه به سود نامزد حاکم به خوبی نشان دهنده عزم این گروه خاص برای پیروزی به هر قیمت و از هر راه ممکن بود، اما تصور تقلب در آرای مردم تا این اندازه و برابر انتظار شگفت‌زده جهانیان از حکومتی که تعهد به عدالت شرعی از ارکان اساسی آن شمرده می‌شود، برای کسی ممکن نبود.

امروز که با حیرت تمام شاهد چنین تصورات جسورانه در امانت مردم هستیم و تمامی راه‌ها برای احقاق حق بسته شده، مواجه شدن مردم مظلوم با سکوت علما و مراجع که ملجا راسخ این ملت شمرده می‌شوند، خسارتی بیش از یک تغییر در آرا را به دنبال خواهد داشت.

عواملی به بهانه‌های واهی با چوب و چماق و باطوم و شوک الکتریکی به جان اعضای ستادهای اینجانب و مراجعه کنندگان سرگردان و مهیوت از این وضعیت افتاده‌اند، در حالی که امیدی به کارایی قوه قضاییه محترم نمی‌رود زیرا جایی که دادستان کل کشور نتواند از سخن قانونی خود در پیشگیری از سخنرانی اضافی نامزد حاکم در سیما جلوگیری نماید، با چه ابزاری می‌تواند از این خشونت سیاه بازداری کند؟ به حسب وظیفه صیانت از آرای مردمی که اینک دچار چنین زیان عظیمی شده‌اند عرض حالی

کیش و مات

سندهای تاریخی، در این مجموعه می‌آوریم:

و راه امام می‌دانم و از آن جایی که هنوز هم به ظرفیت نهادهای قانونی در جمهوری اسلامی باور دارم از شورای نگهبان می‌خواهم با ابطال انتخابات و در راستای خواست به حق ملت و اکثریت مردم بار دیگر این انتخابات را تجدید نماید و این بار به حق، از آرای مردم پاسداری کند.

*** در دیدار ۲۴ خرداد موسوی به خامنه‌ای و شکایت به مراجع قانونی!:**

« بنا بر سایت خامنه‌ای، بعد از ظهر ۲۴ خرداد، موسوی با خامنه‌ای دیدار کرده است:

در این دیدار، موسوی در باره تقلبها به خامنه‌ای گزارش کرده است. خامنه‌ای به او گفته است از طریق مراجع قانونی، اقدام کند و به شورای نگهبان شکایت برد.

او با اشاره به نامه موسوی به شورای نگهبان گفته است: به شورای نگهبان تاکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود.

او با اشاره به تحریکات دشمن و برخی طراحی‌های یشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابان‌ها، خطاب به آقای موسوی افزودند: جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.

« در ۲۵ خرداد، «شورای نگهبان» از نامزدهای شاکی خواست شکایت‌های خود را هر چه زودتر تسلیم این شورا کنند.

« محسن رضانی در نامه به احمدی نژاد خاطر نشان کرده است: یک ساعت بیشتر وقت در اختیار ما نیست. وزارت کشور هم گزارش تفصیلی در باره انتخابات را در اختیار ما نگذاشته است. بدین ترتیب ما چگونه می‌توانیم اعتراض کنیم؟

انقلاب اسلامی: ۱ - خامنه‌ای با صدور بیانیه، امکان رسیدگی واقعی را از شورای نگهبان سلب کرده است. هرگاه شورای نگهبان بخواهد وقوع تقلب بزرگ را تصدیق کند، «رهبر» را هم تکذیب و هم دروغگو و غیر عادل گردانده و سبب عزل او از رهبری شده است. بنابر این مسلم است که «شورای نگهبان» - که خود سازمان دهنده این تقلب بزرگ است - صحت انتخابات رسوا را تصدیق خواهد کرد.

۲ - وقتی احمدی نژاد مردم اعتراض کننده را خار و خس می‌خواند و خامنه‌ای اعتراض مردم را آلت «تحریکات دشمن و برخی طراحی‌ها در پشت صحنه» توصیف می‌کند، «اقدام از طریق مجاری قانونی»، یعنی تسلیم شدن به زور «رهبر» سازمان دهنده تقلب بزرگ.

و از آنجا که هشدار بنی صدر، پیش از انتخابات که در آن، نسبت به «واقعیت بسیار تلخ» هشدار داده شده است و نیز دو بیانیه یکی به تاریخ ۲۳ و دیگری به تاریخ ۲۵ خرداد، در روزهای صادر شده اند که تاریخ ایران ورق می‌خورد، بعنوان

هشدار پیش از انتخابات رسوا و فراخواندن به جنبش و همبستگی بعد از آن و تحول شعارهای مردم:

هشدار ۱۹ خرداد ابوالحسن بنی صدر به مردم ایران

هموطنان!
انها که می‌گفتند اگر این رژیم برود ایران نیز از میان می‌رود، امروز فریاد بر آورده اند که «وطن در خطر است». با سر دادن این فریاد، اعتراف می‌کنند که آن هشدار بی‌حقیقت بوده است که، بنا بر آن، وجود این رژیم با حیات ملی در تضاد است. با وجود این اعتراف، نه رژیم، بلکه مهره‌های، آقای احمدی نژاد را عامل به خطر افتادن وطن جلوه می‌دهند. اما این رژیم ولایت مطلقه فقیه است که وطن را به خطر افکنده است و ادامه حیات آن این خطر را قطعی تر نیز می‌کند.

طی سه دهه، وفاداران به اصول راهنمای انقلاب ایران، جنایتها و خیانتها و فسادهای رژیم را بر شما و جهانیان آشکار کرده اند. اینک، چهار نامزد تحمیلی در برابر چشمان شما، تصدیق می‌کنند رژیم استبدادی حاکم بر ایران، رژیم تبهکاران و خائنان و فاسدان است. بیشتر از خیانتها و جنایتها و فسادهایی که تصدیق می‌شوند، آتش فشان تخاصم‌های درونی که سرباز می‌کند، اهمیت دارد. این علامت مهم و دیگرعلامتهای مرگ رژیم اهمیت دارند. اینک شما می‌دانید رژیم، در مرکز خود، با شدید ترین تخاصمها روبرو است.

هموطنان!
اینک بر شما از روز روشن تر است که تنها کسانی صلاحیت یافته اند خدمتگزار این رژیم شوند، که در جنایتها و خیانتها و فسادها شرکت مستقیم داشته اند. از این امر که جنایتها و خیانتها و فسادها انکار نمی‌شوند، شگفت زده نشوید! چرا که آتش فشان خصومت‌ها نه جایی برای نگفتن می‌گذارد و نه محلی برای انکار. اینک، شما دیگر تنها در برابر «انتخاب بد و بدتر» قرار ندارید. در برابر بدترها قرار دارید. افزون بر این، گرفتار بدترین، یعنی ولایت مطلقه فقیهی نیز هستید که دیگر آدم سالم را تحمل نمی‌کند. پس، در برابر وجدان

خود و در برابر وجدان جهانیان، مسئول رفتاری هستید که در پیش می‌گیرید. نمی‌باید کرامت و عزت ملی خود را در گرو رأی دادن به یکی از بدترها، بگذارید. بهوش باشید که فردا، روز بعد از انتخابات قلابی، روز رویاروشدن با واقعیتهای تلخ است.

هموطنان!
انتخابات رسوای کنونی، یک ویژگی دارد: حتی آنها که می‌خواهند در دادن رای شرکت کنند، از روی رضا و رغبت رای نمی‌دهند. شماری از آنها، امیدوارند رژیم را ناگزیر کنند تغییر کند و شمار دیگری به حداقل راضی هستند و امیدوارند مانع از بدتر شدن وضع شوند. هر گاه این دو گرایش از توانایی خود بهره جویند و جنبش را تا استقرار ولایت جمهور مردم ادامه دهند، با تحریم کنندگانی هم اندیشه و هم روش شده اند که تحریم را بخشی از جنبش برای الغای ولایت مطلقه فقیه و استقرار ولایت جمهور مردم می‌دانند. بنا بر این فرض، جنبش تحریم به یک هدف بزرگ دست یافته و آن هم نظر شدن جمهور مردم بر ضرورت تغییر از رژیم ولایت مطلقه فقیه به ولایت جمهور مردم است.

از این رو، هشدار محل دارد:
۱ - شما، آن بخش از مردم که می‌خواهید رأی بدهید چون فکر می‌کنید شدت گرفتارها طاقتان را طاق کرده است، بدانید که شدت گرفتارها دلیل تحریم است و نه توجیه گر شرکت در دادن رأی. زیرا مسکن جای داروی درمانگر بیماری مهلکی را که ولایت مطلقه فقیه است، نمی‌گیرد. این بیماری از آن نوع بیماریها است که مسکن بسا مانع از درمان آن نیز می‌شود. شما نیازمند «مناظره‌ها» نبودید برای این که بدانید طی ۳ دهه، وضعیت زندگی شما همچنان رو به وخامت بوده است. زیرا سخن راست را هر روز از واقعیت‌ها شنیده‌اید. هر روز، زندگی سخت تر گشته است و اینک شما از شدت فشارها در رنجی تحمل ناکردنی هستید. اما عقل سلیم به آدمی می‌گوید: برای رها شدن از شدت فشارها، به از میان برداشتن علت اصلی آن باید پرداخت. می‌دانم که می‌دانید که علت فشارهای طاقت شکن، ولایت مطلقه فقیه است که شما را از حق حاکمیت بر زندگی جمعی و فردی خویش محروم کرده است. پس به علم خود عمل کنید و رفتاری در پیش بگیرید که از مدعی ولایت مطلقه فقیه سلب مشروعیت و از این ولایت قلابی سلب وجود کند: با تحریم انتخابات قلابی، به ولایت مطلقه فقیه نه و به ولایت جمهور مردم، آری بگویند.
۲ - و اما شما که فکر می‌کنید، از راه شرکت در انتخابات، رژیم را ناگزیر از تحول می‌کنید. یعنی از دل ولایت مطلقه فقیه، ولایت جمهور مردم و مردم سالاری را بیرون می‌آورید! به شما بخاطر آگاهی بر این واقعیت که راه حل الغای ولایت مطلقه فقیه و استقرار ولایت جمهور مردم است، تبریک می‌گویم. با وجود این هشدار می‌دهم:

- حق را نمی‌توان جزء جزء کرد و



به یک یا چند جزء آن قانع شد. استقلال حق است. حقوق انسان ذاتی حیات انسان هستند. هیچیک از این حقوق را نه می توان جزء جزء کرد و نه به غیر انتقال داد. با توجه به این واقعیت بود که نه هندیان بجای استقلال، خواستار جزئی از آن شدند و نه، سیاهان افریقای جنوبی خواهان الغای جزئی از تبعیض نژادی گشتند و در ایران، مصدق

خواهان استقلال بمنابه یک حق شد. بسیار بودند و هنوز نیز هستند که می گفتند و می گویند چرا او به جزئی از استقلال بسنده نکرد. اما غفلت از تجزیه و انتقال ناپذیری حق استقلال، سبب کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و قرار داد کنسرسیوم و حاکمیت امریکا بر ایران گشت. از انقلاب بدین سو، همین غفلت موجب کودتای خرداد ۶۰ و ادامه جنگ بمدت ۸ سال و... و وضعیت امروز شده است. و اینکه، «انتخابات» ریاست جمهوری درگرو رابطه با قدرتهای خارجی است. این تجربه ها به ما ایرانیان می آموزند که باید تمام حق : ولایت جمهور مردم، را خواست و بدست آورد.

تحریم انتخابات اظهار این حق، ایستادگی بر این حق و فراخواندن شفاف به این حق است. به وجدان خود رجوع کنید و از او بپرسید: اگر بخواهید این حق را بی کم و کاست مطالبه کنید، چه بایدتان کرد همان کار را بکنید!

- می پذیرید که عامل تغییر مردم ایران هستند. پس بجای اینکه خود را وسیله زورآزمایی متخاصمان در کانون قدرت حاکم کنید، شایسته آنست که توانائی خویشان را به یاد یکدیگر آورید و بعنوان یک ملت رشید، خویشان را از حق حاکمیت برخوردار کنید!

شما ملتی با تاریخی بس دراز هستید و فراوان درس های تجربه ها را در اختیار دارید. می دانید که تخاصم در مرکز قدرت، ناشی از تحول قدرت است. پس در بیرون از رژیم حاکم است که تغییر اساسی که انتقال ولایت به جمهور مردم است، می باید سازمان بیابد. آماده نشدن در بیرون از رژیم، از راه مطالبه حق ولایت جمهور مردم، ممکن است مدتی بر طول عمر رژیم بیفزاید، اما آن را از مرگ نجات نمی دهد. هرگاه در سطح جامعه، نیروی جاننشین بیاتر ولایت جمهور مردم قوت بگیرد، بهای سنگین ادامه حیات و نیز سقوط رژیم را، مردم ایران می باید بپردازند.

هموطنان!

زمانه آقای هاشمی رفسنجانی را به اعترافی ناگزیر کرد که هم گویای استواری نخستین منتخب ملت ایران بر مطالبه حقوق ملی ایرانیان است و هم اعتراف است به توانائی مردم ایران هرگاه که تصمیم بگیرند به عمر رژیم استبدادی پایان دهند. بنا بر نامه او، بنی صدر نماد حاکمیت ملت و مروج پیگیر ولایت جمهور مردم است. بدون این اعتراف، نه می توانست وضعیت امروز را با وضعیت دوران بنی صدر و ضد بنی صدر را با بنی صدر مقایسه کند و نه به خامنه ای بابت جنبش مردم هرگاه از مهار بگیرد، هشدار

کیش و مات

می باید بکار برید.

جوانان ایران!

این امر را که به خیابانها درآمدید و در فضای امید و شادی، یکدیگر را باز یافتید و با یکدیگر همدستان شدید، دلیل بر توانائی قدرت شکن خویش بدانید و آن را تمرین جنبش همگانی بشمارید و در تدارک این جنبش برای استقرار حاکمیت بر زندگی ملی و شخصی خویش شوید. تقلب بزرگ هم هدف و هم روش را بر شما آشکار کرد. حالا می دانید که روش ناسازگار با حقوق شما که رأی دادن در عین علم به این واقعیت که حق حاکمیت از شما ستانده شده است، روش دستیابی به این حق نیست. این روش شما را به «حداقل» خواستها نیز نمی رساند. پس دیگرگوش به صداهایی که از دهان قدرتمدارها و توجیه گران قدرت بیرون می آیند، مسپارید. خویشتن را به عصبانیت و خشونت مسپارید. احساس توانائی با احساس امید و شادی و خون سردی همراه است و جنبش همگانی با خشونت زدائی همزاد است. با شفاف کردن هدف و روش همراه است. هدف را استقرار ولایت جمهور مردم بشناسید و تمام این حق را بخواهید و به تدارک جنبش همگانی برخیزید.

ایرانیان!

اگر تردید داشتید، اینکه می باید تردید شما رفع شده باشد و تقلب بزرگ، با وجود دشمنی در مرکز قدرت فسادگستر به شما گفته است که این رژیم میرنده است. تقلب بزرگ به شما هشدار می دهد که نباید در بیراهه مرگ با این رژیم همراه شد. می باید به راه زندگی باز گشت. هرگاه با واقعیت تلخ این سان رویارو شوید، در دل، امید و شادی می یابید و بر می خیزید و برای استقرار حاکمیت خویش، روی به جنبش می آورید. دلهای شما پر از امید و شادی و معرفت شما بر توانائی خود هرچه شفاف تر و عزم شما بر برخاستن، بازمهم استوار تر باد. ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ معتمد شما ابوالحسن بنی صدر

از ابوالحسن بنی صدر به مردم ایران

زمان همبستگی ملی و پیوستن نیروهای نظامی و انتظامی به این همبستگی است

هموطنان عزیزم امروز روزی است که می باید مزرها را از میان خود بردارید. هیچ سخنی و بیانه ای نباید میان شما مرز پدید آورد. در برابر ولایت مطلقه فقیه که خود تقلب بزرگ و سازمان دهنده تقلب بزرگ است، شما مردم ایران می باید یک صدا شوید، حق خود را بخواهید و بستانید.

حاکمیت را غصب کرده و برای مردم، بر حاکمیت، ولو به اندازه یک ارزن، حق قائل نیست. از این رو، تقلب بزرگ را بر خود «مشروع» می سازد و می کند. در هشدارهای پیاپی به شما مردم عزیز ایران یادآور شدم که روز ۲۳ خرداد، روز رویارویی با واقعیت بسیار تلخ است. اینک شما رأی دهندگان سخت احساس فریب می کنید. اما نه وقت خود سپردن به این احساس و نه زمان هم آغوش شدن با غم و یأس است. تردید نکنید که

۱ - این انتخابات رسوا، دو شکست خورده داشت که یکی از آنها آقای خامنه ای مدعی ولایت مطلقه فقیه و دیگری آقای هاشمی رفسنجانی، همدست او در کودتای خرداد ۱۳۶۰ و جنایتها و خیانتها و فسادها است. ولایت مطلقه فقیه، بر فرض که تقلب بزرگ انجام نمی گرفت، باز بازنده بود. چرا که جمهور مردم ایران، از تحریم کنندگان و رأی دهندگان، مخالفت خود را با ولایت دروغ و دغل ابراز کرده اند.

۲ - پیروز این انتخابات وفا کنندگان به عهد خود با ولایت جمهور مردم و شما مردم ایران هستید. در هشدارها، تأکید شد که از ۲۳ خرداد به بعد، زمان از آن پیروز شوندگان، یعنی استواران بر حقوق مردم و شما مردم ایران هست. چرا که وجدان همگانی نه تنها نسبت به هدف که استقرار ولایت جمهور مردم است، بلکه بر روش که به جنبش همگانی روی آوردن بقصد رسیدن به این هدف است، معرفی شفاف پیدا می کند.

هموطنان!

نه وقت نا امیدی و غم که هنگام امید و شادی است. چرا که اینکه می دانید ولایت مطلقه فقیه را نمی خواهید و ولایت جمهور مردم را می خواهید. اینکه می دانید که روش حق، عمل به حق است و نه وسیله زورآزمائی شدن در درون رژیمی که در مرکز خود، گرفتار شدید ترین تخاصم ها است. اینکه می دانید که حتی وقتی رژیم چهار مجرم را نامزد می کند، برای شما اختیار رأی دادن به یکی از آنها را نیز قائل نمی شود. چرا که شدت دشمنی در مرکز قدرت، دادن این اختیار را ناممکن کرده است. اینکه می دانید چه کسانی با شما راست می گویند و انگیزه آنها نه قدرت و قدرتمداری که حقوق شما است. اینکه می دانید چه کسانی به شما راست نمی گویند. اینکه می دانید که نباید خود دستیار رژیم در فریب خویشان بگردید. اینکه می دانید که رژیم ولایت مطلقه فقیه با حیات ملی تضاد آشتی ناپذیر دارد و هرگاه بخواهید در استقلال، در آزادی، زندگی کنید، هرگاه بخواهید بر میزان عدالت اجتماعی، رشد کنید، می باید به جنبش همگانی روی آورید. اینکه می دانید که توانائی دارید و این توانائی را برای باز یافتن حقوق خود

دهد و نه او را تهدید کند. او اعتراف می کند که او و آقایان خامنه ای و بهشتی، آقای خمینی را به کودتا بر انگیخته اند و او را می ترساند که هرگاه بموقع عمل نکند، بسا فردا بسیار دیر باشد.

ایرانیان بپوش باشید! بنا بر این نامه، تا پایان روز ۱۹ خرداد، قرار بر بیرون آوردن آقای احمدی نژاد از صندوق است. زیرا هرگاه جز این بود، آقای هاشمی رفسنجانی این نامه را که از جمله آشکار کننده تقابل او با آقای خامنه ای است، نمی نوشت. آنچه در دو روز آینده روی خواهد داد، خواهد گفت که آیا آقای خامنه ای تهدید را جدی گرفته و تمکین کرده است یا خیر.

و بنی صدر که هیچگاه اعتماد خود را به مردم ایران از دست نداده است و تمام عمر برای استقرار ولایت جمهور مردم کوشیده است، نامه آقای هاشمی رفسنجانی و گفته ها و نوشته های دیگر شرکت کنندگان در کودتای خرداد ۱۳۶۰ را پیام امید تلقی می کند و به شما هموطن عزیز خود می گوید: هم از این واقعیت آگاه است که دستگاههای تبلیغاتی غرب برای آقای میرحسین موسوی تبلیغ می کنند و هم می دانند، وقتی بنا بر این می شود که «برضد» نامزدی رأی داده شود، وسوسه رفتن به پای صندوق رأی، واگیر می گردد. اما این را نیز می دانند فردا که حقیقت تلخی خود را آشکار می کند، سردی یأس جای هیجان را می گیرد. از این رو، فریضه خود می دانند به شما مردم ایران هشدار بدهند که هم بلحاظ باز یافتن حق حاکمیت و هم بلحاظ استقلال ایران و جدا شدن حساب ملت از حساب رژیم خودکامه نزد جهانیان، و بنا بر این تضمین امنیت ملی، تحریم هرچه گسترده تر انتخابات قلابی، پیشنهاد درخوری به شما مردم ایران است. تردید نکنید که ولایت مطلقه فقیه محکوم به زوال است. بنا بر این، هدف می باید استقرار ولایت جمهور مردم باشد. توانائی خود را به یاد آوریم و برای هدفی که دستیابی به آن را به هیچ رو نباید به تأخیر انداخت، به جنبش همگانی روی آوریم. معتمد شما ابوالحسن بنی صدر ۱۹ خرداد ۱۳۸۸

پیام ابوالحسن بنی صدر به مردم ایران

تقلب بزرگ، شما را به جنبش همگانی می خواند

هموطنان!

آن بخش از شما مردم ایران که تحریم را رأی دادن به الغای ولایت مطلقه فقیه دانستید و آن بخش از شما ایرانیان که بدین خاطر در دادن رأی شرکت کردید که گمان بردید، بر ضد ولایت مطلقه فقیه رأی می دهید، اینک در موقعیتی یکسان قرار دارید: در برابر رژیمی قرار دارید که

جنبش در همبستگی ملی می باید دراز مدت شود. برای این کار، بر دانشجویان و دانشگاهیان است که نه جدا از مردم که از طریق و همراه مردم جنبش را به پیش ببرند. برای آنکه جنبش همگانی شود و موجهای جنبش سرتاسر ایران را بگیرند، می باید هدفی که اینک روشن یعنی، نه به ولایت مطلقه فقیه و آری به ولایت جمهور مردم گشته است، همچنان شفاف بماند. جنبش دراز مدت مردم ایران می باید سازمانی سازگار با دو ویژگی این جنبش، همگانی و خودجوش بودن آن پیدا کند.

روشنائی می باید ابداع شوند که کمترین امکان مداخله را به قوای سرکوب گر بدهند. پرهیز از خشونت می باید با افشای خشونت های ددمنشانه ای همراه شود که قوای سرکوب گر انجام می دهند و به پای مردم می گذارند. خشونت زدائی روشی است که می باید همه مکانی و همه زمانی بگردد. مردم می باید بسان موجهای بزرگ، شهرها و روستاهای کشور را فراگیرند.

ایرانیان مقیم خارج از کشور

با توجه به سانسوری که دستگاه ولایت مطلقه فقیه به مردم ایران تحمیل می کند، تداوم بخشیدن به جنبش اعتراضی و آگاه کردن مستمر افکار عمومی کشورهای محل اقامت و بسا برانگختن مردم این کشورها به شرکت در جنبش اعتراضی، کمک بزرگی به مردمی است که اینک در برابر تقلب بزرگ آقای خامنه ای و دستگاه او، به استقامت ایستاده اند.

نیروهای مسلح ایران از نظامی و انتظامی بدانند!

با گذشت ۳۰ سال، اینکه وضعیت سیاسی کشور بسیار روشن گشته است: ولایت حق جمهور مردم است. آقای خمینی این حق را، در نوفل لوشاتو، مکرر تصدیق کرده است. سه دهه فساد و جنایت و خیانت رژیم ولایت مطلقه فقیه را از زبان نامزدها شنیده اید. به رفتار مردم خود و جهت عمومی تحول در ایران و جهان بنگرید و از خود بپرسید: آیا ولایت مطلقه فقیه می تواند دیر بیاید و آیا صحیح است آلت فعل متقلب بزرگ در سرکوب مردم خویش شوید؟ در میان شما، بسا هنوز کسانی باشند که به ارتشیان شاه، گل می دادند و در پیروزی گل بر گلوله شرکت داشته اند. شایسته شما نیست که ایرانیان، برادران و خواهران خود را سرکوب کنید. بدانید که سرکوبگری نه مانع تحول می شود و نه جهت آن را تغییر می دهد. به فردا، فردائی که مردم ولایت بر سرنوشت خود را باز می یابند، فکر کنید. در آن فردا، شما و فرزندان شما، در میان این مردم و فرزندان آنها زندگی خواهید کرد. امروز کاری نکنید که زندگی فردای همه با همه مشکل شود.

امید که شما مردم ایران توانائی خویشان را هرگز از یاد نبرید و با مداومت بخشیدن به جنبش، در همبستگی، بر این توانائی استبداد شکن بیفزائید.

۲۵ خرداد ۱۳۸۸

معتمد شما ابوالحسن بنی صدر



انقلاب اسلامی: هرگاه بعد از ۳۰ سال، مردم ایران هدف تحویلی را که می خواهند، استقرار ولایت جمهوری مردم کنند، این سه پیام، حاصل یک تلاش ۳۰ ساله و بیانگر ورود جامعه ایرانی به مرحله ای جدید از تحول خویش می شوند.

* رایج ترین شعارهای این روزها به شرح زیر است:

- * شعار بر ضد استبداد و اختناق:
- دانشگاه زندان نیست
- ننگ بر این دولت مردم فریب
- رهنورد رهنورد تساوی زن و مرد
- آگه قلب نشه، احمدی پنجم می شه
- اگر قلب بشه، ایران قیامت میشه
- حضرت زهرا رو صدا می کنیم، دوم خرداد به پا می کنیم
- هر کی که کم میاره، ناموس وسط میاره
- پرونده ای اردبیل، والا خجالت داره
- مناظره به پا شد، احمدی کله پا شد
- احمدی پینوشه، ایران شیلی نمی شه
- نصرالله و فتح قریب، مرگ بر این دولت مردم فریب
- دولت سبب زمینی، نمی خواهیم
- مرگ بر دیکتاتور
- ننگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما
- سبب زمینی نداریم / توبه به جاش می کاریم
- ماشالله به چشم و ابروش کردان نشسته پهلوش / موسوی کروی اتحاد
- اتحاد / احمدی حیا کن..... ریاست رو رها کن / به هفته دو هفته.....
- احمدی هنوز نرفته
- بعد از قلب بزرگ:
- احمدی قلب می کنه رهبر حمایت می کنه
- سید علی پینوشه ایران شیلی نمی شه

- * شعار های به طرفداری از موسوی و کروی و طرفداران کروی و موسوی بر ضد یکدیگر:
- یک یا حسین تا میر حسین
- احمدی بای بای
- کروی کرباسچی نه یک تدارکاتچی
- مرگ بر دیکتاتور
- حسین حسین شاعر ماست، موسوی افتخار ماست
- دولت سبب زمینی چیزم بر اش زیاد
- خرداد روز غلبه "چیز" بر "ناچیز" است
- همدار کروی به احمدی نژاد:
- عکس زانو بیاری فیلم مادر تو مبارم
- حسین حسین شاعر ماست، موسوی افتخار ماست

- رای ما یک کلام نخست وزیر امام
- شال سبز تو وا کن، به شیخ ما نگاه کن
- "شیخ شما ارزونیتون، ما رأی نمی دییم بهتون"

* پیامکهای طرفداران موسوی

- شی که چشم هر عاقل سند بود
- یکی قانون جنگل را بلد بود
- ادب این سو، خرد این سو، در آن سو

کیش و مات

- خری جو خورده در حال لگد بود
- من رای نمی دهیم، تو رای نمی دهی
- او رای می آورد
- رای ما به دولت عقل و تغییر، کروی
- نه به دولت هاله و الهام
- نه به دولت رنگی و ابهام
- * پیامکهای طرفداران احمدی نژاد
- این رای، رای رهبری ست:
- هر کس که راهش مهدوی ست
- رایش همانا احمدی ست
- احمدی، ای شیر، شکوه غرشت را دیدند
- آنها که به عزت تو می خندیدند
- دیشب همگی به پای روشنگریت
- جز چیز جواب دیگری نشنیدند
- * شعارهای طرفداران موسوی و احمدی نژاد ضد هم
- حامیان احمدی نژاد بیشتر سوار بر موتور و کمتر پناه در میان سبز پوش ها مانور می دادند. سبز پوش ها فریاد می زدند:
- بابا! چرچم ایران حرمت داره
- و یا می گفتند: "موسوی، موسوی، پرچم ایران من رو پس بگیر"
- حامیان احمدی نژاد خطاب به سبز پوش ها فریاد می زدند
- مناظره افتتاح شد. چیز برگر اختراع شد
- پرونده ها رو میزه. موسوی چیز چیز می کنه
- این شعارها نیز اشاره به استفاده مکرر موسوی از واژه چیز در مناظره اول دارد
- البته سبز پوش ها نیز در برابرش شعاری ساخته بودند
- دولت سبب زمینی چیز هم بر اش زیاد
- احمدی نژاد بای بای
- هاله نور دروغه / محمود کارش تمومه
- * شعار ها در باره قلب بزرگ، پیش و پس از آن:
- اگر قلب بشه / ایران قیامت می شه
- اگر قلب نشه / موسوی اول می شه
- اگر قلب نشه / احمدی پنجم می شه
- وای به حالت احمدی / اگر قلب کنی
- کم کم شعارها تبدیل شد به
- موسوی! موسوی! ریاست ات مبارک
- احمدی پینوشه / ایران شیلی نمی شه
- مدعی عدالت خجالت / خجالت
- شعارهای دیگر سبز پوش ها که دیروز بر آسمان بلند بود:
- نصر من الله بالفتح قریب / مرگ بر این دولت مردم فریب
- دولت مردم فریب
- م محمود ظالم آواره گردی، خاک وطن را ویرانه کردی
- اوئی که میگند عادل، دروغ میگند قاتله
- مزدور برو گم شو. مرگ بر دیکتاتور
- شعارهایی که مردم در تظاهرات میلیونی خود رد روز ۲۵ خرداد ماه سردادند:
- بسیجی بی غیرت - دشمن خون ملت
- احمدی گوساله - باز میگی فوتباله
- رای ما رو دزدیدن - دارن باهانش پز میدن
- هاله نور رو دیده - رای ما رو ندیده
- مرگ بر دیکتاتور - چه شاه باشه چه دکتر
- صل علی محمد - اشک خدا درآمد (دری بارش ناگهانی باران در حین راهپیمائی دیروز)
- این ۶۳ درصد که میگن کو؟ دروغگو احمدی دروغگو ۶۲ درصد کو؟
- بسیجی حیا کن - مفت خوری رو رها کن.
- گفته بودیم اگر قلب بشه ایران قیامت میشه
- احمدی پینوشه - ایران شیلی نمیشه
- ایرانی با غیرت - حمایت حمایت
- روحانی با غیرت - حمایت حمایت
- مراجع با غیرت - حمایت حمایت
- نیروی انتظامی - حمایت حمایت
- آزادی اندیشه - از روی پل نمیشه (خطاب به افرادی که روی پلهای عابر ایستاده و نظاره گر راهپیمایان بودند).
- ما انقلابی میخوایم - تماشاچی نمی خوایم (خطاب به افرادی که روی پلهای عابر ایستاده و نظاره گر راهپیمایان بودند).
- میجنگیم میمیریم - رای منو پس می گیرم.
- شب خوابیده صبح شده - یک شبه سید شده
- بازم قلب شده - دروغگو سید شده
- قلب ۱ میلیون، ۲ میلیون - نه پونزده شونزده میلیون
- موسوی موسوی - سکوت کنی خاننی
- کروی کروی - سکوت کنی خاننی
- احمدی به هوش باش - ما مردمیم نه اوباش
- خس و خاشاک توئی - دشمن این خاک ت وئی
- خمینی کجائی موسوی تنها شده
- تا احمدی نژاده - هر روز همین بساطه
- نصر من ... و فتح قریب - مرگ بر این دولت مردم فریب
- رفتگر با غیرت - محمود و بردار ببر نه غزه نه لبنان - فدای خاک ایران
- این پول نفت چی میشه؟ - خرج فلسطین میشه
- این پول نفت چی میشه؟ - خرج بسیجی میشه
- دولت کودتا - استعفاء استعفاء
- آن خس و خاشاک توئی - بست تر از خاک توئی
- شور منم نور منم
- عاشق رنجور منم - زور توئی کور توئی
- هاله بی نور توئی
- دلیر بی باک منم - مالک این خاک منم
- احمدی پینوشه - دروغ نگی چی میشه؟
- ضرغامی ضرغامی - لکه ننگ مائی
- ضرغامی حیا کن - مفت خوری رو رها کن
- سکوت هر مسلمان - خیانت است به قرآن
- انقلاب اسلامی: انتقادهایی که هاشمی، رفسنجانی، از مدیریت میر حسین موسوی، طی ۸ سال نخست وزیری او بعمل آورده، ۴۴ مورد هستند. این موارد گزارشگر گذار مستمر از وضعیت بد به بدتر و از بدتر به بدترین است. چنانکه در

مقایسه وضعیت اقتصادی کشور در دوره های موسوی و رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد

* مقایسه دولت ها و رشد نقدینگی و تورم

- در حکومت میر حسین موسوی:
- در دوره هشت ساله دولت موسوی ۱۰۴۵ میلیارد تومان به نقدینگی اضافه و حجم نقدینگی در این دوره سه برابر شد یا به عبارتی ۲۰۰ درصد رشد کرد.
- البته باید شرایط متفاوت آن روز شامل تحریم ها، کاهش شدید درآمد نفت و هزینه های جنگ را در نظر گرفت و اضافه کرد که دولت موسوی در چنین شرایطی مجبور به افزایش نقدینگی، استقرار از بانک مرکزی و رشد پایه پولی بوده است.
- متوسط نرخ تورم بر پایه سال ۱۳۸۳ در این دوره هشت ساله و با شرایط ویژه ۲۷/۹۲ درصد در هر سال بوده است.
- در حکومت ۸ ساله هاشمی رفسنجانی:
- در حکومت ۸ ساله هاشمی رفسنجانی نیز به حجم نقدینگی ۱۰ هزار میلیارد تومان اضافه شد که نسبت به سال ۱۳۶۷ و اول دوره این دولت ۷/۵ برابر و ۶۴۲ درصد اضافه شده است. نرخ تورم متوسط سالانه این دوره نیز بر پایه اعداد بانک مرکزی و سال پایه ۱۳۸۳ حدود ۶۰ درصد بوده است.
- در حکومت ۸ ساله خاتمی:
- در حکومت ۸ ساله خاتمی نیز به حجم نقدینگی ۵۶ هزار و ۹۳۰ میلیارد تومان اضافه شده و ۴۸۸ درصد رشد کرده و ۵/۸۸ برابر شده است. متوسط نرخ تورم سالانه بر پایه سال ۱۳۸۳ نیز ۲۱/۸ درصد بوده که پایین ترین نرخ تورم در ۲۸ سال گذشته و دولت های این دوره بوده است.
- در حکومت ۴ ساله، احمدی نژاد:
- اما در حکومت چهار ساله احمدی نژاد نیز به حجم نقدینگی ۱۱۹ هزار و ۴۱۰ میلیارد تومان اضافه شده که نسبت به سال ۱۳۸۳، ۲/۷۴ برابر شده یا ۱۷۴ درصد رشد کرده است. این حجم نقدینگی در طول تاریخ بی نظیر بوده و عملاً نقدینگی را ۲/۷۴ برابر کرده و حجم آن را از ۶۸ هزار و ۵۸۶ میلیارد تومان در سال ۸۳ به ۱۸۸ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۸۷ رسانده است.
- در صفحه ۱۲



سطح قیمت ها در این چهار سال ۹۱ درصد رشد کرده و عدد شاخص تورم بر مبنای سال ۸۳ از ۱۰۰ در سال ۸۳ به ۱۹۱ در سال ۸۷ رسیده است. به عبارت دیگر میانگین تورم سالانه دولت نهم ۲۲/۷۵ درصد است که حداقل نرخ تورم دولت احمدی نژاد از نرخ تورم متوسط دولت خاتمی که ۲۱/۸ درصد بوده، بالاتر است.

*** دروغگوئی های احمدی نژاد در قلمرو اقتصاد**

• تعداد فقرا:

سال گذشته وزیر رفاه دولت نهم با در نظر گرفتن در آمد روزی یک دلار! برای تعیین خط فقر اعلام کرد که در سال هشتاد و شش، ۴۹ هزار نفر زیر خط فقر شدید قرار داشتند. این اظهار نظر وزیر رفاه در حالی بود که معاون اقتصادی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری همان موقع اعلام کرد که بین ۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند.

علیرغم این مسئله اما کارشناسان اقتصادی معتقدند این ۱۵ میلیون نفر فقیر شامل تعداد افرادی است که زیر خط فقر خشن هستند و تعداد فقرا حدود ۵۰ درصد جامعه است و ۷۰ درصد جامعه با ۴۰ درصد امکانات و درآمد کشور زندگی می کنند و این شکاف شدید طبقاتی و توزیع درآمد نامناسب باعث شده که افراد فقیر افزایش یابند و طبقه متوسط کوچک شود و گروهی کوچک با درآمد بالا و امکانات زیاد و اکثریت با درآمد کم و فقر زندگی کنند.

مسئولین امر در دولت نهم بارها با مشخص شدن میزان درآمد برای تعیین خط فقر مخالفت کرده و آنرا بی فایده دانسته اند و در برابر نیز منتقدین علت اصلی این مسئله را بیم دولت نهم برای مشخص شدن میزان واقعی تعداد فقرا قلمداد کرده اند.

• نرخ بیکاری:

میزان نرخ بیکاری نیز از آن دست مواردی است که دولت آماری غیر واقعی در خصوص آن انتشار داده است. دولت نهم در حالی ادعا می کند که نرخ بیکاری را تک رقمی کرده است که واقعیت جامعه چیز دیگری را نشان می دهد. در طول چهار سال گذشته تعداد بسیاری از کارخانه ها ورشکست شده اند و به خاطر بالا رفتن سرسام آور قیمت مسکن میزان ساخت و ساز افت شدیدی کرد و به این خاطر تعداد زیادی از کارگران این حوزه ها بیکار شدند.

اما دولت نهم که وام های بسیاری در قالب طرح بنگاه های زود بازده به متقاضیان داده است وام های داده شده را در راستای اشتغال زایی در نظر گرفته است که با شکست این طرح و خرج شدن قسمت زیادی از این وام ها در اموری به غیر از تولید و ایجاد اشتغال نمی توان چندان نسبت به آمار

کیش و مات

«بزرگنمایی آماری از سوی وزیر سابق دولت احمدی نژاد تا جایی پیش می رود که میزان سرمایه گذاری خارجی را ۱۱ میلیارد دلار اعلام می کند در حالی که آمارها و بررسی هایی که انجام داده ام نشان می دهد که وی ۵۰ برابر دروغ گفته است و ما هیچ تریبونی برای مشخص کردن این دروغ ها نداریم».

*** دیوان محاسبات: ادعای احمدی نژاد درباره مختمه شدن پرونده یک میلیارد دلار کذب است**

ریاست محترم شبکه سوم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با سلام، به استحضار می رساند آقای محمود احمدی نژاد کاندیدای دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران در برنامه ویژه انتخاباتی روز چهارشنبه مورخ ۸۸/۳/۲۰ ساعت ۲۲:۴۵ دقیقه در بخشی از سخنان خود از مختمه شدن موضوع «یک میلیارد دلار» در تفریح بودجه سال ۸۵ خبر داد.

ضمن تکذیب مختمه شدن پرونده فوق الذکر، همچنان که در گذشته نیز تاکید شده است پرونده مورد اشاره برای رسیدگی و صدور دادخواست در مسیر دادرسی دیوان محاسبات کشور مطرح رسیدگی است و برای صدور رای به هیئت های مستشاری و حسب ضرورت محکمه تجدید نظر ارجاع خواهد شد.

انقلاب اسلامی: تجاوزها به حقوق انسان را به سرکوب شرکت کنندگان در جنبش همگانی اختصاص می دهیم:

سرکوب شرکت کنندگان در جنبش همگانی:

◀ در ۱۳ خرداد ۸۸، بنا بر گزارش ایلنا: درگیری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران - مرکز مجتمع دانشگاهی نیایش موجب مصدوم شدن ۳ تن از دانشجویان این دانشگاه و بسته شدن ورودی اصلی این دانشگاه توسط نیروی انتظامی شد.

◀ در ۱۳ خرداد ۸۸، در پی حملهی نیروهای بسیجی و شبه نظامی و پاره کردن پوسته های یکی از کاندیداهای اصلاح طلب ریاست جمهوری در دانشگاه تهران مرکز واحد پونک درگیری هایی ایجاد شد.

◀ در ۱۴ خرداد ۸۸، بنا به گزارشات رسیده از بند ۳۵۰ زندان اوین، زندانی

سیاسی محمد علی منصوری از دستگیر شدگان مراسم گرامی داشت قتل عام زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ روز چهارشنبه به زندان گوهردشت کرج تبعید شد.

◀ در ۱۴ خرداد ۸۸، پس از صحبت های تش زای احمدی نژاد و نام بردن از سران نظام و وارد کردن اتهاماتی به خانواده هاشمی رفسنجانی و ناطق نوری و افراد زیادی مانند محمد خاتمی، زهرا رهنورد همسر میر حسین موسوی توسط احمدی نژاد در تهران درگیری های پراکنده ای بوقوع پیوست.

◀ در ۱۵ خرداد ۸۸، حامیان کاندیداهای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حالی در مبادین تهران به مناظره و مجادله می پردازند که برخی از این مناظرات امشب در برخی نقاط تهران باخسوت همراه شد. جدی ترین درگیری ها در این خصوص، در فلکه تهرانپارس به وقوع پیوست که با شکستن برخی شیشه ها و آسیب رساندن به بخشی از اموال دولتی و خصوصی همراه شد.

◀ در ۱۵ خرداد ۸۸، پس از خاتمه مناظره تلویزیونی میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد که از شبکه سوم سیما پخش شد، حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر از اغتشاش گران در حالی که شعارهایی در حمایت از محمود احمدی نژاد سر می دادند به ساختمان مرکز تحقیقات استراتژیک حمله کردند.

◀ در ۲۳ خرداد ۸۸، خرداد نو - نیروهای گارد ویژه حکومت بر آمده از کودتا همه را با باتوم و گاز اشک آور مورد حمله قرار داده است. خبرنگاران داخلی و خارجی - مردم عادی - زن - مرد و جوان. این اتفاق در همه نقاط تهران در حال وقوع است.

◀ در ۲۳ خرداد ۸۸، پلیس امنیت عمومی نیروی انتظامی با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد: هر گونه تجمع، راهپیمایی، راه اندازی کارناوال و... بدون مجوز قانونی ممنوع است.

◀ در ۲۳ خرداد ۸۸، در پی اعتراضات گسترده مردم به نتایج انتخابات در چندین شهر کشور - مردم شهرستان ساری مرکز استان مازندران از ساعاتی پیش به خیابانها ریخته و در اعتراض به روند شمارش آرا و تقلبات گسترده دولت نهم و دستکاری آرای آنان به یک تظاهرات آرام دست زدند.

◀ در ۱۸ خرداد ۸۸، «انجمن دفاع از آزادی مطبوعات» با انتقاد از دولت محمود احمدی نژاد، محدودیت های ایجاد شده برای مطبوعات ایران در چهار سال گذشته را بی سابقه خواند. این انجمن، در این بیانیه، به لغو امتیاز و توقیف بیش از ۴۵۰ نشریه و احضار و بازداشت صدها روزنامه نگار و وبلاگ نویس ایرانی، اشاره کرده است.

◀ در ۱۹ خرداد ۸۸، در پی دروغگوئی های مکرر احمدی نژاد در مناظره های تلویزیونی مبنی بر عدم وجود دانشجوی ستاره دار، عصر روز گذشته جمعی از محروم شدگان از تحصیل اعم از ستاره دار، تعلیمی و اخراجی، در مقابل ساختمان صدا و سیما تجمع ◀ در ۲۳ خرداد ۸۸، دبیرکل و چند تن از اعضای دفتر سیاسی جبهه مشارکت ایران اسلامی و یک عضو سرشناس سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در ایران که دو حزب عمده جناح اصلاح طلب و از مهم ترین حامیان میرحسین موسوی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران محسوب می شوند، بازداشت شده اند.

◀ در ۲۳ خرداد ۸۸، بعد از قطع شدن سیستم پیامک کلیه اپراتورهای تلفن همراه از پنجشنبه شب گذشته، از شامگاه روز شنبه، خطوط تلفن همراه در شهر تهران قطع شده است.

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، بنا به گزارشات رسیده از بابل، یورش وحشیانه گارد ویژه به مردم و دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل و مورد ضرب و شتم قرار دادن آنها و دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان و جوانان و انتقال آنها به نقطه نامعلومی.

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، محمد علی ابطی، از مشاوران مهدی کروبی و معاون پارلمانی محمد خاتمی اعلام کرد که بیش از صد نفر از اصلاح طلبان ایرانی روز شنبه دستگیر شده اند.

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در دانشگاه تجمع کردند و قصد خروج از دانشگاه و حرکت در خیابانها را داشتند. ولی حراست دانشگاه از خروج اعتراض آمیز دانشجویان به سمت خیابان ممانعت کرد. دانشجویان که تعداد آنها بسیار زیاد بود این شعارها را سردادند: مرگ بر دیکتاتور و نصرا من الله و فتحوا غریب مرگ بر این دولت مردم فریب و ...

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، بنا بر خبرنامه امیرکبیر، در پی اعتراض دانشجویان دانشگاه بابل به تقلب گسترده در انتخابات ریاست جمهوری طی روز و شب گذشته حداقل ۵ دانشجوی این دانشگاه بازداشت شده اند.

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، در اعتراض به تقلبهای گسترده در انتخابات (یکشنبه شب) حدود ساعت ۱۰ شب، دانشجویان دست به اعتراض زدند. حدود ۷۰۰ نفر در چند نقطه در سطح دانشگاه اصفهان حضور داشتند که حدود ۳۰۰ نفر نیروی انتظامی و یگان ویژه با حمله وحشیانه به داخل دانشگاه و خوابگاه ها جمعیت را متفرق کردند. عده ای بازداشت شدند و عده ای در جنگل دانشگاه مخفی شدند. مابقی به خوابگاه برگشتند. در محوطه ی خوابگاهها عده ای از دانشجویان با مامورین درگیر شدند، دانشجویان با



کیش و مات

پرتاب سنگ و شیشه قصد داشتند مانع از ورود گارد ویژه به خوابگاه ها بشوند. سپس نیروهای یگان ویژه وارد خوابگاه شماره ۲ شدند و با شکستن در های اتاقها که دانشجویان از ترس از داخل قفل کرده بودند با استفاده از باتوم، اسبری لفل، شیشه نوشابه و لامب مهتابی شکسته و تیراندازی هوایی اقدام به ضرب و شتم دانشجویان بی گناه کرده آنها را از خوابگاه بیرون برده در بیابان های اطراف خوابگاه به مدت حدود ۲ ساعت به صورت روی زمین خواباندند. حدود ساعت ۳ بس از فیلم برداری و عکس برداری از همه دانشجویان، دانشجویان را رها کرده به خوابگاه بازگرداندند.

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، مسئول روابط عمومی دادگستری استان قزوین از توقیف نشریه ولایت قزوین خبر داد. علت چاپ کاریکاتور در نشریه شماره ۲۰ خرداد و شکایت ارائه شده مبنی بر توهین به رئیس جمهور است.

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، نیروهای امنیتی به معترضین در نزدیکی میدان فاطمی و خیابان ولیعصر با اسبری لفل، باتوم و گاز اشک آور حمله کرده اند.

◀ در ۲۴ خرداد ۸۸، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، از کوی دانشگاه تهران، دانشجویان کوی دانشگاه تهران امشب همانند شبهای گذشته اعتراضات گسترده خود را ادامه دادند که با یورش وحشیانه لباس شخصیها که سیاه پوش هستند و همچنین نیروی گارد ویژه مواجه بودند که تا به حال تعدادی زخمی و دستگیری در پی داشته است.

◀ تعدادی از آژانس های بین المللی خبری از اقدامات مقامات دولت ایران برای جلوگیری از کار خبرنگاران آنها در ارسال گزارش درباره تظاهرات اعتراضی به نتایج انتخابات ریاست جمهوری خبر داده اند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، بسیاری از اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی ایران توسط سیاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شدند.

عماد بهاور عضو دفتر سیاسی و رییس شاخه جوانان، سید احمد افجه ای، روح علی مهرداد، سعید زراعت کار، روح الله شفیعی مجتبی خندان، محمد رضا احمدی نیا طی دو روز گذشته بدون ارائه حکم توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده اند. این بازداشت ها که در برخی موارد به همراه ضرب و شتم صورت گرفته است موجب تکرانی خانواده ها و ناظران حقوق بشر شده است.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، در پی حمله نیروهای لباس شخصی و انصار حزب الله به تجمع دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران، دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران در اثر اصابت گلوله، زنجیر، چاقو، باتوم و چماق به شدت مجروح شدند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، بنا بر گزارشهای دریافتی دهها تن از شهروندان معترض زاهدانی که دست به تجمع زده بودند توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت شدند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، نیروهای امنیتی روز گذشته با ورود به دفتر روزنامه فرهیختگان رضا تاجیک روزنامه نگار و فعال مدنی را بازداشت و به محل نامعلومی منتقل کرده اند. همچنین

نیروهای امنیتی شب گذشته با ورود به منزل مسعود باستانی و مهسا امجدی زوج روزنامه نگار، اقدام به بازداشت مهسا امجدی خبرنگار روزنامه اعتماد ملی کرده اند این در حالی است که مسعود باستانی در منزل حضور نداشته است.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، خبر کشته شدن ۵ دانشجو در کوی دانشگاه تهران انتشار یافت. اسامی این دانشجویان به شرح زیر است:

فاطمه براتی . کسری شرفی . مینا احترامی . کامبیز شعاعی . محسن ایمانی. گفته میشود پیکر این دانشجویان بدون اطلاع به خانواده ایشان و مخفیانه در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شدند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، دانشجویان دانشگاه صنعتی شاهرود نیز همراه با دانشجویان دیگر شهرهای ایران به تظاهرات گسترده در انتخابات ۲۲ خرداد اعتراض کردند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، صدها تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز در اعتراض به تقلبات گسترده در انتخابات و همچنین سرکوب وحشیانه ی مردم و خواست تعویق امتحانات، دست به تحصن در صحن دانشگاه زده اند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، تحصن دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به حمله وحشیانه نیروی انتظامی و انصار به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران از صبح امروز در دانشگاه متحصن شدند. هزاران دانشجو در اعتراض به تجاوز مسلم به حریم دانشجویان در کوی دانشگاه با پوشیدن لباس سیاه و پخش صدای قرآن در جلوی مسجد دانشگاه متحصن شدند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، نیروهای لباس شخصی و انصار حزب الله و بسیجی به دانشجویان متحصن در دانشگاه فردوسی مشهد حمله کرده اند. گزارش ها حاکیست که این درگیری اطراف در شمالی دانشگاه فردوسی مشهد رخ داده است. خیابان های باهنر، وکیل آباد و دیگر خیابان های منتهی به دانشگاه فردوسی مشهد هم اکنون محاصره شده اند و امکان عبور و مرور مردم وجود ندارد.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، در پی حملات شب گذشته به کوی دانشگاه تهران و کشته شدن پنج تن از دانشجویان این دانشگاه، دکتر جبه‌دار مارالانی رئیس دانشکده برق و کامپیوتر پردیس دانشکده‌های فنی این دانشگاه از سمت خود استعفا داد.

۱۱۹ تن دیگر از اساتید دانشگاه تهران نیز در پی حوادث شب گذشته که به هتک حرمت دانشگاه منجر شد، از سمت استادی خود کناره‌گیری کردند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، پس از احضار یکی از فعالان دانشجویی دانشگاه زنجان به اداره اطلاعات، دو تن از معترضان به نتایج انتخابات در این دانشگاه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، مردم جوانان شهر اصفهان مورد حمله نیروهای گارد ویژه، لباس شخصیها و نیروی انتظامی در سطح شهر قرار گرفتند.

◀ در ۲۵ خرداد ۸۸، همزمان با برگزاری راهپیمایی گسترده مردم معترض تهران به تظاهرات در انتخابات ریاست جمهوری، دانشگاه سیستان و بلوچستان شاهد حضور پرشور دانشجویان این دانشگاه و برگزاری راهپیمایی بر ضد رژیم ضد مردمی بود.

◀ در ۲۶ خرداد، در اهواز، ۲۲ نفری ۱۹ پسر و ۳ دختر حضور داشتند در خیابان پهلوان مورد هجوم نیروهای امنیت عمومی قرار گرفتند و پس از ضرب و شتم و توهین با چشمان بسته به بازداشتگاه انفرادی و پس از آن به دادگاه انقلاب معرفی شدند. این عده با سپردن وثیقه آزاد شده اند.

◀ در ۲۶ خرداد ۷۶، به گزارش سایت شهاب نیوز، تعدادی از افراد لباس شخصی شامگاه دیروز سه شنبه به بیمارستان «دی» واقع در تقاطع خیابان توانیر و خیابان ولیعصر تهران حمله کرده و با تهدید پزشکان و کادر درمانی، جوی از رعب و وحشت را ایجاد کردند. حمله افراد

لباس شخصی به بیمارستان دی در حالی رخ داد که ساعاتی قبل از آن، تعدادی از مجروحان توسط اورژانس یا مردم به این بیمارستان منتقل شده بودند.

◀ در ۲۷ خرداد، به گزارش خبرنگار امیرکبیر، ۴ دانشجوی دانشگاه بین بین المللی امام خمینی قزوین از روز گذشته تاکنون توسط نیروهای لباس شخصی ربوده شدند.

◀ در ۲۷ خرداد ۸۷، خبر رسید که، در اصفهان، نیروهای گارد ویژه وارد در تعقیب تظاهر کنندگان، وارد ساختمانی شده اند که تظاهر کنندگان بدان پناه برده بودند. در پشت بام به ضرب و شتم آنها پرداخته اند و یکی از جوانان به نام حسین را وحشیانه از بالای طبقه ی سوم به پایین پرتاب کرده اند. جوان نام برده (۳۲ ساله) سرپرست یک خانواده بود. او به شهادت رسید.

◀ در ۲۷ خرداد، به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران تاکنون ۳۲ تن از شهروندان ایرانی در روزهای ۲۴ و ۲۵ خرداد کشته شده اند.

◀ در ۲۷ خرداد ۸۸، به گزارش بی بی سی، سعید حجاریان و محمد عطریانقر، سعید لیلان و محمدرضا جلایی پور تأیید شده است. سپهرناز پناهی، همسر سعید لیلان روز بازداشت شده اند.

◀ این اشخاص دستگیر شده اند. برخی از آنها آزاد شده اند: بهزاد نبوی و مصطفی تاجزاده و محسن میردامادی و محمد رضا خاتمی و صفائی فراهانی و عبدالله رمضانزاده و محسن امینزاده و جهانبخش

خانجانی و زهرا آقاجری و سعید شریعتی و کریم ارغنده‌پور و علی باقری عبدالفتاح سلطانی (وکیل دادگستری) و جواد امام (معاون) و احمد زیدآبادی و کیوان صمیمی

(مدیر مسئول نشریه توقیف شده نامه) و عبدالرضا تاجیک و مهسا امجدی و حنیف مزروعی (فرزند علی مزروعی) و هدی صابر و تقی رحمانی و رضا علیجانی و عماد بهاور و احمد افجه‌ای و علی مهرداد و سعید زراعت کار و روح الله شفیعی و محمدرضا احمدی نیا و مجتبی خندان و شاهین نوربخش و اشکان مجلی و علی پور خیری و علی نقت پور و عماد بهاور و حمید لطفی و میثم چره ور و مهدیه مینوی و مجتبی شایسته و فرهاد نصرالله پور

◀ در ۲۷ خرداد ۸۸، عباس پورظهری، دکتر شریانیلو، مهندس یحییوی، دکتر فرزندی و ۱۸ نفر دیگر در تبریز که بعضا از اعضا و هواداران جنبش مسلمانان مبارز، ملی-مذهبی و نهضت آزادی ایران هستند و نیز آقای رضا کاظمی در فومن از اعضای جنبش مسلمانان مبارز. شمار توقیف شدگان به ۱۵۰ تن رسید.

◀ در ۲۷ خرداد ۸۸، دکتر یزدی را از بیمارستان به زندان برده اند. غیر از او، مهندس محمد توسلی عضو شورای مرکزی و رئیس دفتر سیاسی، دکتر غفار فرزندی عضو شورای مرکزی و مسئول واحد استان آذربایجان شرقی، مهندس مجید جابری، رحمت الله امیری، روح الله رحیم پور، امیر حسن جهانی، دکتر علی اشرف سلطانی آذر و رحیم یآوری از اعضای نهضت آزادی ایران در تبریز و محمد رضا احمدی نیا، احمد افجه ای، مهندس عماد بهاور، مجتبی خندان، سعید زراعت کار، مهندس روح الله شفیعی و دکتر علی مهرداد از اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی ایران در تهران به روشهای مختلف از قبیل مراجعه شبانه به منازل، احضار و یا برخورد در حین انجام راه پیمایی مسالمت آمیز و اعتراضی نسبت به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران دستگیر شده و در بازداشت بسر می برند

◀ در ۲۷ خرداد ۸۸، این اطلاعات واصل شده اند:

۱- اکثر مجروحانی که در حادثه کوی دانشگاه وضعیت بدی داشتند از ناحیه سینه مورد اصابت چاقو قرار گرفته بودند.

۲- تقریباً تمامی کشته شدگان حوادث اخیر از ناحیه سر و بالاتنه مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند. این امر حاکی از آن است که شلیک کنندگان به سوی دانشجویان و مردم یا لباس شخصی های مسلح بوده اند زیرا نیروی انتظامی آموزش دیده در برخورد با تظاهرات دستور به شلیک تیر هوایی یا در شرایط حاد دستور به هدف گرفتن پایین تنه تظاهر کنندگان را دارد و یا اگر نیروی انتظامی بوده اند دستور کشتار تظاهر کنندگان را داشته اند.

۳- پزشکان بیمارستان رسول اکرم با مشاهده مقتولین به اعتراض دست از کار کشیده و با صدور بیانیه ای افشا کرده اند که مقتولین حوادث اخیر که همگی از ناحیه سر و بالاتنه مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند.

۴- به پزشکان بیمارستان رسول اکرم دستور داده شده است که علت مرگ مقتولین حوادث اخیر را مرگ بیمار در زیر عمل جراحی بنویسند.

۵- دکتر ولایتی کلیه رؤسای دانشگاه های پزشکی را فراخوانده و به آنها گفته است: نظام از آغاز تا کنون مراحل حساسی را با موفقیت پشت سر گذاشته است. مرحله حذف شریعتمداری، ما جرای بنی صدر، ماجرای آیت الله منتظری، ۱۸ تیر و اکنون تصمیم دارد که این مرحله را با قاطعیت پشت سرگذارد. وی رؤسای دانشگاه های پزشکی حاضر در جلسه را تهدید کرده است که اگر در قبال تحسن و یا اعتصاب های احتمالی استادان و پزشکان در بیمارستان ها و دانشکده های تحت مدیریت خود قاطعانه عمل نکنند با آنها برخورد خواهد شد.

◀ در ۷ خرداد ۸۸، در حالی که نیروی انتظامی شاهرود علت مرگ یک جوان ۲۵ ساله به نام عباس صدیقی در بازداشتگاه کلانتری ۱۱ این شهر را خودکشی از طریق دارزدن با بند شلوار اعلام کرده است، خانواده او در نامه ای به فرماندهی نیروی انتظامی استان سمنان این موضوع را رد کرده و علت مرگ وی را ضرب و شتم دانسته است.

◀ در ۹ خرداد ۸۸، سرهنگ عسگرپور معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: شب گذشته دو تن دیگر از عوامل بمب گذاری در مسجد امیرالمومنین زاهدان توسط نیرو های امنیتی و انتظامی استان دستگیر شدند.

وی ادامه داد: تمامی عوامل دستگیر شده در این بمب گذاری که سه تن بودند امروز به حکم مقامات قضایی استان سیستان و بلوچستان در ملا عام اعدام شده اند. اعدام شدگان، حاجی نوتی زهی، غلام رسول شاهو زهی و ذبیح الله نارویی معرفی شده اند.

بنابر اطلاع واصل، این سه تن، بعد از انفجار دستگیر شده اند. پیش از انفجار زندانی بوده اند

◀ در ۳ خرداد ۸۸، افسانه رحمانی زن ۳۰ ساله شیرازی که حکم سنگسار و اعدامش در تاریخ ۱۴مرداد ۸۷ در دیوان عالی کشور تأیید شده و قطعییت یافته بود، در زندان عادل آباد استان فارس به دار آویخته شد.

◀ در ۳ خرداد ۸۸، حکم سنگسار یک زوج جوان به نامهای رحیم محمدی و کبرا بابایی در زندان تبریز توسط شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور تأیید شد.

◀ در ۹ خرداد ۸۸، نسخه هایی از احکام دادگاه علیه چهار نفری که ادعا شده در همکاری با دولت امریکا در صدد برپا کردن "انقلاب مخملین" بودند به دست کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران رسیده است. دکتر آرش و کامیار علایی، سیلوا هارتونیان و محمد احسانی چهار نفری هستند که محاکمه و به زندان محکوم شده اند. آرش علایی به ۶ سال زندان و بقیه متهمین به سه سال زندان محکوم و در حال سپری کردن دوره زندان هستند.

اسناد دادگاه ها بوضوح حکایت از این دارد که دادستان ها از اثبات مجرم بودن این افراد ناتوان بوده اند و مهمتر اینکه آنها نتوانستند شواهد قابل قبولی علیه این متهمین ارائه کنند. این اسناد ماهیت خودسرانه بودن احکام قضات را ثابت می کنند.



تعزیه "انتخابات" عاری از صداقت

وقتی تجربه نشان داده که اساس و شیوه مالوف نظام ولایت فقیه همواره بر تقلب و بی ارزش شمردن رای مردم بوده است ، استثنا کردن این "انتخابات" و امید داشتن به صداقت راس نظام ولایت فقیه در محترم انگاشتن آرای مردم ، نه تنها خامی بلکه بی حرمتی و بی صداقتی به اهمیت درس تجربه هایی گرانبها است که بسا با رنج فراوان در پروسه تاریخی یک ملتی کسب می شود .

وقتی مشاهده می کنیم که فردی همانند آقای کروبی را که بر مسندهای حساس این نظام چون ریاست مجلس سوم و ششم تکیه زده بود و برحکم حکومتی صحنه گذارده و مکانیزمهای دفاع از حقوق انسانها به ریزنی فردی و چانه زنی در سطوح حاکمیت تقلیل می دهد ، به یکباره نسلون ماندلا ایران قلمداد می کنند ،

وقتی شخصی مانند آقای میر حسین موسوی نخست وزیر دوران جنگ ۸ ساله و عضو شورای عالی دفاع که در ادامه جنگ ۸ ساله نقش و مسئولیت مستقیم داشته است (به ادعای آقای هاشمی ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت و خرابی ببار آورده) و نسلی را قربان کرده است ، به یکباره بر باد دادن سرمایه های ملی را مدیریت موفق خود نام می نهد . وقتی کسی که زیر بار مسولیت عضویت مستقیم داشتن نماینده وزیر اطلاعات خود آقای ری شهری در هیات ۳ نفره صدور حکم اعدام برای بیش از ۳۰۰ نفر در سال ۶۷ همانا در بزرگترین قتل های سیاسی تاریخ معاصر میهنمان در نمی رود و به علت اسطوره کردن نظام و شخص آقای خمینی حتی از یاد آن جنایت نیز می گریزد ، وقتی شخصی مانند ایشان سردبیر ارگان حزب حاکم وقت، و عضو شورای مرکزی حزب یکه تاز جمهوری اسلامی بوده است که به استناد آرشوی همان روزنامه ، ضد فرهنگ چمافقاری و توابع سازی را در دهه مخوف ۶۰ ترویج می کرده است ، و تا کنون نیز از رفتار قدیم خود تبری نجسته ، خود را منجی ایران نیز وانمود می کند ، در تعزیه "انتخابات" به یک باره بدل به باراک موسوی می گردد ،

وقتی که شخصی همانند آقای محسن رضایی فرمانده قدرتمند سپاه در جنگ ۸ ساله را که نسلی را بیاد داد و اکنون نیز اعضای اصلی باند مافیای سپاه می باشد ، واسلاو هاول ایران جا می زنند ، و وقتی...

بله این صحنه های متضاد با واقعیت خاطره این "عکس یادگاری" صحنه تعزیه در ۸ سالگیم را در ذهنم دوباره زنده کرد .

اگر در عالم تعزیه و نمایش و خیال می توان بین ضدین جمع کرد ، اما در عالم واقعیات ، نشان دادن خیال و مجاز به جای واقعیات و قلب واژگان و پنهان کردن محتواهای ضد و یکسان باوراندن محتواهای ضد یکدیگر با ساختن شکل و صورت یکسان آنهم از راه قیاس صوری، تنها مهارت و سحر و معجزه و کرامات گردانندگان صحنه تعزیه "انتخابات" در نظام ولی فقیه می تواند باشد .

این امر که در نظام ولایت فقیه انتخاباتی در واقع وجود ندارد، چون نظام غیر دموکراتیک است ، غیر آزاد است ، نیمی از جمعیت ایران یعنی زنان از کاندیدا شدن محروم و همین حق نیز از اقلیت های مذهبی و نیروهای دگر اندیش و مخالف سلب شده است ، و اینکه رهبری این نظام در واقع صف ما مردم را می خواهد و نه رای ما را ، تا بلکه در سطح افکار عمومی جهان صف های ما را نشان و علامت مشروعیت داشتن خود و یگانگی ملت و نظام بیاوراند و به ضرس قاطع عاقبت نیز نامزد مود نظر خود را از صندوق بیرون می آورد ، اموری بدیهی

هستند که به خودی خود شرکت در "انتخابات" این نظام را غیر موجه جلوه می دهد .

قصه من امشب تکرار این امور نیست. امشب قصد دارم که سحرچید سحران و حافظان و منتزمان به نظام فرعون و مافیایی ولایت فقیه را شناسایی کنیم و راه حل بسنجیم. در جریان صحنه نمایش "انتخابات" این بار طرفداران نگاه داشتن مردم در چهارچوب متصلب این نظام جمله ای را مستمسک کشاندن مردم به پای صندوق های رای قرار داده اند. این جمله از این قرار است: "احمدی نژاد ایران را به سرایشی سقوط کشانده است پس باید به جای احمدی نژاد به موسوی و یا کروبی رای داد و اگر در رای دادن مشارکت مردم اکثریتی باشد امکان هر گونه تقلب گرفته خواهد شد"

راست آن است که با این جمله و ادعا در واقع امر پرده بر حداقل ۵ واقعیت می کشاند تا واقعیت آن ۵ امر از معرض چشمان بصیرت بین مردم پنهان بماند. با هم نظاره کنیم :

۱ - با این جمله، ابتدا احمدی نژاد تدارکات چی را مسبب همه ی مشکلات و معضلاتی معرفی می کند که منجر به خرابی های موجود در این ۳۰ سال شده است و سوراخ داعی به بزرگی ولی فقیه کنند! آنهم صرفا با این بهانه که کشور را از این موقعیت بحرانی خارج کنیم. از یاد های برند که ماهیت این نظام با بحران سازی عجین شده است بحران گروگان گیری ، بحران انقلاب فرهنگی بحران جنگ ۸ ساله بحران روابط با عربستان و مصر بحران صدور تروریسم ، کشتار حداقل ۶۰ نفر از اپوزیسیون ، بحران اتم ، بحران قتل های زنجیره ای ... همه و همه از ابتدای شکل گیری نظام ولایت فقیه کشور را به سرایشی سقوط راهبر شده است و با همه نقش مخربی که مهره ای همچون احمدی نژاد در ویرانی وطن ایفا کرده است ، به بحرانهای ساخته شده در دوران احمدی نژاد محصور نمی شود .

۲ - با جمله مذکور تدارکاتچی دیگری را که خود در گذشته در خرابی اوضاع کشور سهیم بوده و نقش موثر ایفا کرده را به جای تدارکاتچی فعلی منجی ایران جا می زنند و فراموش می کنند که سخن بر سر شخص نیست ، چرا که حتی بر فرض تحول در نظر یک کاندیدا نسبت به خطاهای گذشته خود و حر شدن وی نیز ، نیایستی ذهن از این واقعیت غفلت کند که اختیارات بسیار محدود ریاست جمهوری در قانون اساسی نظام ولایت فقیه ، جا و محل برای اقدامی که به بهتر شدن وضع مردم منجر شود ، باقی نگذاشته است جز تدارک دیدن اختیارات و امکانات ولی فقیه برای سرکوب حقوق ملت .

۳ - در جمله مذکور وقتی می گویند ایران در سرایشی سقوط است، هر عقل سلیمی اذعان می کند که در شرایط سقوط یک کشور ، و خامت اوضاع ایجاب می کند که تغییرات اساسی و ساختاری را پیشه کرد تا مملکت از خطر سقوط برهد و نه اینکه آنها را به تغییرات جزئی و به قول آقای موسوی ، تغییرات مدیریتی تقلیل داد . تغییراتی در سطح برداشتن گشت ارشاد که آنهم در حیطه اختیارات ولی فقیه است و یا دایر کردن دوباره سازمان برنامه و بودجه . وقتی ملتی در بیش از ۳ دهه حقوق ابتدای اش پایمال شده است تغییرات جزئی و ریزنی ها ، در نظامی که راس آن تام الاختیار است و حرفش فصل الخطاب تلقی میشود آنهم به این معنی که هیچ کس را یاری دم بر آوردن و اظهار کوچکترین مخالفتی با امر اونیایستی باشد ، نمی توان تضمینی پایدار برای تحقق آن حقوق دانست .

۴ - و اما واقعیات چهارمی را که با جمله مذکور از دیده ها پنهان می نمایند ، این است که بسیاری از اصلاح طلبان حکومتی (و حتی برخی ملی ، مذهبی ها منجمله آقای سبحانی) فراموش می کنند که آنقدر ضرورت وجود و ادامه حیات نظام حاکم را اسطوره کرده اند که بارها ندا داده اند(خصوصا در زمان کشتار

دانشجویان در ۱۸ تیر ۷۸ در روزنامه نشاط مقاله نوشتند که): "در صورت نبود و سقوط نظام ولایت فقیه کشور دچار اکنون با پشتیبانی از جمله فوق الذکر ، اذعان می دارند که سقوط ایران در زمان حیات نظام حاکم امکان پذیر است ! اما متاسفانه هنوز نیز با ذکر و تکرار جمله "احمدی نژاد ایران را به سرایشی سقوط راهبر می شود" توجه اصلی مردم را از واقعیت اصلی که کلیت نظام و رهبری در راس آن است، منحرف و به سوی تنها یک مهره ای همچون احمدی نژاد می چرخاندند. جمله فوق الذکر را پوششی می کنند بر این واقعیت که خشونت ها و سیاستهای مخرب کل نظام ولایت فقیه است که ایران را به ورطه سقوط کشانده است و با از بین رفتن عامل اصلی سقوط ، ایران نه تنها به ورطه سقوط کشیده نمی شود بلکه حیات و بالندگی می گیرد .

۵ - پرده پنجم را بر این واقعیت میکشاند که حق ، ولایت جمهوری مردم است که با وجود ولایت فقیه تام الاختیار مطلقه نقض شده است و رای دادن نه اعاده این حق بلکه وسیله ای برای مشروعیت دادن به ولایت مطلقه است. می در فرای انتصابات خواهیم دید که این نظام از حضور مردم در پای صندوق های رای سوء استفاده کرده و ضمن جا سازی نامزد خود در صندوقها ، شرکت مردم را به افکار عمومی نمایش اقتدار و مشروعیت خود وانمود می کند. چرا که نباید فراموش کرد قانون قدرت ایجاب میکند تمرکز هر روز در دست ولی فقیه بیشتر شود و برای این تمرکز نظام نیاز به نامزدی مطیع و فاسد

که جدا جز تداکاتچی نقشی دیگر ایفا نکند . دارد از اینرو حتی تغییرات بسیار جزئی را نیز بر نمی تابد. لذا چاره نه شرکت در "انتخابات" بلکه سازماندهی مردم برای مخالفت با مانع اصلی که کل نظام است می باشد.

بنا بر توضیحات فوق محرز شد که باجمله مزبور در صورت با دو محتوای متضاد یکسان باوراند می شود : از مردم خواسته می شود الف - حق حاکمیت خویش را نادیده بگیرند و ب - در برابر تضاد با احمدی نژاد ، تضاد اصلی خود با کل نظام را از یاد ببرند و ج - هر مردم جهان با صف بستن در جلو حوزه های رای یگانگی نظام و ملت را نمایش بدهند . البته همه میدانیم آنهاهی که قلم و قلم خود را در خدمت می سپارند ، ولو پاک ترین کسان نیز باشند، هر روز بیشتر از روز پیش، بوم و رنگ آن نظام را به خود می گیرند. از این رو است که ، از خاصیت های تحریم آنهم تحریمی که ولایت جمهور مردم را به خود آنها باز میگرداند ، یکی شفاف کردن هویتها و راه و روشها است

۱ - تحریم نمایش "انتخابات" این امر را خاطر نشان عقل بصیرت بین می کند که جهت تحول هر قدرتی از بد به بدتر و از بدتر به بدترین است . بنا بر این ، با تسلیم شدن به بد ، آدمی فراموش می کند که "مذاهب است تسلیم بدترین که خود نظام ولایت فقیه است ، شده است .

۲ - تحریم اهمیت این امر گوشزد می کند که نیمه رها کردن تجربه هایی که یک ملت کسب می نماید ، منجر تحمل دوباره خسارات می گردد . و یاد آور این امر است که تجربه سرکوب مطبوعات و قتل های زنجیره ای و ایلغار کوی دانشجویان در ۱۸ تیرو تشدید تضییع حقوق ملت و تقویت باندهای جدید مافیا و مطلق العنان بودن دولت سایه و ... در ۸ سال دوران اصلاحات این امر را بر همه کسانی که به اصلاح پذیر بودن نظام ولایت فقیه باور داشتند و آنرا جدی گرفته بودند آشکار گرداند که اصلاحی که خواهد در چهارچوب نظامی صورت گیرد که در آن قدرت در ولی فقیه فوق قانون تمرکز یافته است ، تنها در راستای گسترده تر شدن اختیارات ولی فقیه میسر است و نه در مسیر تحقق حقوق ملت.

احال اگر کسانی خود را به خواب می زنند و از تجربه درس نمی گیرند ، نتایج آن

خیال خوش را بزودی به مثابه واقعیتی تلخ خواهند دید .

۳ - تحریم عملی انفعالاته نیست ، بلکه خود عملی کنش گر و آغاز یک حرکت معین با اهداف و نتایج مشخص است .

۴ - مادامی که اذهان مردم محل عمل را چهارچوب متصلب نظام ولایت فقیه بدانند ، هر عملی واکنش محتوم حاکم و محدوده تنگی میشود که این نظام از قبل برای مردم تعیین میکند .

۵ - حرکت تحریم واجد این حسن عظیم است که محل عملش و خاستگاهش نه درون نظام حاکم که خود مردم است. این تغییر محل عمل است که باز کننده جولانگاه فراخ عمل برای تحقق حقوق ملت است .

۶ - حسن دیگر تحریم این است که مبنای عمل را نه محدوده ناتوانی ذاتی نظام حاکم ، بلکه بر توانایی بی کران یک ملت مصمم به تحقق خواسته های خود ، می گذارد . ما مردم و شهروندان ایرانی چنانچه یکپارچه دست به عملی همچون حضور میلیونی خود در تظاهرات پایان دوره شاه در داخل و خارج از کشور بزنیم ، هیچ نظامی هر چند مسلح تاب تحمل این حضور متحد یک ملت که مرز نمیشناسد و تمامی ایرانیان اقصی نقاط کشور را با یک هدف بهم می پیوندد و توانایی منبعث از آن را نخواهد آورد .

۷ - هر چقدر شرکت در "انتخاباتی" که نظام حاکم مختصات و ویژه گیهایش را تعیین کرده است ، منجر به از هم گسستگی و انشقاق و حتی تضاد میان بخشها و گروه های مختلف مردمی میشود ، تحریم سازنده همبستگی و اتحاد عمل یک ملت است که خواسته های مشترکش ضامن واقعی جمهوریت و تحقق حق حاکمیت ملی میباشد .

۸ - در سایه این همبستگی ، جنبشهای زنده و فعال و متنوع مردمی تحقق مطالبات خود را نه از نظامی مستبد و ناتوان و ضد رشد و آزادی خواستار خواهند شد بلکه با تکیه بر اصل تعمیم رهبری کلیه شهروندان بصورت مساوی و برابر در قبال تحقق حقوق ملی خود کوشا میشوند. ۹- تحریمی اینچنینی نه تنها ابتر نیست و به عدم شرکت در "انتخابات" خلاصه نم ی شود، بلکه واجد چند حسن دیگر نیز هست:

الف - ما مردم را مشوق می شود که تحقق خواسته های خود را از دیگری خصوصا قدرتی بیگانه با آن خواسته ها چه در داخل و چه در خارج ، طلب نکنیم . لذا عملکردی واقعی را به معنای عمل کنشگرانه خود ملت و نه منفعلانه منتظر تغییرات ناچیز از طرف نامزدهای مورد تایید نظام شدن ، امان میزند .

ب: سبب می گردد که ما مردم به این مصلحت ضد حقیقت باور نیابوریم که ناتوانی و عجز نظام حاکم را در احترام به اجرای حقوق ملت ، به زیاده خواهی و مضموم بودن مطالبات حداکثری خود تعبیر کنیم. چرا که اولاً حقوق ذاتی انسانها هستند. حقوق ذاتی را منجمله حق حیات را نمی شود به شکل نیمه خواستار شد ! و نیز هیچ مقام و قدرتی مالک آنها نیست. ثانیاً این ذهنیت راهگشا را جانشین میکند که نمیتوان از اجرای حقیقی و یا حقوق بنام رعایت حقی دیگر چشم پوشید. از اینرو مطالبات حد اکثری تحقق حقوق همه اقلیت ملت را در بر خواهد گرفت و جلو تضییع حقوق ملت را به نفع قدرت حاکم می گردد .

ج: با عمل کنشگرانه تحریم، ملت ایران که در قرن معاصر خود در منطقه و سطح جهان پیشتاز برداشتن موانع تحقق مردم سالاری بوده است و نیز فرهنگ و ادب کهن این مرز و بوم رسالت تبیین و تدوین آگاهی ملی و مبارزه با ذهنیتهای مانع و رادع را همواره بر دوش گرفته ، خط بطلانی بر ذهنیت کاسیکارانه محاسبه "هزینه و فایده" آنهم در امر مهم مبارزه که به سرنوشت نسل کنونی و نسلهای آینده مربوط است ، می کشد .

د- تحریم دنباله دارد در مسیر تجربه بر ما مردم نشان میدهد که نه عمل به تحقق خواسته ها ، بلکه وجود و ادامه حیات نظام حاکم است که بارزترین عامل از هم گسیختگی سامان اجتماعی ما ملت بوده و

مستلزم پرداخت گزاف ترین هزینه ها برای ایران شده است . هر اندیشه راهنمایی که بیان قدرت باشد، اساس را بر ناتوانی و نادانی انسان میگذارد . ترس از وخیم تر شدن اوضاع را دستمایه دل دادن به تغییر جزئی می کنند که در آن نیز باز عوامل نظام فعال مایشاء هستند . تا مجموعه ترسهای القایی مانع از مقایسه چند و چون خشونتهای روزمره ای بشود که در ابعاد مختلف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که اکنون و هر روز به عینه بر ملت روا میروند ، با خشونت های فرضی و قابل پیشگیری که اگر به جنبش همگانی برخیزیم، رژیم توان بکار بردنشان بر ضد ما را خواهد یافت! باز می دارد. در این امر که نظام مافیایی ایبایی از کشتار مردم ندارد کسی شک ندارد . اما رسیدن به مردم سالاری نیز مستلزم روحیه مقاومت و تهور است و خوشبختانه نمونه های رشادتهای ملت ایران در تاریخ پر فراز و نشیب وطن برای تحقق آرمان ها بی نظیر است .

د- تحریم عملی است که در نفس خود باعث میشود با عجزهای خیالی خویش وداع گوئیم ، دنیای عجزها را ترک کنیم و قدم در دنیای انسانهای آزادی بگذاریم که مصممند زندگی در نظامی مردم سالار و حقوقمند را جانشین نظامی کنند که عامل مشکلات ماست .

بارها شده است که کسانی بخصوص به بخشی از تحریم کنندگان که در خارج کشور به مبارزه مشغولند می گویند : شما از دور دستی بر آتش دارید. این ماییم که در زجر روزمره زندگی می کنیم و انتظار داریم حتی در حد فرصت نفسی گشایش ایجاد شود! لذا مشکل ما مردم را در عمل در چهارچوب نظام متوجه نمیشوید .

بایستی به این استدلال پاسخ داد که بر فرض که ما شهروندان ایرانی مقیم خارج از کشور واقعا قادر به درک میزان فشار بر شهروندان داخل نیستیم! اما تناقض در درون این گفته نهفته است. چرا که هر عقل سلیمی تشخیص میدهد که اتفاقا همه کسانی که در جزرومره زندگی می کنند ، جهات خلاصی از این وضعیت مبیایستی مسلما تلاشی چند برابر برای شناسایی عامل و مسبب اصلی خود کنند .

پس بایستی شاهد تلاش آنها برای رفع درد اصلی بود نه مسکن و تخدیر موقت پله پله طالب حقوق شدن و با دست خود حقوق تفکیک ناپذیر را از هم منفک کردن و به حداقلها راضی شدن! حال با رای دادن به آقایان موسوی یا کروبی درد اصلی جامعه ایران جدا رف می گردد؟ و میتوان ریشه و عامل اصلی خشونتها و سرکوبها و سیاستهای مخرب را شناسایی کرد؟

تحریم توجه چشمه ی بصیرت را بر روی این امر بر میگرداند که اصلی اساسی را نباید فراموش کرد ، اصل حق مردم در زیست در نظامی مردم سالار است . براسی شکر فر است که برای آن کسانی که مر م را به رای دادن به مشروعیت نظام حاکم ترغیب میکنند ، تصور لحظه نبود این نظام و تلاش همه ایران و ایرانیان در سامان دادن به دوره گذار از این نظام و استقرار نظامی حقوقمند که کنشگران آن نه قدرت حاکم که تک تک ما ایرانیان باشیم سخت ترو دل خوش کردن به آزادیهای قطره ای و ادامه زیستی خفت بار در سلطه نظام حاکم!؟! تحریم ادامه تلاشی همگانی است که به جای اینکه جنبشهای مردمی را ابزار ادامه حیات نظام حاکم بگرداند ، نضج گرفتن و قوت آنها را نشانه بالندگی ملت و خواست عمومی بر نبودن نظام ولایت فقیه و اراده ساختن نظامی مردم سالاری می داند .

شراب لطف خداوند را کرانی نیست کرانه گر بنماید قصور جام بود صداقت ، تعهد و مسئولیت انسانی ایجاب می کند که قصور تسلیم به قدرت حاکم و روحیه استیصال را کرانه آزادی نگردانیم و میل و اراده مردم به برپایی نظامی حقوقمند را نادیده نگیریم.



آقای میر حسین موسوی بعد از اعلان نتایج انتخابات گفت " نتایجی که برای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد بهت آور است. " و یا آقای ابضحی گفت " که آقایان مهدی کروبی ، محمد خاتمی و اکبر هاشمی رفسنجانی در یک حالت بهت زدگی به سر می برند. " و دیگر رهبران اصلاح طلب هم اعلام بهت و شگفت زدگی نمودند.

کودتا بر علیه رای مردم در ایران بخصوص در رژیم جمهوری اسلامی به هیچوجه بهت آور نیست، زیرا بارها مردم ایران شاهد و ناظر کودتا بر علیه رای شان بوده اند. کودتا شاه بر علیه حکومت ملی شادروان مصدق اولین کودتا بر علیه رای مردم بود. با تاسیس رژیم جمهوری اسلامی این عمل شیوع ضد مردمی پی در پی ادامه داشته است . دانشجویان پیرو خط امام با اشغال غیر قانونی سفارت آمریکا اقدام به کودتا بر علیه دولت بازگران نمودند و آقای خمینی ضمن ادامه جنگ عراق با ایران بر علیه اولین رئیس جمهور منتخب مردم آقای ابوالحسن بنی صدر کودتائی ترتیب داد. آقای خمینی در نفی وی اهمیت جلوه دادن رای مردم تا انجا پیش رفت که گفت " اگر سی و پنج میلیون بگویند آری من می گویم نه. " و سپس آقایان احمد خمینی ، علی خامنه ای و هاشمی رفسنجانی مشترکاً کودتائی بر علیه آقای منتظری طراحی نمودند. مردم ایران با شرکت وسیع خود در انتخابات سال ۱۳۷۶ و انتخاب آقای خاتمی تلاش نمودند "نه" بزرگی به رهبر معظم انقلاب نثار سازند تا بدین طریق حکومت قانون و جامعه مدنی پیشهادی آقای خاتمی را برپا نمایند. اما فرماندهان سپاه و نیروهای امنیتی با یاری آقای خامنه ای با شکل دادن بحرانهای روزانه عملاً در مقابل رای مردم قرار گرفتند و آرام آرام بر علیه رای مردم به کودتای خود جامه عمل پوشاندند. قابل ذکر است سکوت و تسلیم شخص رئیس جمهور در مقابل رهبر و بی لیاقتی و ناکارائی دولت اصلاحات خود عاملی شد تا بعد از هشت سال حکومت اصلاحات احمدی نژاد با تقلبی چشمگیر برای اولین بار بر مسند ریاست جمهوری تکیه زند. اکنون با کودتای از قبل طراحی شده بر علیه رای مردم در بیت رهبری توسط سپاه و نیروهای امنیتی چنان توهینی به شعور مردم نمودند که مردم ستمدیده و در بند کشورمان بویژه جوانان غیور ما روز ۲۳ خرداد در بهت و شگفت غیر قابل تصویری فرو رفته بودند.

کودتا بر ضد رای مردم و مردم بر علیه نظام

(نبرد رفسنجانی و خامنه ای)

ملت به صحنه آمده است و بازی را با خنده اند آنان بدنبال ایجاد تنش هستند، لذا از این ملت خواهش می کنم که آرامش را حفظ کنند. " آری این کودتا بر علیه رای مردم است که وزارت کشور و شورای نگهبان تعداد واجدین شرایط را برخلاف مرکز آمار از ۵۱ میلیون نفر به ۶۶ میلیون نفر تقلیل دهند و تعداد واجدین شرایط شرکت کننده در انتخابات دوره نهم و دهم یکسان باشند تو گویی در عرض ۴ سال ریاست جمهوری احمدی نژاد نه کسی به سن رای دهی رسیده است و نه کسی به رحمت ایزدی پیوسته است. این چه انتخاباتی بود که یکروز قبل از رای گیری هم کیهان حسین شریعتمداری و هم خیر گزاری فارس پیروزی قطعی احمدی نژاد را با کسب ۶۵ درصد آرا اعلام می دارند. چگونه ممکن است آقای کروبی ۳۳۰ هزار رای بیآورد در صورتیکه بقول آقای مرتضی الویری فقط فعالین ستاد آقای کروبی در سرتا سر ایران ۸۰۰ هزار نفر بوده اند. این چه انتخاباتی بود که نه رای سفید داشت نه رای باطله و نه کسی آنرا تحریم کرده بود. این کودتائی است تدارک دیده شده توسط رهبری که بفرمان او حتی صندوقهای آرا هم باز نشده بودند زیرا رهبری از قبل معین کرده بود که احمدی نژاد باید رئیس جمهور شود آنها هم با رای قریب ۶۵ درصد همان عددی که اتفاقاً روز نامه کیهان شریعتمداری یکروز قبل از نتایج انتخابات آنرا اعلام کرده بود. آری خامنه ای کودتا را رهبری نمود تا بار دیگر مردم را تحقیر و خوار شمارد. اگر غیر از این است پس چرا بر خلاف قاعده خامنه ای قبل از شورای نگهبان و اعتراض یا عدم اعتراض کاندیدها عجولانه نتایج انتخابات را تأیید کرد و برحمایت خود از انتخاب مجدد احمدی نژاد تأکید نمود تا به خیال خود دیگران اعتراضی به انتخاب او نکنند

علت العلل کودتا و هدف آن

هدف: مافیای احمدی نژاد بسرگردگی خامنه ای با مطرح کردن شعارهای پوپولیستی مبارزه با مفسدان اقتصادی سعی نمود در دل مردم به تنگ آمده از فساد اقتصادی رواج یافته در ایران

جائی باز نماید که قدری هم موفق شد. سپس با ارسال عباس پالیزار در دانشگاه های مختلف و افشای رقیب مقابل به سرگردگی رفسنجانی که خود را یاران واقعی " امام " خمینی می دانند به مصاف برخاست و احمدی نژاد در مناظره تلویزیونی خود با میر حسین موسوی از یمین و یسار به هاشمی رفسنجانی ، خاتمی ، نوری ، کروبی و دیگر سران جناح مخالف تاخت تا هم به مصاف آنان رفته باشد و هم دیگران را مسئول مشکلاتی که مانع اجرای برنامه ها و تحقق وعده هایش در طول چهار سال ریاست جمهوری بوده است ، معرفی کند . در واقع آقای خامنه ای با قطع ارتباط با یاران و همکنان دیروز خود در خدمت فرقه مصباحیه قرار گرفته است و فرقه مصباحیه از طریق برپائی مناظره تلویزیونی علاوه بر گرم کردن بازار انتخابات و کشاندن مردم به شرکت در رای گیری هدف دیگری را که همانا بی اعتبار کردن یاران و همراهان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران یعنی خمینی بود را دنبال کردند و بدین طریق هم به امام و هم به یاران نزدیک امام و هم به پیروان خط امام تو دهنی محکمی نثار فرمودند.

همانطور که می دانیم در چهار سال اول ریاست جمهوری احمدی نژاد تمامی اعضای دولت او یا نظامی و یا امنیتی بوده اند؛ اما اکنون با اجرای کودتا بر علیه رای مردم نظام ولایت مطلقه فقیه قصد دارد از شکل ظاهری کنونی خارج شود و حکومت نظامی همچون پاکستان ضیاءالحقی بر پا سازد یعنی نظام جمهوری اسلامی پاکستانیزاسیون میشود و با مادام العمر کردن ریاست جمهوری نظام حاکم از جمهوریت خارج گردیده و مبدل به حکومت اسلامی می گردد. در آن هنگام است که قدرت از دست همه ارگانهای ظاهراً مردمی مثل مجلس، شورای شهر و روستا و.....خارج شده و بدست سرداران سپاه می افتد. حکومت نظامی تاسیس شده تمام ارگانها چون مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و غیره را که در تئوری و عمل باید رهبری نظام را تحت نظر داشته باشند از بین می برد و خود رادر ظاهر فقط به رهبری که در دست آنان گرفتار است پاسخگو خواهند دانست. تا بعد از او مصباح

یزدی را به اریکه ولایت مطلقه فقیه برسانند.
علت العلل:

در حقیقت علت اصلی کودتا بر علیه رای مردم جنگ رهبری بین خامنه ای و رفسنجانی است و این دو نفر در جریان رقابتهای انتخاباتی به مصاف یکدیگر برخاستند و حریفان در جنگ تن به تن نمایشی از یک زور آزمائی بی رحمانه در برابر میلیونها تماشاگر مناظره تلویزیونی ارائه کردند. نماینده خامنه ای احمدی نژاد و نماینده رفسنجانی میر حسین موسوی بود. تیرا احمدی نژاد در مقام نمایندگی خامنه ای در ابتدا شلیک کرد و آشکارا از توطئه رئیس مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام یعنی رفسنجانی بر علیه خودش بخوانید خامنه ای سخن گفت. رفسنجانی در واکنش شدید الحنی به خامنه ای نامه نوشت و از او خواست آتش فشان را خاموش کند و گرنه دود آتش به چشم همه می رود. بعد از انتخابات سید علی خامنه ای شخصاً به میدان آمد و قبل از تأیید انتخابات توسط شورای نگهبان صحت انتخابات را اعلام کرد تا همه را مقابل کار انجام شده ای قرار دهد. نبرد به خیابانها کشیده شد و لی مردم بدون توجه به جنگ قدرت می خواهند از رای خود صیانت کنند و آتش زیر خاکستر خود را بروز دادند. خامنه ای و رفسنجانی در نبرد خود مردم را وجه المصلحه قرار داده اند ولی مردم بدون توجه به نبرد قدرت به خیابانها سرازیر شده اند و شعارهایی علیه کل نظام بیان نموده اند و نظام ولایت مطلقه فقیه را آنچنان به چالشی کشیده اند که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ما شاهد چنین چالشی بین مردم و رژیم نبوده ایم . صرف نظر از اینکه چه کسی باید رئیس جمهور دوره دهم شود مردم ایران بدون آنکه در دام این یا آن جناح حکومتی قرار گیرند باید هر چه سریع تر مرزها را بشکنند و ضمن همبستگی جنبش عمومی ضد ولایت مطلقه فقیه خود را بطور مسالمت آمیز گسترش دهند تا نظامی بر پایه استقلال - آزادی و حکومت مردمی بنا سازند. هم اکنون توازن قوا بهم خورده و شکاف جدی بین جناحهای قدرت و حضور قدرتمند مردم در صحنه برای تعیین حق حاکمیت خویش رژیم را در آستانه مرگ حتمی قرار داده است. مرگ نظام ولایت مطلقه فقیه زمانی به وقوع می پیوندد که مردم ایران بیش از پیش امید به آزادی و استقلال خود را باز یابند و عظمت قدرت و توانائی خود را در یابند.

سربلند و پیروز باشید

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ یورو، اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ یورو لطفاً بفرستید. وجه اشتراک را نقد و یا پست سفارشی یا بچاسب بانک واریز فرمایید.

Nr. 726 22 Jnn - 5 Jul 2009

توجه! درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی در هجرت نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی و صرفاً بیانگر نظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده، این نشریه در قبال آنها، هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد!

تحریم، همواره دعوت به جنبش همگانی بوده است

هرگاه پاسخ پرسش این باشد که مردم فرصت را برای ابراز اراده خود به آزاد زیستن مغتنم شمرده اند، پس بیشتر از حداقل (یعنی تحریم)، عمل کرده اند و در جنبشی یکدیگر را باز یافته اند که آنها را از توانائی جمعی شان آگاه می کند.

• ابهام در روش: هرگاه هدف، عبور از رژیم باشد، شرکت در دادن رأی ناقض هدف می شود. مگر این که رأی دهندگان رأی به آقای موسوی را بر ند و یا دست کم بر این باور باشند که او از استقلال رأی نسبی برخوردار است و یا با رأی دادن به او، وضعیتی پدید می آید که می توان از ولایت مطلقه فقیه عبور کرد.

اما گفته می شود مردم کشور چون چشم انداز روشنی را پیشرو ندارند، از تغییر رژیم مأیوس و به حداقل قانع شده اند. این برداشت از رفتار جمعی مردم، تناقضی آشکار در بردارد: مردمی که رژیم را توانا و خود را ناتوان بدانند و چشم اندازی هم پیشرو نبینند، به صندوقهای رأی هجوم نمی برند برای این که بر قدرت رژیم و ناتوانی خود بیفزایند. به «حداقل» قانع شدن، جنبش رفتاری را توجیه نمی کند. زیرا دولتی که قدرتمند تر می شود به مردمی که ناتوان تر می شود، حداقل را نیز روا نخواهد دید.

• ابهام در دوره: کسانی که می خواهند رأی بدهند، اینطور استدلال می کنند که در دوره خاتمی وضع بهتری داشتیم. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، شرکت نکردیم، احمدی نژاد رئیس جمهوری شد و وضع ما بدتر شد. این ادعا تناقضهای آشکار دارد: اگر وضعیت در دوره خاتمی بهتر شده بود، چرا به نامزد «اصلاح طلبان» رأی ندادند؟ و نیز، یک نگاه به آغاز و پایان دوره خاتمی، جا برای تردید نمی گذارد که وضعیت از بد به بدتر گرائیده است و همین امر سبب تحریم وسیع انتخابات شده است. همین طور، در پایان دوران چهار ساله ریاست احمدی نژاد، وضعیت بدتر از آغاز این دوره شده است. علت نیز اینست که مسبب بدتر شدن مداوم وضعیت، نه یک مهره که «نظام جمهوری اسلامی» است.

• ابهام از رهگذر ناچیز کردن نظام سیاسی در شخص. وقتی مردمی آقای

احمدی نژاد را عامل بدتر شدن وضعیت خود و کاهش اعتبار کشور در جهان می دانند، خود را با منطق صوری می فریبند. آقای احمدی نژاد تربیت شده نظام و مهره ای در این نظام است. بدترین، ولایت مطلقه فقیه است که چنین کسی را بعنوان رئیس جمهوری به مردم کشور تحمیل می کند. ماندن در این فریب، تن دادن به وضعیتی است که دائم بدتر می شود.

هرگاه مردمی که به پای صندوقهای رأی می روند، آقای احمدی نژاد را نماد رژیم می دانند و می خواهند او را شکست بدهند، بخشی از ابهام از میان می رود. بسا وجدان جمعی، این سان داوری کرده است که ماجرای دوم خرداد را همچنان باید تکرار کرد تا که ولایت مطلقه فقیه از میان بربخیزد. این همان شیوه نمد مالی می شود که تاریخ ایران بسیار بخود دیده است. باوجود این، تمامی ابهام رفع نمی شود: کسی که به او رأی می دهند، می باید نه چون مهره ای از رژیم که به عنوان منتخب مردم عمل کند. با وجود این، تغییر منتظر همچنان در گرو آنست که وجدان همگانی رأی سنجیده و روشنی نسبت به الغای ولایت مطلقه فقیه و استقرار جمهور مردم صادر کند. این ابهام ها تمامی ابهامها نیستند. اما مهم ترین آنها بشمار میروند. «فکر جمعی جبار»ی که عنان دار عقل جمعی گشته است، از جمله، در پیدایش و عنان داری، از این ابهامها سود جسته است. در حقیقت، هر ابهامی پوششی است که عقل را نخست از دیدن حق باز می دارد و سپس، ناحق را در نظری حق جلوه می دهد. ابهامهایی که یکچند از آنها خاطر نشان شدند، به ما می گویند: حق در چندین پوشش مستور و از چشم عقل جمعی پنهان و ناحق در این چشم حق جلوه می کند. متأسفانه امروز در ایران، نه تنها ابهام زدائی رویه نیست، بلکه رویه ابهام سازی است. هم در بعد سیاسی و هم در بعدهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، دستگاههای سازنده ابهام بر کارند. خطر آن وجود دارد که چشم عقل جمعی یکسره از دیدن حقوق انسان و حقوق ملی، ناتوان شود. از این دید که بنگری، تحریم در «به پای صندوقهای رأی نروید» خلاصه نمی شود. تحریم مجموعه ای از ابهام زدائی است. این جانب با تمام توان و بطور پی گیر به مجموعه ای از ابهام زدائی پرداخته ام. کار بایسته اینست که در خود کشور، ابهام زدائی

در هر چهار بعد واقعیت اجتماعی، رویه همگانی بگردد.

۸- هرگاه جنبش وسعتی را یافته باشد که پرسش کننده توصیف می کند، پس شرکت در رأی دادن برای این که آقای احمدی نژاد انتخاب نشود، در حوزه وجدان همگانی قرار گرفته است. رفتاری مشابه در سرتاسر کشور، بدون حکم وجدان همگانی، پدید آمدنی نیست. اگر وجدان جمعی فرمان داده است که همگان به پای صندوقهای رأی بروند، پس می باید دستیابی به حقانیتی (= مجموع حقوق) را هدف قابل وصول یافته باشد. از ویژگی های حق یکی اینست که همگانی و همه مکانی و همه زمانی و بخصوص توانا به پدید آوردن اجماع است. بنا بر این، اگر هم حقانیتی (ولایت جمهور مردم) که برانگیزنده وجدان همگانی است، بطور کامل و شفاف بر این وجدان معلوم نگشته باشد، «فکر جمعی جبار» خود می گوید که روشن و مبهم بر او معلوم شده است. چرا که، اگر وجدان همگانی بر حقی که ولایت جمهور مردم است آگاهی روشن و مبهم پیدا نکرده بود، ممکن نبود بر اساس آن، «فکر جمعی جبار» ساخت.

بدین قرار، هرگاه جنبش همگانی شده باشد، یک رشته داوریهای ذهنی نادرست از کار در می آیند:

• وجدان همگانی نمی تواند حکم کند امیدی به تحول نیست و پدید مردم ناتوانند و در همان حال، از مردم بخواهد به پای صندوقهای رأی بروند و رأی بدهند تا رژیم توانا تر و مردم خود، ناتوان تر گردند.

• وجدان همگانی نمی تواند به مردم حکم کند به پای صندوقهای رأی بروند و «بخاطر حداقل» که هیچ معلوم نیست چیست، آرای خود در صندوقها بریزند. زیرا هم قابل شدن به جزئی از حق، درواقع انکار حق است و هم این که «حداقلی» که رأی دهندگان بخاطرش به پای صندوقهای رأی می روند، در اختیار رأی دهندگان نیست. اختیار دادن و ندادن آن با رژیم است. قدرت حاکم نیز نمی تواند این حد اقل را به مردم بدهد زیرا بنا بر قانون هایی که قدرت از آنها پیروی می کند، روند عمومی، روند از بد به بدتر است. به سخن دیگر، آنها هم که بخاطر حداقل رأی می دهند، بر حق خویش در کمال خود، آگاهند. وجدان همگانی جز آگاهی همگانی بر حقوق ایرانیان، بمثابه انسان ها و بمثابه یک ملت، نیست.

• وجدان همگانی نمی تواند از جمهور مردم بخواهد به صحنه آیند اما خود خویشان را در محدوده رژیم فرموده زندانی کند. زیرا این محدوده، محدوده تضاد با حقوق است. پس این برداشت که جوانان به صحنه آمده اند نه برای تغییر بلکه برای «هوا تازه کردن» و استفاده از فرصت چند روزه و اگر آقای موسوی انتخاب شد، اندکی «آزادی بیشتر در پوشش و به خیابان درآمدن دختر و پسر دست در دست یکدیگر»، نادرست است. در حقیقت، آنها هم که توقعشان در این حد است، استقلال و آزادی کامل را بسیار بیشتر دوست می دارند.

• وجدان همگانی نمی تواند از جمهور مردم بخواهد از حقوق خویش یکسره چشم ببوشند و به پای صندوق های رأی بروند و بعنوان آلت بسود این گرایش و به زیان گرایش دیگر، بکار روند.

تکرار کنیم: هرگاه جنبش همگانی، بنا بر این، تحت فرمان وجدان همگانی باشد، پس می باید حقی خواست همگانی شده باشد. اگر این حق، حق ولایت جمهور مردم باشد، جنبش تحریم پیروزی بزرگی را بدست آورده است. هم نامه آقای هاشمی رفسنجانی به آقای خامنه ای می گوید، که این حق خواست عمومی گشته است، هم سنجش افکاری که یک مؤسسه امریکائی انجام داده است می گوید، این حق خواست همگانی شده است و هم شعارهایی که در شهرهای مختلف، همه روز، بر زبانها آمده اند می گویند که مردم ایران آزاد شدن از ولایت مطلقه فقیه و دولت استبدادبان را هدف کرده اند و می کنند.

با وجود این، معرفت وجدان همگانی بر ولایت جمهور مردم، بمثابه یک خواست همگانی، کامل و شفاف نگشته است. وجود «فکر جمعی جبار» و نیز روشی که رأی دهندگان بکار می برند، ما را از این واقعیت آگاه می کنند.

بدین قرار، پرداختن به شفاف کردن حقی که می تواند اجماع پدید آورد، حق جمهور مردم بر ولایت، کاری است که بیشتر از هر زمان دیگر، می باید در دستور قرار گیرد.

هنوز پاسخ به پرسش اول کامل نگشته است. برای این که تأمل برای پرسش و پاسخ بر پرسش کننده گرامی و خوانندگان، همه جانبه تر گردد، قسمت دوم پاسخ را به نوبت دیگر باز می گذارم.

نهضت ملی ایران و دشمنانش

دشمنانش

به روایت اسناد

ابوالحسن بنی صدر

- جمال صفری

عدالت اجتماعی

نویسنده: ابوالحسن بنی صدر

چاپ: انتشارات انقلاب اسلامی
آدرس: انتشارات انقلاب اسلامی

Enghelab Eslami Zeitung
Postfach 11 11 18
D - 60046 Frankfurt
Germany

شماره حساب انتشارات

FRASPA - Germany
Konto Nr.: 12 30 26
BLZ: 500 502 01

پست الکترونیک:

E-Mail.:
EEZ5760GOF@Aol.Com

تقابل دوخط

یا

کودتای خرداد ۱۳۶۰

تحول انقلاب از آزادی به استبداد-۳

نویسنده: محمد جعفری

چاپ اول: بهمن ماه ۱۳۸۶

قیمت در: آلمان و فرانسه ۲۵ یورو
انگلستان ۲۰ پوند
آمریکا و کانادا ۴۰ دلار

آدرس پستی:

Enghelabe Eslami Zeitung
Postfach 11 11 18
D- 60046 Frankfurt/M
Germany

آدرس پستی الکترونیک:

mbarzavand@Yahoo.com